بحر جواهر فی خواص اسماء الحسنی

امام علیه السلام و شیخین برین متفق اند که هر که در بستر خواب
پیش از صحبت با حلال خود ده بار این اسم بگوید خداوند سبحانه و تعالی
او را فرزندی صالح کرامت فرماید شیخ بونی رحمه فرموده که این
اسم مناسب احوال ملوک و سلاطین و کسانیست که طالب حشمت
و دوام جاه و دولت و قهر اعدا باشند مداومت نمایند العزیز
الجبار المتکبر و دعوت این اسما آنست که ورد ساخته
هر روز بعد دکبیر یا بعد تکبیر میم اند بعد از طلوع صبح یا بعد از
نماز بامداد پیش از سخن گفتن و با طهارت متوجه قبله بعدد که
خواهد خواند خواه با الف لام تعریف و خواه بیای ندا و عدد تکسیر
مع صدر و موخر هشت هزار و پانصد و سی عدد است و این
اسم که ده حرفست سوا حروف مکرر در شرف مشتری یا در تثلیث
و تسدیس زهره و مشتری در لوح ده در ده بحروف وضع کرده
هر که با خود دارد عزیز و مکرم گردد بطریق که وصف
نتوان کرد **الخالق** یعنی آفریدگار هر چیز بمقدار و اندازه که
شاید اهل حقیقت گویند هر که در شب این اسم بسیار

بجهت ثواب

گوید حق سبحانه و تعالی فرشته را خلق کند که تا روز قیامة عبادة
میکنند و ثواب در نامهٔ اعمال آن بنده ثبت میکنند و حضرت امام
علیه السلام فرموده اند هر که صنعتی یا کاری نازک یا خط می نویسد
از خلل آن متوهم است یا اموری که تعلق بسلاطین دارد و از
فساد آن می ترسد باید که این حروف را در مربع چهار در چهار تحریر
کرده باخود دارد و هر صباح صد بار این اسم را بگوید کار
او بدلخواه گردد و از آن شغل و عمل
نیکو بیابد و شیخ بونی رحمه گوید
هر که مداومت نماید بعد تکبیر بابعد
تکبیر حق تعالی ظاهر و باطن او را بنور عنایة منور گرداند و
و او را از جملهٔ مقبولان درگاه خود سازد و مخلوقات او را دوست
دارند از برکت این مربع و مداومت و دعوت این اسم مناسب
کسانیست که ایشانرا اولاد و توابع و فرزند کم باشد و عدد
تکبیر این اسم نزد بعضی از هزار زیاده تر است و بمذهب شیخ
مغربی رحمه دو هزار و سیصد و هشتاد و شش بار است اگر صد روز

ق	ل	ا	خ
خ	ا	ل	ق
ل		خ	ا
ا	خ	ق	ل

ق

بجهت نیکوئی در صنعت و تحکیم و عزیزی با امور که تعلق بسلاطین دارد

هر روز باین عدد بخواند او را بود دل خرم و باطن صافی و بسیار
از مشکلها که حضرت عزت بر وی آسان گرداند و هر کاری که روی
آورد از دست او بر آید و خدای تعالی او را بر سر قوم سرور
کند و حاکم سازد و اگر صنعتی داند در آن کار یگانهٔ عصر خود
گردد و از خود نیز مستغنی گردد اما باید که دایم بطهارت باشد
و مربع با خود دارد تا خواص بسیار بیند **البارئ** یعنی آفریننده
هر چیزی بصفتی و خاصیتی اهل تحقیق گویند هر که خواهد
که احصای این اسم کند باید که با خلق باری تعالی مهربان باشد
و متواضع و حرمت دارد تا حضرت سبحانه و تعالی مخلوقات را
محکوم و منقاد وی گرداند حضرت امام علیه السلام فرموده که
هر جمعه صد بار بگوید این اسم را حق تعالی او را در قبر تنها
نگذارد و مونس فرسته اهل تحقیق گویند هر که یکهفته
هر روز باین عدد بخواند خداوند جل جلاله فرشته خلق کند تا مونس
او گردد در قبر تا روز قیامت شیخ بونی رحمه فرموده که این
سه اسم که الرب الخالق البارئ ذکر کسانیست که محتاج

بجهت ... (margin note, partly illegible)

باشند بربی و مرشد که راه نماید ایشانرا و طالب حقیقت
باشند شیخ جلال الدین محمود شبستری رحم گفته اند
هر که هر روز پانزده بار این سه اسم را بخواند لطف حق
سبحانه و تعالی در دنیا و آخرت قرین حال او گردد و رفیق
روزگار او شود و در گور مونس او و در حشر ممد او باشد المصور
یعنی تصویر کننده هر چیز را بصورت مخصوص و شکلی که
بدان ممتاز گردند از یکدیگر شیخ مغرب رحم و حضرت امام
علیه السلام فرموده اند که هر زن عقیم که طالب فرزند باشد
باید که هفت روز روزه دارد و در وقت افطار بیست و یکبار
بصدق دل بخواند و بر آب دمد و بیاشامد حق تعالی او را فرزندی
شایسته کرامت کند دیگر و اگر زن و شوهر هر دو روزه دارند
بهتر بود و شیخ بونی رحم فرموده هر که طالب فصاحت و بلاغت
و شعر گفتن و دانستن و طالب لسان بود بذکر این اسم
مداومت نماید بعدد تکبیر بر سر آمده روزگار خود گردد و اگر
و اگر ترک کند بعد از مقصود باز از مراد راجع گردد و عدد تکبیر

یا مصور دو هزار و هشتاد و دو عدد است باید که چون بمقصود رسد
هر روز سیصد و سی و شش نوبت و ترک نکند تا دولتش مدام
بود و مقصود متصل الغفار یعنی پوشاننده زشتیها و معایب
بندگان از انواع گناه و تقصیرات و حضرت امام علیه السلام
و شیخ رحم فرموده اند هر که بعد از نماز آدینه ورد سازد و صد بار
بگوید یا غفار اغفر لی ذنوبی از جمله مغفوران گردد و حق سبحانه
و تعالی برده او را اندر زمره بندگان و شیخ رحم فرموده که بطریق
تکسیر مغرب بر خاتم عقیق نقش کرده در دست دارد اولیا را
بوی نظر خفیه واقع شود و او را دوست دارند و بیکدیگر نمایند و
در حق وی دعای خیر کنند و اگر آن خاتم با خود بقبر برد از
عذاب گور ایمن بود اما بطریق اهل مغرب دو نوع است و عار

غ	ف	ا	ر
غ	ر	ف	ا
غ	ا	ر	ف
غ	ف	ا	ر

ر تجربات [illegible]
آخر افضل از اول
است القهار
شکننده گردن‌ها

غ	ر	ا	ف
ا	ف	غ	ر
ف	ا	ر	غ
ر	غ	ف	ا

هر کردن کشی با نواع رنج وخواری اهل حقیقت کویند هر که
بامداد این اسم را بکوید محبت دنیا از دل وی برود و
حضرت امام علیه السلام فرموده هر که بسیار کوید القهار
الله تعالی غم ومحنت ورنج دنیا از دل او بردارد و بر نفس
خود غالب کردد وهر که میان فرض وسنت نماز جمعه به نیت
قهر دشمن صد بار بکوید خصمان وی مقهور شوند وصفای باطنش
حاصل کردد ودر معنی بر دل وی کشاده شود **یا وهاب**
یعنی خدای بخشاینده با نواع عطا ونعمت ظاهری وباطنی
بندکان را بی غرضی وبدلی هر که بعد از نماز چاشت سر بسجده
نهد وهفت بار بکوید یا وهاب از خلق مستغنی کردد حضرت
امام فرموده اند وشیخ بونی کفته اند که این اسم بغایت پر خاصیت
وسریع الاجابت وخواص آن بیش از انست که بشرح راست
آید وصاحبان دعوت این اسم فرموده اند هر که دعا کند
باین طریق که بعد از نماز دستها بردارد وهفت بار بکوید یا وهاب
وحاجت خواهد البته دعای او را حضرت عزت جل جلاله اجابت

بجهت نقش علم از دل طالب آمدن
بغم چو مقصود ...
وصفای باطن

بجهت مستغنی شدن از خلق
وحواجات خواستن و از روی جمیع
مرادات رسیدن

وعدد این اسما نود ونه است موافق نود ونه نام باری تعالی شیخ
مغرب فرموده اند که نیم شب با طهارت پاک رو در آسمان کند و
نود ونه بار این اسما بکوید مستجاب الدعوه کردد وچشمهای معرفت
از دل وی سر زند واز علوم لدنی با نصیب کردد واکر این دو اسم
را با نام خود عدد کیرد ودر شرف زهره در مربع پنج در پنج درج کند
وطریق آنست که از جمله عدد شصت کم کند وباقی به پنج قسم کند
ویک قسم را در خانه اول نهد وتمام کند بدستوری که مثال نمودیم
درج کند ودارنده این مربع را از عالم غیب فتوحات رسد ودایم
خوشحال وخرم کزراند ودر هیچ مجلس زرد روی نکردد وهرچه
خواند یاد کیرد واین مربع را خواص
بسیار است محمد را خواستیم با این دو
اسم عدد کریم وعدد مجموع صد ونود و
یکی شد شصت عدد طرح کردیم صد و
سی ویک باقی ماند بر پنج قسمت کردیم
قسمی بیست وشش شد کسر یکی ماند بر خانه بیست وکم یک عدد افزودیم

٣٦	٥٠	٣٢	٤٥	٢٨
٢٩	٣٧	٥١	٣٣	٤١
٤٢	٣٠	٣٨	٤٧	٣٤
٣٤	٤٣	٢٦	٣٩	٤٨
٤٩	٣١	٤٤	٢٧	٤٠

جهت مستجاب الدعوه شدن
وعلم لدنی بهم رسانیدن

دارنده این مربع از عالم غیب فتوحات رسد
ودر هیچ مجلس زرد روی نکردد
وهرچه خواند یاد کیرد

واگر کسر دو باشد بر خانهٔ شانزدهم یک عدد اضافت کنند
واگر سه باشد بر خانهٔ یازدهم واگر چهار باشد بر خانهٔ ششم یک عدد
اضافت کنند وچون تمام کند معطر ساخته در جدو با خود دارد بنیت
ادای قرض وحصول حوایج دنیا وبرامدن مرادات کلی وجزوی — جهت اداء قرض و بر آمدن مرادات
اما باید که هر روز کم از نود ونه بار نخواند وشیخ بونی رحمت الله فرموده
که هر که هر روز هزار بار بگوید هو الله الذی لا اله الا هو وبدین مداومت
نماید حق تعالے او را از اهل یقین گرداند وبمقام اهل تحقیق برساند — جهت کشف شدن و بر وهر چه خواهد
وبه درجات موحدان برسد وانچه خواهد بر وکشف شود واگر بعد از
هر ورد صباح بر هفت مویز طایفی خوانده هفت نوبه وبناشتا
بکودک کند ذهن دهد هفت روز پیوسته البته فهم او چنان شود — جهت ذهن وادراک
که هر چه بخواند یاد گیرد واگر مربع پنج در پنج که ذکر ان کردیم در شرف
زهره بنویسد وبران کودک بندد البته او را عقل وادراک بمرات
رسد که اهل علم متحیر او گردند وهم شیخ فرموده هر که بعد از نماز بامداد — جهت عقل
صد بار بگوید عالم الغیب والشهاده خدای تعالی او را از اصحاب کشف — جهت اصحاب کشف شدن
گرداند چنانکه اسرار عالم صورت ومعنی برو روشن گردد و

ومشکلات کلی وجزوی از قاری این اسما بگشاید ودر کار هر کس که شروع
کند فتح شود واز مغیبات بهره مند گردد وشیخ مغرب رحمة الله گفته اند
هر که نوزده روز بعدد حصل اسما یجبار بخواند وعدد حصل اسما هزار و
نهصد وچهل ودو است کشف قبور حاصل شود ومطلع شود بر نیکی وبدی
تمام اهل گورستان وهم شیخ فرموده که اگر بعدد کبیر میسر شود که در نوزده
روز هر شبانه روز بعدد کبیر بخواند بر مخفیات دفاین عالم مطلع گردد
وبر تمام معادن که خزاین خداوندات عالم شود وعدد کبیر عدد تکبیرات
وعدد تکبیر نوزده هزار وسیصد وچهار عدد است وهم شیخ فرموده
اند که اگر کسے را میسر شود که نوزده روز ترک حیوانی کند وازوا
اختیار کند در ایام مذکور بعدد کبیر سه نوبه تکرار کند وعود وصندل
بخور کند در حین خواندن کشف غریب حاصل شود وعالمیان مسخر گردند
وحکام زمان محتاج وی گردند بمشورت وی واو را باطن مرتبه شود
که از مشرق تا بمغرب الا ما شاء الله بر وی مکشوف گردد وبر
احوال عالم مطلع شود وعزل ونصب سلاطین داند وامور
غریبه او را دست دهد اما باید که دران ایام تقوی رعایت کنند

وصایم باشد و افطار بحلال کند و سخن کم گوید و خلوت گزیند و چون
مرادات و مقاصد او را حاصل شود تقوی لازم است دیگر انکه حکمت
هر چیزی بداند و خواص اشیا بروی ظاهر گردد **الرّحمن** یعنی بخشاینده
جمیع مخلوقات شیخ بونی رحمة الله فرموده اند هر که برین اسم مداومت
نماید بعد از هر فریضه صد بار خداوند تبارک و تعالی دل او را پاک گرداند
از ظلمت و غفلت و فراموشی و حضرت سلطان الاولیا و برهان
الاتقیا ابی الحسن علی ابن موسی الرضا علیه الصلوة و السلام در شرح
اسما نوشته اند که هر که بعد از هر نماز دویست و نود و هشت بار بگوید
جمله مخلوقات او را دوست دارند و دشمنان مهربان گردند و اهل
تحقیق گویند دعوت این اسم مناسب کسانیست که صاحب کرم باشند
و از ایشان نفع بخلق رسد و شیخ ابراهیم رحمة الله در شرح خود
فرموده که هر گراهی باشد و عاجز گردد از تدبیر آن باید که روز جمعه
بعد از نماز عصر بهیچ ورد مشغول نگردد و هیچ سخن نگوید و با حضور
دل متوجه قبله این دو اسم تکرار میکند یا الله یا رحمن تا زمانی که آفتاب
فرو رود و بعد از ان سر بسجده نهد و حاجت بخواهد البته حاجت وی

پاک شدن دل از ظلمت و غفلت و فراموشی

دوست شدن جمله مخلوقات و دشمنان

خلاص شدن از تدبیر مهمی

گردد و این تعلیم شیخ از خواجه الیاس یافته است در کفایت
مهمات مسلمانان و شرح این اسم بسیار است و شیخ مغرب رحمه فرموده
هم درین معنی که جهت مشکلات غریبه و امور کلیه بعد از نماز عصر روز
جمعه متوجه قبله بوده بسم الله الرحمن الرحیم قیام نماید و چون بانگ
نماز روی بر زمین نهد و همچنان در سجده حاجت میخواهد تا موذن اذان
تمام کند روی برداشته دستها بردارد و صلوات فرستد و مومنین
و مومنات را آمرزش خواهند برای هر مهم که باین ورد مداومت
نماید مرادات حاصل شود از بزرگی این اسم و هم شیخ فرموده که از
استاد خود استماع دارم که در شرح اسما الله هیچ اسما خداوند
بزرگوارتر ازین سه اسم نیست زیرا که اگر بزرگوارتر نبودی مقدم
بر کلام ربانی ناوردی و بر اول هر سوره از سور قرانی آن اسما مکتوب
نگشتی و در فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم حضرت رسالت صلی الله
علیه و سلم فرموده من قال بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ مَرَّةً لم يبق من
ذنوبه ذرّة راوی این حدیث عبد الله مسعود است رضی الله عنه
که حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که

برای حل مشکلات غریبه و امور کلیه

بخشیده شدن همه گناهان

بگوید که بسم الله الرحمن الرحیم یکبار باقی نماند از کنایهان او
یک ذره و هم شیخ گوید هر که بجهت فتح کارها و محفوظ بودن از بلاها
و ایمن بودن از مکر غمازان و دفع وسوسه شیطان در مربع چهار در چهار
باین طریقه بنویسد در شرف
افتاب یا ساعتی مسعود و باخود
دارد و هر روز هفتصد و هشتاد و
شش بار بخواند هر طلسمی را که خواهد

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله
الله	بسم	الرحیم	الرحمن

تواند گشود و همه مشکلات بروی اسان گردد و بعد ازان بفراغت
این عدد باید که یکصد و سی و دو بار صلوات فرستد مستجاب الدعوه گردد
و روزی بروی بگشاید و صفای باطن او را حاصل شود و هیچ کار بروی
مشکل نگردد و فتوح متواتر بوی آید از برکت و بزرگی این لوح و دوازده
این مربع باید که بطهارت باشد و مربع معطر ساخته باخود دارد و عزیز
دارد که خواندن تسمیه محو گرداند گناه صغیره و کبیره قاری را و این مربع را
خواص بسیار است و هم شیخ فرموده که هر دعا که در اول وی اللهم
یا الله باشد ان باجابة نزدیکست و از دعوت ان مراد زود تر براید و

بجهت فتح کارها و محفوظ و ایمنی بودن از بلاهای و از مکر غمازان و دفع وسوسه شیطان

و ایمن شدن از شیطان ... و جمیع کارها ... گردد و روزی ...

فرموده که هرچه جهت عزت و حکومت و طلب جاه و بزرگی و روانی دم
در اعمال و الفت دلها و فراخی روزی و هر آرزو که در دل دارد در
ساخته هر روز هزار و یک بار بخواند اَللهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهٖ یَرْزُقُ
مَنْ یَّشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیْزُ آنچه مقصود او باشد بزود تر براید و از
برای ادای قرض و خلاصی از حبس و رسیدن بعمل که از ان معزول
گشته باشد یا طلب جاه و حرمت و دفع دشمن قوی یا غیبت کردن لشکری
از گرد شهری که محاصره کرده باشند شش روز هر روز سه هزار و سیصد و سی و
سه نوبت بخواند و این عدد را جهت دفع محاصره و خلاصی کسی از حبس
جمع توانند خواند اَللهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ
و اگر این اسما در نگین عقیق یمنی نقش کند و باخود دارد خاصیت
بسیار دارد اوّل خاصیت آنست که بر دشمنان غالب آید و در نظر
خلق با حرمت بود و در معرکه خصم او مغلوب نگردد و در پیش هر بزرگی و حاکم
شرمنده و زرد روی نگردد و از مفاجاه ایمن بود تسمیه را که اسم
اسم اعظم ترتیب یافته و درین لوح درج کرده اند خواص کلی دارد
اول الله دوم رحمن سیوم رحیم است و شیخ الشیوخ العالم

بجهت انجح مقصود داشتن

برای ادای قرض و دفع کردن ... و رسیدن به سلطنت

غالب آمدن بر دشمن

قطب الاقطاب قدوة العارفین سلطان المفسرین مرشد السالکین
سر الله فی الارضین المالک الناسک الصمدانی الربانی سلطان
ابو سعید ابو الخیر الخراسانی قدس الله سره العزیز در شرح اسم
الرحمن الرحیم فرموده اند که در معنی این دو اسم فرق نیست زیرا که رحیم
و بخشاینده یک معنی دارد هر که رحیم است بخشاینده است و بخشایش از
رحیمی است **الرحیم** مهربان بندگان و جمیع مخلوقات شیخ بونی رحمة الله
فرموده اند که هر که هر روز صد نوبت احصای این اسم کند حضرت رحیم
او را مهربان و مشفق خلایق گرداند و چندانکه او بر خلق مدارم کند خلق
هم بروی رحیم و مهربان گردند و این دولت عظیمست در دو جهان
و دعوت این اسم مناسب کسانیست که مضطرب احوال باشند در هم
کار خود نقل است از شیخ عبد الرحیم غجدوانی رحمه که پسر خود را وصیت
کرد که ای پسر بر تو باد که قصابی نکنی که دل تو سخت گردد و از رحمت
خدای تعالی دور گردی و دل رحیم مرد دلیل رحمت دو جهانی باشد
یکی از اکابر این طایفه فرموده که هر که خواهد که دعوت اسمی از اسماء
الهی بجای آورد باید که اول شرایط آن مرعی دارد و شرط در خواندن

جهت رحیم و مهربان شدن

بجهت آنکسی که خواهد دعوت کاملا بجای آورد … شرایط

اما آنست که چون شروع خواهد کرد پیش از آن چهل روز یا آنچه تواند تصدق
رعایت کند و ماکول و ملبوس از حلال ترتیب دهد و بزیارت بزرگان
اقوام نماید جماعت و … و دو روغ و غیبت و فحش و ما لا یعنی کم گوید
تا احتیاج کلی نبود بمیان خلق نیاید و با خلایق صحبت ندارد و آنچه تواند تصدق
بجای آورد و اگر میسر باشد هر روز غسل کند و دایم بروزه باشد و
جامهای پاک و بویهای خوش بجای آورد و بکنار آب روان بسیار
رود و اغلب ایام شریفه صایم باشد و بزیارت والدین خود رود
بسیار و اگر در حیات باشند ایشان را عزیز دارد و همت خواهد و بیشتر
عدد کبیر خواند و عدد کبیر عدد تکسیر است و اگر بعدد تکسیر میسر نشود زیاده
از هزار بار هم عدد کبیر گویند و شیخ ابو العباس بونی و شیخ مغرب
رحمهما الله فرموده اند که چهل شبانه روز هر روزی پنجهزار و پانصد نوبت تکرار
این اسم کند جمیع مخلوقات از چرنده و پرنده و دو انس کبیر و حکام
و سلاطین مطیع و فرمان برداری کنند و مقاصد اهل عالم از و کفایه
شود اما چون مراد حاصل اید باید که دست از دعوت ندارد اگر
بدان عدد نتواند خواند بعد از دعوت بدان قدر که میسر شود بخواند

برای مطیع و فرمان بردار شدن جمیع مخلوقات

واما اگر هر روز از هزار بار زیادت خواند بهره‌مند شود بزرگان گفته اند
که تسخیر قلوب و ارواح درین اسم است واصحاب شیخ بولی رحمه
فرموده اند که این دو اسم **الرَّحْمٰن الرَّحِیم** ذکر خایفان است وصنایع
کسی است که در امور ... مضطر باشند و هر که درحین خوف و اضطراب و
فرومانده‌گی درغم و اندوه و شدة و گرفتاری درغم و اندوه و شدت و
گرفتاری در امور دنیا بقرض یا حبس یا غیره و بدین اسما مداومت نماید
کسان قاهر و شدید رحیم و مهربان او گردند و دعوت این اسما در محل
اضطراب نه شبانه روز است هر شبانه روزی پنجهزار و پانصد و هفتاد
نوبة اگر خواهد بالف لام تعریف خواند یا بی‌آن خواه هر دو مقبول است
واگر محل تقاضای آن بکند جمع متفق گشته بیک مجلس پنجاه هزار و یکصد و
سی نوبت بخوانند آنچه در شبانه روزی خواهد خواند و اگر اسمین عدد گرفته

در مربع چهار در چهار سند باین طریق
و با خود دارد آن بلیه برود و ازوی
دفع گردد و قاهر آن عالم مقهور او
گردند و بر همه غالب آید و مرحوم

۱۳۸	۱۴۲	۱۴۵	۱۳۱
۱۴۴	۱۳۲	۱۳۷	۱۴۳
۱۳۳	۱۴۷	۱۴۰	۱۳۶
۱۴۱	۱۳۵	۱۳۴	۱۴۶

بجهت مضطر و گرفتار ... در امور دنیا

دفع ... و غالب آمدن ...

مخلوقات گردد و از غمها نجات یابد و از شکستگیهای گوناگون ایمن
شود و مقبول القول گردد و ابواب فتح بروی بگشاید و محتاج نماند و حامل
این مربع در حفظ خداوند تبارک و تعالی باشد **الملک** یعنی پادشاه فرمان
روا بر جمیع مخلوقات و هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که پادشاه
بحقیقت ملک تعالی را داند و هرچه خواهد از وی خواهد و طمع از مخلوقات
قطع کند و همه را چون خود فقیر و حقیر و محتاج ملک داند تا الله تعالی از ملک و
ملکوت بهره‌مند گرداند و بزرگان گفته اند که ذاکر این اسم محتاج نگردد و
حضرت امام قدس سره فرموده که هر که هر روز نود نوبة تکرار این اسم
کند از مخلوق بی‌نیاز گردد و در دولت دنیا استقلال یابد و در عقبی
از مملکت باقی بهره ور درویشی از اصحاب شیخ جلال الدین محمود شبستری که
صاحب گلشن راز است سوال کرد که شیخنا اسماء الله را خواص فرموده
اند ولوح و عدد تعیین فرموده اند مگر اسم الملک الکبیر را شیخ فرمود که
نخواستم که عوام را بر خواص آن اطلاع افتد و آن سبب وبال ایشان
گردد و اگر نه از خواص دریغ نداشتم و فرمود هر کس بر دعوت اسم
یا ملک مداومت نماید و شرایط مذکور بجای آرد در هر شبانروزی

و هزار بار ذکر او کند بمرتبهٔ سلطنت و پادشاهی برسد و این نسبت
همت قاری دارد کسی باشد که پادشاهی در عالم معنی خواهد و
کسی باشد که در عالم صورت و خواص الکبیر در محل خود شمه پاید انشاء الله

القدوس یعنی پاک از همه عیبی و نقصانی حضرت امام هشتم علیه
السلام فرموده که هر روز بوقت زوال صد و هفتاد نوبت بگوید دل او
صافی گردد و از شر نفس و وسوسه شیطانی امان یابد و شیخ مغرب رحمه
فرموده ذاکر این اسم را باطن پاک و مصفی گردد از کدورت غل و نفاق
و اهل تحقیق گویند هر که هر روز صد و یازده بار بخواند از بیماری ظاهر و باطن
صحت یابد و هر که هر روز جمعه بر یک لقمه نان نویسد سبوح قدوس رب
الملایکه والروح و بخورد بصفت ملایکه گردد

السلام یعنی پاک و بی
عیب از نکوهش حضرت امام علیه فرموده هر که صد و سی یکبار بر سر
بیمار بخواند نیت صحت بیمار از رنج خلاصی یابد و اگر سیصد و هژده بار بر چیزی
خواند و به دشمن دهد تا بخورد مهربان گردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد
که احصای این اسم کند اول خود را مقصر و معیوب ذنوب داند و هر روز
این اسم را صد و یازده بار بخواند حضرت سلام جل جلاله دل او را از
بیماری بیرون ارد در دار السلام و عدد این اسم صد و سی و یک است
و عدد دیگر صد و شصت و دو و اگر مربع بطریق شیخ بونی رحمه وضع
کرده کنند و با خود دارند از جمیع
مرض و علل چون جذام و برص و
جرب و انواع بلیه ایمن باشد از

ل	ا	م	س
م	س	ل	ا
س	م	ا	ل
ا	ل	س	م

برکت این اسم **المؤمن** یعنی راست کننده وعده‌های خویش حضرت
امام هشتم علیه السلام فرموده هر که این اسم را بر نقره نقش کند و دایم
بطهارت باشد از شر شیطان ایمن گردد و دشمنان بروی ظفر نیابند و
و ایمان بسلامت برد اهل طریقت گویند هر که هر روز صد و شصت
هفت نوبت بگوید خدای تعالی او را از مکر و وسوسه ظاهری و باطنی
محفوظ دارد و خصم برو قادر نشود و شیخ بونی رحمه فرموده که مربع بر
خاتم نقره بکند و بطریق تکسیر حروف مومن را نقش کند و در وقت
کندن بخور بسوزاند و در ساعت سعد در انگشت کند و دایم معطر
دارد ایمن بود از مکر مکاران و عمر غمازان وطن بر خواهان و بر خصم
غالب آید و در نظر سلاطین و حکام با هیبت نماید و ظاهر و باطن

جهت صافی شدن دل و از وسوسه شیطان و از شر نفس امان یافتن

بجهت صحت یافتن از بیماری ظاهری و باطنی و بصفت ملایکه شدن

بجهت صحت از بیماری و مهربان شدن دشمن

بجهت ایمن بودن از مرض‌ها چون جذام و برص و غیره

ایمن بودن از شر شیطان و ایمان [illegible] و بر دشمن ظفر یافتن

محفوظ بودن از مکر و وسوسه ظاهری و باطنی و [illegible]

[illegible]

اورا حضرت حق تعالی محفوظ گرداند
از بلیه و اگر بعد از خاتم کرده در انگشت
کند هر روز بعدد تکسیر بخواند ازش
زیاده بود و عدد تکسیر این اسم

ن	م	و	م
م	و	م	ن
م		م	و
و	م	ن	م

ن

هزار و صد و بیست و نه است **المهیمن** یعنی خدای آگاه بر جمیع نهانها
و آشکارا حضرت امام علیه السلام فرموده اند که هر که بعد از عمل صد
بار بگوید بر طهارت باطنها شرف گردد و شیخ بونی رحمه الله فرموده
هر که طالب اسرار باطنها باشد در هر شبانروزی یکبار غسل کند
و بعدد تکسیر که هزار و چهل بعدد است بخواند هر روز بعد از غسل پیش
از آنکه سخن گوید تا مدت چهل روز یا هفتاد روز البته بمقصود برسد
و بر قلوب خلایق مطلع گردد و باطن او را صفایی پیدا شود که در آن
خود متحیر بود و صاحب باطن گردد و دیگر او را نزول فیوض متواتر گردد
که مطلقا نظر بظاهر نکند و بعد از آن که این واقع شود بمقصود رسد
هر روز صد نوبت بخواند و بر وسش تکسیر بر خاتم نقره نقش کند و
دایم در انگشت دارد تا دولت صفا مدام باشد و اگر پیش از دعوت

[illegible] باطنها

بر خاتم نقش کند و در دست داشته باشد در حین خواندن و بخاتم
نگاه میکند زودتر آن دولت میسر گردد
و بمرتبه عالی برسد و او را مراتب مشایخ و
ذوق درویشان و حالی دست دهد که از

ن	م	ی	ه	م
ی	ه	م	م	ن
م	م	ه	ن	ی
ه	ن	م	ی	م
م	ی	ن	م	ه

خلق مستغنی گردد و لحظه فلحظه حالت او ازدیاد یابد از برکت و
بزرگواری این اسم و خاتم و صورت لوح که در خاتم نقش کند اینست
العزیز یعنی ارجمند و بزرگوار و منزه از سود و زیان و کفر و
ایمان و حضرت امام علیه السلام فرموده اند هر که هر روز بعد از نماز
بامداد چهل و یکبار بگوید محتاج بخلق نگردد و هر که ورد سازد و دایم بگوید در
میان مردم عزیز و مکرم گردد اهل طریق گویند هر که خواهد که احصای این
اسم کند باید که با خدای تعالی بعزت و حرمت سلوک کند تا حضرت عزة
او را در دنیا و آخرت عزیز دارد و دعوت این اسم مناسب کسانیست
که در میان خلق عزت و حرمت خواهند و در دولت و حکومت اقامت
طلبند و حضرت شیخ بونی رحمه فرموده هر که مداومت نماید و هر روز
بعد از نماز صبح بعدد تکسیر بخواند و عدد تکسیر این اسم بقول شیخ

[illegible] محتاج بودن در میان خلق

بونی رحمه الله هفتصد و پنجاه است و القو شیخ مغرب هشتصد و
سی و هشت و قاری مجزاست هر عدد که خواهد بخواند اما شیخین
متفق اند برین که بعد از عدد که تمام کند هر روز چند نوبه با نچه تواند
بگوید یا من اعزنی بعزتک یا عزیز و در اول و اخر اسم ان قدر که
تواند صلوات فرستد و چند ایت از قران شیخ مغرب خواص گفته
است مناسب این اسم و درین نسخه اورده اول ایة وَلَقَد
جَاءَكُم رَسُولٌ مِن أَنفُسِكُم عَزِيزٌ عَلَيهِ مَا عَنِتُّم حَرِيصٌ عَلَيكُم بِالمُؤمِنِينَ
رَؤُفٌ رَحِيمٌ هر که این ایه را در مربع چهار در چهار در شرف آفتاب
وضع کند باین طریق و با خود دارد در نظر خلایق عزیز گردد و
در چشم خلایق و سلاطین و حکام با حرمت و عزت بود و مقبول
القول گردد و دشمنان وی دوست گردند و با هر که او را عزت
و محاسبه افتد غالب آید و وضع و شریف او را عزت دارند و
اگر عدد این ایة که دو هزار و هشتصد و نود و هشت است در شرف
. افتاب در چهار در چهار بدین نوع که نموده شود یا در شرف زهره
پنج در پنج وضع کنند خواص شرف افتاب انکه سلاطین و حکام

نظر خلایق عزیز و مکرم و با خود دارد ... دوست شوند ... محاسبه غالب ...

مطیع وی کردند و اکابر و اشراف و خلایق مسخر وی کردند و از
منسوبات آفتاب او را نفع رسد و مربع زهره چون با خود دارد
دایم خوشحال و خرم گذرانند و معقول و مقام و فهم و خرد و عقل و
زیرکی دارنده این لوح در مرتبه شود که مبصران عالم در نزد
وی کنگ و لال گردند و تیز فهمان جهان پیش وی معترف اند

۵۶۹	۵۸۷	۵۷۳	۵۹۱	۵۷۸	لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه	ما عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم	۷۱۷	۷۳۰	۷۲۷	۷۲۴
۵۸۳	۵۷۴		۵۷۹	۵۷۰	بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم	انفسکم عزیز علیه ما	لقد جاءکم رسول من	۷۲۸	۷۲۳	۷۱۸	۷۲۹
۵۷۵	۵۸۸	۵۸۰	۵۷۱	۵۸۴	انفسکم عزیز علیه ما	لقد جاءکم رسول من	بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم	۷۲۲	۷۲۵		۷۱۹ ۷۳۲
۵۸۹	۵۸۱	۵۶۷	۵۸۵	۵۷۶								
۵۸۲	۵۶۶	۵۸۶	۵۷۲	۵۹۰	عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم	لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه ما	۷۳۱	۷۲۰	۷۲۱	۷۲۶

و عقلای زمان در نظر دارنده این مربع بعجز خود اقرار کنند و
و این هر سه لوح را مثال روشن نمودیم تا بر دوستان مشکل نگردد
اما باید که در نوشتن و عدد گرفتن با طهارت باشد و بخور بر آتش
نهد و خود را به بویهای خوش معطر دارد و لوح را عزیز دارد
و پاک نگاه دارد و پیشتر اوقات در تاج دارد و اگر این ایه را تا
عزیز عدد گیرد و هم برین روش لوح پنج در پنج بر سر نقش کند در

سلاطین و حکام و خلایق مطیع وی کردند و از منسوبات آفتاب او را نفع ...
... عقل و زیرکی

بنجشنبه ... [illegible]

شرف زهره بنام خود و نام هر که خواهد و هم در شرف این لوح
بکند و با خود دارد مثلا این عدد و عدد نام یکی از سلاطین یا حکام
با نام والدین مجموع عدد و مثال نماییم ان لوح که شیخ مغرب برای
خود عمل کرده بود تا بر دوستان مشکل نگردد و عدد اسم کریم تا عزیز
نهصد و سی بود و عدد اسم صاحب رساله عبد المجید و والده او دویست
و سی و سه و سلطان عصر و والده او چهار صد و شصت و یک مجموع هزار و
چهار صد و نود و چهار ماند این عدد را بر پنج قسم کردیم بخشی دویست
و نود و هشت بود و چهار عدد کسر داشت این عدد را باین مثال
درین لوح مس کنده و با خود داشته در نظر سلطان زمان حاضر شده
بود شیخ مغرب گوید حقا که بنده را تعظیمی و تکریمی کرد که بوصف است
نیاید و از مقام معهود بگذرانید و بر خود مقدم نشاند و روز
دیگر سبق نیاد کرد و روز دیگر سبق نیا کرد و دیگر بعیت استادی
تعظیم کردی بحدی که چون در امدی بر خواستی و چون بر امدی در عقب
روان شدی امرا او را منع کردند گفت استاد منست دیگر لوح
در منزل مانم که شاید از تعظیم چیزی کم کند که از عقب

گذشته بوده این از مجربات است و صورت لوح پس الفت و الله اعلم

۱۱ / ۳۰۹	۲۴ / ۳۲۲	۷ / ۳۰۵	[illegible] / ۳۱۸	۳ / ۳۰۰
۴ / ۳۰۱	۱۲ / ۳۱۰	۲۵ / -	۸ / ۳۰۶	۱۶ / ۳۱۴
۱۷ / ۳۱۵	۵ / ۳۰۳	۱۳ / ۳۱۱	۲۱ / ۳۱۹	۹ / ۳۰۷
۱۰ / ۳۰۸	۱۸ / ۳۱۶	۱ / ۲۹۹	۱۴ / ۳۱۲	۲۲ / ۳۲۰
۲۳ / ۳۲۱	۶ / ۳۰۴	۱۹ / ۳۱۷	۲ / ۲۹۹	۱۵ / ۳۱۳

۲۲۳ و عجایب دیگر از این لوح دیدم آن
بود که مجموع صورات آن دیار که هرگز از
خانه بیرون نمی آمدند چون شیخ سواره با
جمع مریدان بگشت بر کناره بام می آمدند و
اخبار میکردند که شیخ عبد المجید می گذرد و پیشتر از لوح این بود و من این
بس مشهور بودم بارها قصد کردم که ان لوح را از خود جدا سازم
تا باشد که این شهرت کم گردد و باز ملاحظه کردم لیکن در درجه و دقیقه
در شرف زهره رعایت کرده بودم و اگر کسی را این میسر شود خواص
بسیار چند دیگر اگر کسی بعد از نماز صبح پیش از سخن گفتن ده نوبت
این آیات بخواند و باد بر هر دو کف دست دمیده بر روی خود و
تمام اعضا برساند دران روز به هیچ بلا مبتلا نگردد و شیخ
تمیمی در جواهر القران آورده و در شرح این آیات که اکرم الرسل
انحانه بر زمین سایر که خواننده این آیه را هیچ آسیب نرسد و
محفوظ ماند و در شرح کبیر قران شیخ احمد تمیمی رح این آیت را نوشته

مقصود ... و داخل ... علامت ... در ادعیه ... اعداد ... در خطبها

ایشان از بلاها ... محفوظ ... عمل کنند

و محفوظ و امان خدای تعالی مانند

یک خواص گفته اگر کسی خواهد که رجوع بآن کند درین رساله مختصر
کردم **الجبار** یعنی دارنده خلقان بدان صفت که خواهد حضرت
امام علیه السلام فرموده اند که دعوت این اسم مناسب حال اکابر و
اشراف است تا مملکت بر ایشان قرار گیرد و هر که از پادشاه
ترسد در برابر روی او ده ازده بار بخواند از شر وی ایمن بود و
پادشاهی که خواهد سلطنت بر او بماند و هیچ دشمن روی بوی
نتواند آورد این اسم را مداومت نماید بعد از نماز بامداد دویست
شش نوبت بگوید همه کس از وی بترسند و در چشم خلایق با هیبت
نماید و هر که بعد از مسبحات عشر هشت و چهار بگوید از شر شیطان
و ظلم ظالمان ایمن بود و دعوت این اسم بعدد کبیر هزار و چهار و
بعدد صغیر هزار و دویست و سی و سه بار است مع صدر و مؤخر
دفع پادشاهان جابر را بر پرده روی کودک نویسد و در زیر نگین
خاتم نهد از شر جباران ایمن ماند و از موذیات هیچ چیز بوی ضرر
نتواند رسانید و از سحر و جن نیز امان یابد **المتکبر** یعنی ظاهر
کننده بزرگواری خود به برهان قاطع بر اهل آسمان و زمین حضرت

بجهت اکابر که خواهد مملکت بر او قرار
گیرد و هر کس که از پادشاه ترسد

دیگر چشم مردم مهیب نماید و از شر شیطان
و ظلم ظالمان ایمن بود و از شر
پادشاهان جابر ایمن
شیطان
ایمن بود

کند و مقاصد او بحصول پیوندد و اهل طریق گویند هر که ورد
سازد و هر روز هزار و سی و پنج نوبت بگوید یا وهاب یا ذی
الطول روزی بروی فراخ گردد و درویشی از وی برود و اگر مداومت
نماید بدین اسم از جایی که گمان ندارد روزی او برسد و شیخ
مغرب رحمه فرموده هر کرا مهمی باشد یا طالب چیزی یا
مرادی دارد یا از دست خصمی گرفتار باشد یا در قید محنتی افتاده
یا در رزق او تنگی یا در کار او کاسدی یا از عمل خود عزل شده
یا سالک راه را در باطن قبض و بسط واقع شده یا دنیا طلبد
یا حکومت در اعلی مرتبه یا دفع دشمن یا تمنای دوست دارد یا غیر این
هر مراد که دارد باید که مدت سه شب وضوی کامل بسازد و
دو رکعت بگذارد در مسجد یا در خانه خلوت و سر برهنه کند و دستها
بردارد و بلند و صد بار بگوید یا وهاب بعد از آن حاجت بخواهد از
حق سبحانه و تعالی حاجت برآید و مقاصد او حاصل گردد و شیخ
فرموده هر که چهل روز هر روز بعدد کبیر دعوت این اسم
کند بحضور دل و معده خالی آنچه جوینده است یابد بلاشک

فراخ شدن روزی
بی گمان روزی رسیدن

هر کرا مهمی باشد یا طالب چیزی باشد یا گرفتار
یا در دست خصمی یا در
چیزی یا مرادی
یا در قید یا در تنگی رزق
یا در کار یا از عمل عزل
یا دنیا یا خواهد یا حکومت
اعلی مرتبه یا دفع خصم
تمنای دوست یا هر مرادی

و عدد تکسیر صغیر یکصد و هفتاد و سه عدد است و کبیر آن هزار و
چهارصد و هفتاد و چهار است نقل صحیح است که جهت ادای قرض
وسعت رزق و درآمدن دنیا و توانگری در شب پنجشنبه یا روز
جمعه دو رکعت نماز بگزارد و صایم باشد و پیش از نماز صد بار
صلوات فرستد بهر نیت که دارد و در نماز شروع کند در هر
رکعتی یکبار فاتحه و آیة الکرسی پانزده بار بخواند و پنج
بار قل هو الله و بعد از نماز چهل و یکهزار بار یا وهاب
بگوید و جهد کند که از اول نماز تا اتمام تسبیح سخن نگوید و بعد
از فراغ نماز و اسم دعا کند که البته مستجاب شود مجربست
و این اسم را که چهارده عدد است در مربع وضع نتوان کرد اما اگر
کسی خواهد که جهت حصول مراد وسعت رزق حلال و مقهور شدن
عدو و خوشحالی و فسحت و برکت عمر و قوت باصره و خشنودی
خدای تعالی مربع سازد این اسم را عدد گیرد و اسم خود را نیز
عدد گیرد و از مجموع سی کم کند و باقی به چهار قسم در مربع طریق
شیخ عبد المجید وضع کند مثال اسم یا وهاب پنج و پنج

ادای قرض و سعت رزق و توانگری

حصول مراد و سعت رزق حلال مقهور شدن دشمن و خوشحالی و برکت عمر و قوت باصره خشنودی خدای تعالی

عددات
و اسم محمد نود و دو است مجموع صد و هفده بود سی عدد
طرح کردیم هشتاد و هفت باقی ماند بچهار قسمت کردیم قسمی بیست
و یک عدد باشد و کسر ماند بدین طریق وضع کردیم الرزاق

٢٩	٢٢	٢٥	٢١
٣٤	٢٢	٢٨	٣٣
٢٣		٣٠	٢٧
٣١	٢٦	٢٤	٣٦

یعنی روزی دهنده هر روزی خواری
بدان قدر که غایت او باشد این نام مهیت
که فرشتگان بر گشته‌اند بخوانند و
از برکت این اسم دانه در خوشها پیدا میشود و بر هر دانه
نامی نوشته میشود که رزق کیست پس اهل تحقیق گویند هر که
خواهد که احصای این اسم کند باید که طعام و شراب
از بندگان خدای دریغ ندارد و غم روزی نخورد و اهل
طریقت گویند هر که در چهار طرف خانه خود در هر رکنی
صد بار این اسم را یا رزاق بگوید فقر و درویشی را در آن خانه
راه نباشد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که تنگ
روزی و درویش حال باشند این مربع با خود دارند و بعد کسر
یا بعد تکسیر مداومت نمایند هر روز پیش از صبح بخوانند و باد

٣٧

[illegible]

بهر رسیدن ... (marginal note)

دیاد بر اطراف و جوانب عالم دهد تو انگر گردد و در دنیا غنی
و در وثبتی در انخانه و عدد تکبیر این اسم هزار و هشتصد و
چهل است هر که چهل روز چهار نوبت بعدد تکبیر بخواند خدای
تعالی او را چندان دنیایی کرامت کند که وصف ان نتوان کرد
و چهار نوبت عدد تکبیر هفت هزار و سیصد و هشتاد است و
اگر هر روز باین عدد نتوان خواند باید که در چهل شبانه روز
چهارصد هزار و چهار هزار و هفتصد نوبت بخواند و در اخر مربع بر

ق	ا	ز	ر
ر	ز	ا	ق
ا	ق	ر	ز
ز	ر	ق	ا

نقره نقش کرده با خود دارد و چون
اربعین با تمام رسد دو رکعت
نماز قبول ختم و استجابت

١٨٤٤	١٨٤٨	١٨٥١	١٨٣٧
١٨٥٠	١٨٣٨	١٨٤٣	١٨٤٩
١٨٣٩	١٨٥٣	١٨٤٦	١٨٤٢
١٨٤٧	١٨٤١	١٨٤٠	١٨٥٢

بگذارد و دعا کند و صدقه بدهد هرچه تواند انچه مذکور شد خدای
تعالی مع زیادت بدهد **الفتّاح** یعنی گشاینده هر کار بسته
و هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که هر کار و بستگی
که او را افزایش اید روی باستانه مفتح الابواب آورد و
که ابواب رحمت او علی الدوام گشاده است و حضرت امام

بجهت گشایش کار ... و دولت (marginal note)

علیه السلام گوید هر که هر روز بعد از نماز صبح هفتاد و هفت
نوبت بگوید و دست بر سینه فرود آورد زنگ غفلت از دل
او برود و روی بهر کار که آورد از پیش برود و شیخ بونی گوید
هر که هژده شبانه روز در هر شبانه روزی هشت هزار
و هفتصد و نود و سه نوبت بخواند که سه عدد تکبیر است او را
فتح واقع شود که هرگز قبض و بسط نه بیند و در باطن او از غیب
فتوح متواتر رسد و چندان صفای باطن یابد که مطلق روی از
دنیا بتابد اما باید که از قرائت این اسم باز ندارد و بعد از این
از برای دولت هر روز پانصد نوبت یا فتاح کم نگوید و
شرح این اسم جای دیگر خواهد آمد **العلیم** یعنی خدای
دانا در ازل بر همه بودنیها از نیک و بد تا ابد اهل حقیقت
گویند هر که خواهد که احصای اسم یا علیم کند باید که خداوند
را عالم السر و الخفیات داند بحقیقت و خود را نزد هیچکس
دانا اظهار نکند و متواضع باشد تا عالم علام او را بر علوم عالم
گرداند و حضرت امام علیه الصلوة والسلام فرموده هر که هم

بجهت بهره یافتن از علم لدنی و آگاه شدن از امر پنهان و خفتن و دیدن کارها در خواب

یا علیم در دل بسیار گذراند از علم لدنی بهره یابد و اگر خواهد
که از امر پنهان اگاه شود سه شب متعاقب وضو سازد و دو
رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز یکصد و پنجاه نوبت این اسم
تکرار کند و باوضو صلوات گوید تا در خواب شود از عالم غیب آن
امر به و نمایند و اگر این مربع در ساعت سعد بنویسد و با خود
دارد و بعد از نماز در شبهای جمعه صد بار صلوات فرستد و
بعد از ان بعدد تکسیر بخواند که چهار صد و پنجاه بار است مع صدر
و موخر و یای ندا هزار و هفتصد و بیست و یکبار و بی یای ندا
مع صدر و موخر هشتصد و هفتاد بار و باز صلوات بفرستد
انچنان کار ساخته گردد که
قاری دران حیران بماند و
صفای ظاهر و باطن او را

ع	م	ی	ل
ی	ل	ع	م
ل	ی	م	ع
م	ع	ل	ی

حاصل گردد و اگر همین را در خاتم نقش کند و در انگشت
کند و در محل دعوت در خاتم نقره که لوح کنده باشد
نگاه کند زود اثر کند و مرادات او به خوبترین وجهی میسر گردد

بجهت هلاک شدن دشمن و خوف و جوع و انهی از غذا

و بسیار تحقیق گویند این اسمیست که کودکان از برکت این اسم
گویا و دانا گردند صاحب دعوت این اسم را خدای تعالی معرفت
کرامت کند **القابض** یعنی خدای تعالی تنگ کند انچه خواهد
بعدل و حکمت خویش حضرت امام علیه السلام فرموده هر کرا
دشمن قوی باشد و ازو ترسد این اسم را سه شب هر شب بنیت
او هزار بار بخواند البته دشمن هلاک شود یا آواره گردد و اهل حقیقت
گویند هر که چهل روز این اسما را بر چهل لقمه نان نویسد و ناشتا
بخورد خدای تعالی او را از خوف جوع و عذاب قبر ایمن گرداند
و این عمل مناسب کسانیست که اول بسلوک درآمده باشند
و این اسمیست که ملک الموت بقوت این اسم جان بندگان
قبض میکند و دعوت این اسم بقول شیخ مغرب و بونی رحمهما الله
جهت دفع دشمن عدد تکسیر است و عدد تکسیر شیخ بونی رحمه الله دو هزار و
هفتصد و نه است مع صدر و موخر پنجهزار و چهار صد و دوازده
است و بقول مغربیان دو هزار و هفتصد و نه است و مع
صدر و موخر پنجهزار و چهار صد و هژده است اگر بعدد مغربیان خواند

نه روز خواند واگر بان عدد خواند دوازده روز مداومت نماید بنیت

هرکه خواهد اگر از آهن وسنگ بود چون ارزیز بگداز د الباسط

خدای فراخ کننده انچه خواهد بحکمت خویش خویش اهل حقیقت

گویند هرکه خواهد که احصای این اسم کند باید که طعام و

شراب از بندگان خدای تعالی دریغ ندارد تا حضرت باسط

او را منبسط گرداند وهمیشه خرم وخوشدل دارد وهر غم زده را

که نظر بروی افتد اند وهش بفرح مبدل گردد واین نامیست

که میکائیل علیه السلام بار از ابرکت این نام میفرستد

حضرت امام فرموده اند هرکه در سحرگاه با طهارت دست

دست براور دو ده بار بگوید یا باسط و بر روی خود فرود آرد

هرگز محتاج نگردد واز غم نجات یابد واز جایی که گمان ندارد

نعمت بسیار رسد واز این ورد روزی بروی فراخ گردد

وهرگز مغموم ومقبوض نشود ودعوت این اسم مناسب

کسانیست که تنگ دست گشته وببلای قحط مبتلا باشند ودعوت

این اسم بقول شیخ مغرب رحمة الله آنست که سه شبانه روز

بجهت فراخی روزی و دفع غم [illegible]

و دفع الکرب

در هر شبانه روزی ده عدد تکسیر بخواند وعدد تکسیر این اسم دویست

وشانزده مع صدر وموخر چهارصد وسی ودو عدد است ودرین

سه شبانه روز دوازده هزار ونهصد وشصت عدد است وپیش

از خواندن اگر تواند این عدد را بر اطلس سفید کشند در مربع چهار

در چهار ودر وقت دعوت در پیش سجاده نهاده در وی نظر میکند

وبر نگین نقره حروف بطریق تکسیر مغربی نقش کرده در دست

ط	س	ا	ب
س	ا	ط	ب
ا	ط	س	ب
ط	س	ا	ب

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

کند ودر حین خواندن

در خاتم نگاه کند خوشحال

وتوانگر گردد

هم بظاهر وهم بباطن

ودر سر او انبساط

باشد که سلاطین عصر در نظر او خوار وحقیر نمایند وحب

دنیا او را حاصل باشد که باندک دنیایی چندان سخاوت (اکرام و جود)

کند که اهل دنیا ببسیاری نتوانند کرد ونشاط وخرمی

باطن را خود داند وهر مغموم که با صاحب دعوت مختلط گردد

خرم وشادان گردد و کار خلایق از و بگشاید و دیگر خود را غمگین نه بیند
اما باید که بعد از دعوت هر روز دو یست وشانزده بار بخواند
که عدد تکسیر است و ترک نکند تا مدام در حالت بماند **الخافض**
یعنی فرود آرنده آنچه خواهد بعلم قدیم و قدرت بالغه در هر چه
اراده او بود و این نامیست که حضرت موسے و ابرهیم علیهما
السلام ببرکت اسم از خصمان نجات یافتند و مظفر گشتند
هر کرا خصم بسیار بود و دشمن قوی و دایم متوهم باشد
بلکه از ان دشمنان اوراهم بود و خواهد که از شر ایشان
ایمن گردد اول باید که سه روز روزه دارد و روز چهارم
روزه دار بخلوت رود و رکعت نماز بگذارد و متوجه قبله
این اسم را برای دفع اعدا هفتاد هزار بار تکرار کند و چون
با تمام رسد سر بسجده نهد و دفع دشمن از خدا بخواهد
از شر خصمان ایمن گردد و عددی که هر روز برای محافظت
بدن خواند و ایمن بودن از اعدا هزار و چهار صد و هشتاد
و یک بار است و اگر بر نگین نقش کرده بنگیر شیخ بونی رحمه الله

[illegible]

در انگشت کند بر اعدا غالب آید و اگر در شرف شمس بر خاتم نقره
مربع بکشد چهار در چهار و حروف اسم را منقوش سازد و پادشاه
در انگشت کند یا بر صفحه نقره چهار در چهار نقش کند الخافض
الرافع الرقیب الحفیظ و نام پادشاه و اسم حامل چهار حرفی

ا	ف	ص	غ
ص	خ	ا	ف
خ	ص	ف	ا
ف	ا	خ	ص
ب	ی	ق	ر
ر	ق	ی	ب
ی	ب	ر	ق
ق	ر	ب	ی

بود و مکرر نداشته باشد

د ۲۲	م ۲۶	ح ۲۹	م ۱۵
م ۲۸	ح ۱۶	م ۲۱	د ۲۷
م ۱۷	د ۳۱	م ۲۴	ح ۲۰
ح ۲۵	م ۱۹	د ۱۸	م ۳۰

بدین طریق وضع کنند که اسم محمد نوشته شده

ع	ف	ا	ر
ر	ا	ف	ع
ف	ع	ر	ا
ا	ر	ع	ف
ف	ے	ظ	ح
ظ	ح	ف	ے
ح	ظ	ے	ف
ے	ف	ح	ظ

در میان مربعات باین طریق نقش کند و این صفحه را بر سر
علم بسته بهر لشکر که روی آورند منهزم شوند و سپاهی که این صفحه در
ان میان باشد هر چند که اندک باشد در نظر اعدا بسیار نمایند
مهیب و عدو مغلوب گردند و اگر درجات و دقایق شرف آفتاب
نگاه دارند در وقت نقش کردن از عجایب و غرایب این لوح

دانده ... جیران بماند شیخ مغرب گوید که بسیار بوده که
در لشکر همراه بودم و این صفحه با بنده بوده لشکر خصم بی الکه
در برابر اینه فراری نموده و قدوم مرا پادشاهان بر خود مبارک گرفته
بودند و بنده را معلوم بود که این از خواص ان لوح است و اگر کسی برای
خود این الواح بسازد و با خود دارد در مجالس شرمسار و خجل نشود و دایم
مظفر و منصور بود و از عمل عزل نگردد و هر که دارند این لوح را بخواه
بود بدی بدو راجع گردد و خواص این بسیار است الرافع یعنی
بردارنده انچه خواهد از مرتبه اسفل بعلی درجه در رفعت این نامیست که
اسمان ببرکت این نام بی ستون ایستاده و پادشاهان را مملکت
از بزرگی این اسم رسیده اهل حقیقت گویند هر که خواهد که
اتصاف این اسم کند باید که اول آن قدر که تواند بار از دل خلق
خدای بردارد تا حضرت رافع رایت دولت او را برافرازد
شیخ بونی رحمه گوید هر که در نیم شب یا در نیم روز یا اسم
یا رافع را صد نوبت بگوید و بدین مداومت نماید حق تعالی او را از خلق
برگزیند و عزیز و مکرم گرداند و بدهد او را توانگری در آنچه خواهد

[illegible]

و دعوت این اسم مناسب اهل جاهست در دنیا چون این اسم
ورد خود سازند در ان عمل و دولت مستقیم بماند و روز بروز زیادت
گردد و صاحب دعوت این اسم گوید هر که صد و پنج روز هر
شبانروزی نه عدد تکبیر بخواند و نه عدد تکبیر نه هزار و چهارصد و هفتاد و
هفت است یک عدد تکبیر رافع مع صدر و موخر یکهزار و هشتصد و
شصت و شش میشود و نه عدد تکبیر مع صدر و موخر شانزده هزار و
هفتصد و نود و چهار است و اگر میسر گردد که درین ایام باین عدد بخواند
زیاده از انچه مذکور شده خواص خواهد دید چون مداومت نماید درین
ایام باین عدد پا بمرتبه اعلی و جاه و نعمت کامل در صورت و معنی
و اگر میسر نشود هر روز تکبیر که هزار و پنجاه و سه بار است بخواند یقین
عمل کند اما ان تعلق بصدق و جهد و
اعتقاد بنده دارد و لوح الرافع
باین طریق بنویسد و در حین خواندن

ا	ف	ع	ر
ع	ر	ا	ف
ر	ع	ف	ا
ف	ا	ر	ع

نه عدد تکبیر در ان لوح می نگرد و لوح رافع بر طلا کشند یا بر برنج یا
بر نقره و دایم در نظر دارد و در ان مینگرد و چون از خواندن

فارغ شود لوح را با خود دارد و دران بزرگی مستقیم بماند و از زوال
آن دولت ایمن باشد برکت این لوح المعز یعنی عزت دهنده
آنرا که خواهد بعد از خواری این نامیست که انبیا و اولیا از برکت
این نام بر ظالمان ظفر یافته اند اهل تحقیق فرموده اند هر که
خواهد که صاحب این اسم کند باید که همه مخلوقات خدای تعالی را
عزیز دارد علی الخصوص متقیان را که عزیز کرده خداوند که ان اکرمکم
عند الله اتقکم تا حضرت عزت او را عزیز دارد و مکرم گرداند
در دنیا و آخرت شیخ بونی رحمه فرموده هر که شبهای جمعه
و دوشنبه صد و چهل و یکبار میان شام و خفتن بخواند حق سبحانه
و تعالی خوف خلق از دل وی ببرد و او را بود شکوه و هیبتی در میان
خلایق و حکام و سلاطین و اکابر روزگار شیخ مغرب که صاحب
دعوت این اسمست میگوید هر که طالب عزت و حرمت و جاه
و بزرگی باشد در دین و دنیا باید که چهل و یک روز دعوت این
اسم بطریقه شرایط که مذکور شده در شرح اسم اکرم بکند
و عدد تکسیر مغرب سیصد و چهارده است یک عدد تکسیر مع صدر

و موخر ششصد و پنج و هفت عدد تکسیر چهار هزار و سیصد و
نود و شش است سه عدد تکسیر هزار و هشتصد و هشتاد و چهار است
و تقوی و صوم و عزلت از لوازم دعوت این اسم دانند و این نوع خواند
یا عزیز یا معز در هر شبی سه عدد تکسیر و در روز هفت عدد تکسیر
و در شبانه روزی در آخر هر دعوت صد و چهل و یکبار میگوید یا عزیز یا
معز اعزنی بعزتک چون شرایط دعوت بدین منوال بجای آورد حق
جل جلاله او را عزیز گرداند و بدهد او را مرتبه که بندگان خویش عطا
فرماید و تسخیر قمر درین اسمست هر که خواهد که تسخیر قمر کند شرط دعوت
آنست که ترک حیوانی کند و کم خوردن عادت کند و مدت پنجاه و دو
روز در هر شبانروزی ده هزار بار بخواند و اغلب در شب خواند
در مقابل ماه و باید که درین مدت سخن کم گوید و از گفتار مالایعنی
دور باشد و تا ضرورت نشود با مردم اختلاط کم کند و چون مراد او
حاصل شود هر روز هزار و دویست و شصت و سه نوبت کمتر نخواند
و باید که صاحب دعوت این اسم را بعد تکسیر با حروف او را
تکسیر بر نقره نقش کند هر کدام که خواهد و اگر هر دو را نقش کند

بهتر و خوبتر بود و ما هر دو را مثال بنماییم تا بر دوستان آسان بود

بعزتک	اعزنی	یا عزیز	یا معز		٨٧	٩٠	٩٤	٨٠
یا معز	یا عزیز	اعزنی	بعزتک		٩٣	٨١	٨٦	٩١
اعزنی	بعزتک	یا معز	یا عزیز	٩٦	٨٢		٨٨	٨٥
یا عزیز	یا معز	بعزتک	اعزنی		٨٩	٨٤	٨٣	٩٥

و چون خواهیم ساخته نقش کند و با طهارت در و نظر کند و
شرایط و تقوی بجای آورد حق (عز شانه او را هم) عزیز گرداند و از عالم غیب درهای
خیر و جمعیت بروی بگشاید و او را بود توانگری در عالم صورت
و معنی و در میان خلایق عزت و حرمت تمام یابد و بر اعدا مظفر و منصور
گردد و دشمنان وی مقهور گردند و هیچکس را بروی حکم نباشد
و ایزد تعالی او را بر منسوبات قمر مطلع گرداند چون کانهای نقره
و دفاین عالم و خزاین عالم چندانکه صاحب دعوت خواهد تصرف
کند و مرتبه او بلند گردد و تسخیر قلوب وزرا و اکابر برمند رجبت
و صاحب دعوت عجایب و غرایب بسیار بیند که وصف آن از
حس بشریت بیرون باشد و اگر خواهد با الف لام تعریف خواند

مطلع شدن بر دفاین
و آنچه صاحب دعوت
خواهد تصرف شود

و در میانه دعوت چند نوبت بگوید یا عزیز یا معز اعزنی بعزتک
و هر شب چهاردهم از دعوت در خلوت پاکیزه یا مقام شریف رود
و بوی خوش بر آتش نهد و حاضر وقت باشد و خاطر جمع دارد
که وقت ظهور تجلی انوار اسماست و ظهور غرایب و عجایبت و محل نزول
قرار دارد یعنی ملایکه در صورت خوش پیش صاحب دعوت آید
اما باید که درین محل غسل بسیار کند در آب روان یا در خانه خلوت
بکام نرود و درین ایام جامهای سفید پوشد و شرایط نگاه دارد و شیخ
مغرب رحمه فرموده اند که اگر کسی تسخیر قمر خواهد کرد باید که این لوح از
چهار مثقال نقره نقش کند و شبهای چهاردهم ماه بخور وافر بسوزد
و این مهر بر بخور دارد و در پیش سجاده خود نهد و اسما میخواند و درین
مهر نظر میکند که زود بمقصود واصل شود



بنام هر که در آب اندازد یا در شربة
و بخور داده مطیع گردد و اگر بر عنبر کینه
یا میعه یا مشک نهد بنام هر کس که بر آتش نهد آنکس بیقرار گردد
و این عمل را تجربه کرده اند و خطا ندارد و باید که این مهر را از نظر زنان

هر دوستی که بیقرار شود
مطلوب مجرب است
و تجربه شده

و ناپاک پوشیده دارد و مع بوی خوش با خود دارد و هو اعلم المذل
یعنی خوار و ذلیل کننده آن را که خواهد از بزرگواری حضرت امام علیه
الصلوة والسلام و شیخ جلال الدین شبستری رحمه فرموده اند که این
بیت که مظلومان را برکت این نام امان دهند و هر که احصای این
اسم کند باید که اول خود را بر طریق شرع راست کند و امری که
خلاف شریعت بود ازو در وجود نیاید تا حضرت عزت سبحانه شانه
دشمنان وی را ذلیل و خوار کند اهل طریقت گویند هر که را خصمی
قوی باشد ظالم و جابر و قهار و ازو خایف باشد وضو سازد و دو
رکعت نماز بگذارد و سر بسجده نهد و هفتاد و پنج بار بتضرع تمام بخواند
و از حق تعالی درخواهد خدای تعالی او را ایمن گرداند و خصم او را
خوار و ذلیل کند و از مرتبه که باشد معزول گردد و شیخ مغرب رحمه
گوید کسی را که خصم قوی باشد یا در دست ظالمی گرفتار گشته
یا لشکری قصد ولایت کرده یا شهری را خصمان محاصره کرده باشند
و در دفع ایشان عاجز باشند و قوت مقاومت ندارند باید که سی و
یک روز این اسم را در هر شبانه روزی ده هزار بار بخوانند بنیت

بجهت ذلیل و خوار شدن دشمنان و معزول شدن وی از منصب و دفع دشمن

دفع دشمن خدای تعالی آن خصم را مقهور گرداند و بخواری و زاری
از آن ملک آواره گرداند و اگر صاحب دعوت هلاک او خواهد
چون چهل روز رساند هلاک شود و گویند تسخیر عطارد درین
اسمست و بسیار فواید تعاری این اسم رسد و اگر خواهد که دعوت
عطارد تسخیر کند و اگر رعایت شرایط کرده و قواعد نگاه داشته
شصت روز و اگر قواعد و شرایط نگاه نداشته باشد نود روز
در هر شبانروزی ده هزار بار در خلوت بخواند و دعوت عطارد
در خاطر دارد و نیت درست کند چون شرایط رعایت کند
چون شرایط رعایت کرده باشد روزی و کیم صورت عطارد
حاضر گردد و با صاحب دعوت دوستی نماید و الا در شصتم روز یا که
نود روز تمام شود عطارد حاضر شده او را گوید ای بنده خدای تعالی
ترا از دعوت من مقصود چیست گوید مراد من دوستی تو و از تو
طلب معاونت و علم و سر تو عطارد قبول کند و مراد از
عطارد ملک عطارد است که حاضر میگردد باید که صاحب دعوت
نشانی طلبد و مبالغه نماید تا عطارد نگینی بدو دهد که اسمی برو نوشته

بجهت دعوت عطارد سرودن

درخواست کند تا اسم بدو آموزد تا صاحب دعوت هرگاه
که عطارد را خواهد این اسم را هفت بار بخواند صورت عطارد
یا ملک عطارد حاضر گردد و مهم او کفایت کند و این از خواص
این اسم است و اگر صاحب دعوت با نزل گوید شاید زودتر موثر
افتد **السمیع** یعنی شنونده هر رازی پست و بلند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که حصه این اسم کند باید
زبان و گوش را از دروغ و غیبت و فحش و مالایعنی گفتن و
شنودن نگاه دارد و بعضی بر آنند که کسی که از دعوت آن
چون شرایط بجای آورند مستجاب الدعوه میگردند این است
حضرت عزت عز شانه در کلام مجید و فرقان حمید چند جا
سمیع و بصیر و سمیع و علیم آورده و هر آیه و دعا که کلمه سمیع
دران مندرجست خاصیتها گفته اند و حضرة بهترین موجودات
محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم حدیث فرموده اند هر که
هر صباح سه نوبت بگوید بسم الله الذی لا یضر مع
اسمه شی فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم

بجهت مستجاب الدعوه گردیدن
و از بلاها محفوظ
و سالم بودن

و باد بر هر دو کف دست دمد و بروی خود فرود آورد در آن روز
بهیچ بلا و زحمت مبتلا نشود و اگر در شب باین ورد قیام
نماید از نکبات لیلی محفوظ و سالم ماند و امام محمد تمیمی رحمه الله
فرموده هر روز پیش از آنکه سخن دنیا گوید بعد از ادای صلوة
فجر هفت نوبت بگوید فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
خدای تعالی از برکت این کلمات قرآنی جمله مهمات او را در
آن روز کفایت گرداند و اگر ورد ساخته بعد از هر نماز فریضه
بقراءت این آیه قیام نماید هرگز بهیچ چیز محتاج
نگردد و مرادات و مقاصد او را حضرت سمیع بقدرت کامل
کفایت کند و اگر این آیه کریمه را باین طریق در مربع وضع کند

فسیکفیکهم	الله وهو	السمیع	العلیم
العلیم	السمیع	الله وهو	فسیکفیکهم
الله وهو	فسیکفیکهم	العلیم	السمیع
السمیع	العلیم	فسیکفیکهم	الله وهو

و با خود دارد بشرط آنکه غلط نکند
ایزد سبحانه و تعالی او را در نظر
خلق عزیز گرداند و اگر بطلا بر
کاغذ حریر نویسد و درجات
و دقایق شرف نگاه دارند که هیچ

بجهت کفایت مهمات هر روزه
و دفع از نکبات و عزیز
خلق و مکرم بودن در نظر

منحوس نظر شمس و قمر باشند و معطر ساخته در والای
زرد کبر ند و در تاج سند در نظر ملوک مقرب و در نزد خلایق مکرم
باشند و هر که او را چند عزیز دارد و مهمات خلق از پیش او کفایه
شود و بهر کاری و هر کس متوجه شود بمقصود رسد و در کار و عمل
خود فتح بیند که متصور او نباشد و حضرت مولانا شرف
الملة والدین الیزدی رحمه در کنز المراد چند جا این آیه کریمه را
آورده اند در روش غیر مکرر و هر جا خواص گفته اند و از جمله فرموده
اند که اگر کسی تنگدست باشد و فرومانده و عیال و قرض
دارد و درویش حال بود این مربع با خود دارد فتح در
کار او پیدا شود و روز بروز در ترقی و تزاید بود باید که این
مربع در موم گرفته در تاج نگاه دارد که خواص بسیار بیند و شیخ
مغرب رحه فرموده که عدد کبیر این آیه را هر که مداومت
نماید در خلوت هرگز او را احتیاج بیرون آمدن نباشد
مگر بجهت طهارت و اگر کسی بنیت کفایت مهمات ملکی
بقرائت این عدد قیام نماید مقصود حاصل شود در این نسخه

جهت رفع تنگی معاش و تنگدستی و قرض
و عیال بار

شرح این مختصر کردیم این لوح در آخر
کتاب با چند لوح دیگر خواهد آمد
خواص مشروح نوشته انشاء الله و
اگر زیادت ازین شرح خواهند بجوع
بجواهر القرآن کنند ابو محمد بن احمد

۲۱۷	۲۳۱	۲۲۸	۲۲۴	
۲۲۹	۲۲۳	۲۱۸	۲۳۰	
۲۲۲	۲۲۶		۲۱۹	۲۳۳
۲۳۲	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۷	

تمیمی رحمه فرموده در جواهر القرآن که اگر کسی این آیه کریمه
را بر لوح بلور بمشک و زعفران بنویسد و بگلاب بشوید و صاحب
بواسیر بنوشد از آن زحمت خلاص یابد و اگر بر سقف خانه نویسد
دیر خراب شود و اگر نوشته از او در تاج بر سر بندد حاکم آن قوم
گردد و اگر با این در مربع وضع کند در ساعت سعد و با خود دارد
مراتب او بلند گردد و وضیع و شریف محتاج وی گردند و بی واسطه
و سابقه مردم او را عزت دارند و فتوح متواتر رسد و مقبول
القول گردد و اگر چه این آیات خواندن باین عدد هشت جمعه قیام
نماید در هر شبانه روزی جمعه چهار هزار و شصت و هشت نوبة
بهر نیت که بخواند خدای تعالی او را بمراد وی برساند اگرچه

[illegible]

سلطنت روی زمین باشد و اگر درین هشت هفته در خلوت خواند
و روزهای دیگر باورادی که خواهد قیام نماید و هر روز یکصد و نه
بار این آیه بخواند جبه هشتم که شود
سلاطین عصر و اکابر بپابوس
وی آیند و از مشاهیر عالم گردد
و این ایه را خواص بسیار گفته اند

ضیب ۸۱۳	ضکو ۸۲۶	ضکب ۸۲۲	ضیط ۸۱۹
ضکج ۸۲۳	ضیح ۸۱۸	ضیج ۸۱۳	ضکه ۸۲۵
ضیز ۸۱۷	ضک ۸۲۰	ضکح	ضید ۸۱۴
ضکز ۸۲۷	ضیه ۸۱۵	ضیو ۸۱۶	ضکا ۸۲۱

آیت واذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل
ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و اگر این ایه را بر
والای سفید چهار در چهار بندد و بر گردن خروس سفید بندد
و در جایی که گمان دفینه دارند رها کنند و همین ایه را بر طرفی بعدد او نوشته با
نشان بشویند و دران مقام بپاشند ان مرغ بر بالای دفینه
قرار گیرد و دران مقام در خواب رود و از عالم غیب اورا
اعلام کنند بمقصود واصل گردد و این همه از برکت اسم
السمیع است اگر کسی این اسم را روز پنجشنبه بعد از نماز
چاشت پانصد بار بخواند بهر دعا که کند مستجاب گردد و هر دعا

[illegible]

که کند بهر حاجت روا شود و قاری اگر باین ورد قیام نماید مستجاب
الدعوه گردد و هر که
هر روز بطریق اوراد
چهارصد و هشتاد
دو نوبت بگوید
یاسمیع یابصیر هرگز
بهیچ چیز محتاج

و اذ یرفع ابرهیم القواعد	من البیت و اسمعیل ربنا	تقبل منا انک انت	السمیع العلیم
السمیع العلیم	تقبل منا انک انت	من البیت و اسمعیل ربنا	و اذ یرفع ابرهیم القواعد
من البیت و اسمعیل ربنا	و اذ یرفع ابرهیم القواعد	السمیع العلیم	تقبل منا انک انت
تقبل منا انک انت	السمیع العلیم	و اذ یرفع ابرهیم القواعد	من البیت و اسمعیل ربنا

نگردد و رسوا نشود و سمیع اورا از پریشانی و دزد رویی نگاه دارد
و دعای او اکثر مستجاب گردد و صفای باطن او را شود و جلای قلب
درین دو است **البصیر** یعنی بیننده چیزهای پنهان و آشکارا
اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند اول باید
که چشم از عواپ خلق بپوشد و بعیوب خود بینا گردد و از هر
امر که خلاف شرع باشد دیده نگاه دارد تا حضرت عزت اورا
در ظاهر و باطن بینایی کرامت کند و این نامیست که انبیا
علیهم السلام از برکت این نام معراج یافتند و اولیا از

عظمت این اسم مقرب گشته هر که میان سنت و فرض نماز
جهار صد و یکصد نوبت این اسم تکرار کند یقین درست منظور گردد
بنظرات عنایت و مکاشفات اسرار الله تعالی دیگر اهل طریقت
و سالکان راه شریعت گویند که هر دعا که بر زبان کسی
گذرد و توفیق یابد که دست انابت بدرگاه حضرت عزت بردارد
و دعا کند باید که در اول یا در آخر آن یا سمیع یا بصیر بگوید
البته حق سبحانه و تعالی آن دعا را باجابت مقرون گرداند
و در دعا الحاح نمودن از جمله شرایط است و دعوت این اسم
مناسب کسانیست که در کار خود فرو مانده باشند و امر ها
کلی برایشان مشکل گشته و در مهمات خود سرگردان باشند
شیخ مغرب رحمه الله گوید هر که چهل روز هر روز پنج عدد تکبیر
تکرار کند و عدد تکبیر شیخ مغرب هزار و ششصد و شصت و
هشت پنج عدد تکبیر هشت هزار و سیصد و چهل و پنج عدد مع
صدر و موخر شانزده هزار و ششصد و پنجاه ست و شرایط کم
گفتن و کم خوردن و کم خفتن و نظر از محارم نگاه داشتن

و اگر میسر شود در شب خواند و اکثر اوقات در خلوت باشد تا
جمیع مرادات دینی و دنیایی او حاصل شود و صفای ظاهر و باطن
و مرادات و مقاصدی که دارد جمله برآید و مدعای او گردد و کارهای
پریشان او جمع شود و او را بود جلای قلبی که هر که پیش وی گذرد
ضمیر و مزاج و خوی بلکه نام او را بداند از برکت این اسم و
بعد از وقوع مراد هر روز هزار و ششصد و شصت و پنج نوبت
که عدد تکبیر است و اگر میسر گردد بعد از هر نماز سیصد و دو نوبت
بخواند تا در آن حالات مستقیم بماند و مقصود بی سعی او بر او رده خیر
گردد الحکم یعنی داد دهنده و جدا کننده بحکم خویش میان
خلایق حق از باطل این نامیست که مقربان بیرکت این نام قرب
یافته اند هر که در نیمشب آنقدر بگوید که از خود برود باری تعالی باطن
او را محرم اسرار خود گرداند و از مغیبات بر دل او فرود ریزد
و اگر زیادت بان ورد قیام نماید وجدان و صفا زیادت یابد
العدل یعنی خداوند راست کردار و راست گفتار است و دانند

هر چیزی بر حد و مقدار آن چیز این نامیست که سحرهٔ فرعون
به برکت این نام مسلمان شدند هر که خواهد که احصای این
اسم کند اول باید که با خلق خدای تعالی احسان و عدل پیش گیرند تا
حضرت عادل بوی دهد هر چه مستحق آن باشد و نخواهد که از وی جز عدل
و احسان صادر شود و اعتقاد کند که امور و احکام عادل بر عدل و
احسان نهاده اند و هرگز ظلم گرد سراپردهٔ کبریای حضرت عادل نگردیده است
من جمیع الوجوه اهل حقیقه گویند هر که در شب جمعه بر بیست و یک پاره نان حلال
نویسد و بخورد حضرت عادل او را از کافر مردن نگاه دارد و خلایق را مسخر
او گرداند و دل او را محرم اسرار غیب خود گرداند و با راستی دارد و از
کجی و قلبی قلب او را ایمن دارد و ظلم از باطن او بدر برد و دعوة این اسم
مناسب کسانیست که بظلم ظالمان و جور جباران گرفتار شده باشند
سی و پنج روز بصدق و اعتقاد و شرایط مذکور بدعوت کبیر این اسم قیام نماید
بعد از ادای فرض شام پیش از کلام ملک علام او را بر ظالمان مسلط
گرداند و جباران را مقهور سازد و اگر بعد از نماز صبح که هنوز بسخن دنیا
تکلم نکرده باشد بعد تکبیر نه نوبت تکرار کند و عدد تکبیر سیصد و دوازده است

[illegible] مستجاب الدعوة

و چون خواهد که عدد مکرر گرداند تا نه نوبت چهار هزار و ششصد و
شانزده عدد خواهد شد چون درین ایام بدین ورد قیام نماید
ایزد تعالی شر ظالمان را دفع کند و جبار را از نکبات دنیا گرفتار
سازد و قاری بر همه مظفر و منصور آید و اسرار غیبیه از باطن خود مشاهده
کند و باید که بعد از ختم هر گاه که دعا کند چون دست بردارد
چهار نوبت بگوید یا عادل مستجاب الدعوه گردد اللطیف یعنی خدای
رسانندهٔ نیکویها و نعمتهای پوشیده و پنهان به بندگان باسانی
چنانچه هیچ کس را علمی نباشد در آن و دریابد آن اسرار این
نامیست مر عابدان را که ملایکه برکت این اسم اعمال مومنان را به آسمان
میبرند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید
که دایم با بندگان آنحضرت بلطف و نیکویی و شفقت و نوازش
اقدام نماید تا ایزد سبحانه و تعالی او را مظهر لطف خود گرداند حضرة
امام علیه السلام فرموده هر که هر روز هشتصد بار بخواند
این اسم را از هیچ مقصود نامراد نماند و مهمات او کفایه گردد
شیخ مغرب رحمه گوید هر که اسباب معیشت نداشته باشد

[illegible]

۲

ودرویش حال بود یا ازدیار خود دور افتاده باشد یا عاجی دارد یا بیماری
که از علاج باشد یا مرادی دارد که از تدبیر آن دشوار است یا مهمی
که کفایت نمیشود این جمله که گفته شد میخواهد که ساخته گردد تدبیر
آنست که غسل کند یا وضوی کامل بسازد دو رکعت نماز با خشوع
وخضوع تمام بگزارد و چون سلام دهد همچنان بر روی سجاده با قلب
سلیم صد نوبت یا لطیف نیت آن حاجت و مداومت نماید مراد
او حاصل گردد بوجهی که در تصور نیاید شیخ بونی رحمه در خواص این اسم
فرموده که فیها اسرار عجیب واعوار جلیل فی التفسیح فی اتیا جمیع ما یطلب
فی خلواه من المکاشفات والتجلیات واثار مایراقبه من الکمالیه الظاهرة
والباطنیة وحصول رتبة المحبة ودفع الشداید والالام والاسقام
بفضل الله ورحمته وانچه شیخ ابو العباس رحمه فرموده در دعوت
کبیر است وصورت تکسیر و بیان آن این است که هر کس خواهد
کرد اول باید که شرایط بجای آرد و شرط دعوت آنست که این اسم
بر نگین عقیق یا بلور یا نقره خالص نقش کند بتکسیر حروف با طهارت
پاک و تعظیم تمام از آنگاه دارد و در زمان دعوت گاه گاه در آن

نگاه میکند و در مجلس آخر این کلمات را از سر تعظیم و تواضع
تمام بگوید یا لطیف الطف بلطفک و مدت دعوت هشتاد و پنج روز است
و بعد از آن چندانکه میسر شود بگوید و اگر تکسیر
این اسم بر خاتم میسر نشود بر دو پاره کاغذ
نویسد و یکی را تعوید کند و یکی را در نظر

لطیف	بعباده	یرزق	من یشاء
من یشاء	یرزق	بعباده	الله لطیف
بعباده	الله لطیف	من یشاء	یرزق
یرزق	من یشاء	الله لطیف	بعباده

دارد و در شبانروزی هفت هزار و سیصد نوبت تکرار کند و
در هنگام دعوت در خواب و بیداری پس چیزهای عجیب بیند
و داند و از انواع علوم و خواص اشیا بر وی کشف شود و برو باد که به
اینها التفات نکند که سبب حجاب گردد و کتمان معنی و اثر
عظیم دارد در اجابت دعوت و در اکثر اوقات کشف احوال و
ظاهر شدن حقایق و سر حلت و قدرت و شیخ مغرب رحمة الله
گوید اگر این مربع الله لطیف بعباده یرزق من یشاء بدین طریق
بنویسد مکرر و یکی را متصل در نظر دارد و آن دیگر را در موم
کار فرموده گرفته در تاج دارد در صفای ظاهر و باطن و جلای قلب
و تسخیر قلوب و وسعت رزق و فتح کارها و مقهور شدن عدو خوص

بجهت صفای ظاهر و باطن و جلای قلب
و تسخیر قلوب و وسعت رزق و فتح کارها
و مقهور شدن عدو و ...

تمام دارد باید که در وقت نوشتن مربعاب و دعوت اسم اعظم
بوی خوش بکار دارد و بخور سوزد و خلوت و لباس پاک پوشد
و بیشتر اوقات صایم باشد و شرایط
دعوت و اسماء در اسم الرحیم مذکور شده
و نقش خاتم بروش شیخ بونی رحمه الله باید

ف	ی	ط	ل
ل	ط	ی	ف
ی	ف	ل	ط
ط	ل	ف	ی

و غیر آنکه نموده شد نقش بکند اگر شرح این اسم و مراد دیگر زیاده ازین
خواهند که درین نسخه نوشته شده بشرح کبیر شیخ مذکور رجوع
کنند **الخبیر** یعنی خدای آگاه بر نهانها و این نامیست که نیاز
مندان ببرکت این نام بی نیاز گشته اند و مقبول شده اند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد احصای این نام کند بدعوت این نام
قیام نماید اول باید که بندگان خدای تعالی ظاهر و باطن پاک گرداند
و اندیشهای بدی از دل بیرون کند و با همه کس برفق و
مدارا و شفقت و مهربانی و سلوک کند تا حضرت خبیر او را از
اسرار قلوب باخبر گرداند و دعوت این اسم مناسب کسانیست
که به بدفعلی گرفتار باشند و حضرت امام علیه السلام فرموده اند

ایمنی از شر شیطان و بلا ایمنی

که این اسم هر که بسیار گوید از شر شیطان و جور سلطان و بلا
ناگهان ایمن ماند اما عدد معین نکرده اند و شیخ ابو العباس
رحمه الله فرموده که هر که بعدد تکسیر خواند تا بیست و یک روز از شر
نفس و حیله حسودان و مکر خصمان محفوظ ماند و دانا شود بر سر
نهانی که باشد از ضمایر و اندیشه که در خاطر خلایق باشد و از
خواص اشیا و غیره و عدد تکسیر این اسم دو هزار و چهار صد و
و شش است و عدد تکسیر مع صدر و موخر چهار هزار و هشتصد و
حل و دو است **الحلیم** یعنی بردبار و تاخیر کننده در عقوبت
عاصیان میداند که غایب شدن ازان عالم قدیم ممکن نباشد
تمامت مخلوقات در ربقه وی اند عاصیان و مجرمان از دست
قدرت او نتوانند گریخت اهل تحقیق گویند این نامیست
که مرتب و مرکب شدن آب و طعام بر مخلوقات و اقامه
عالم ببرکت این نام است اهل طریقت گویند هر که
خواهد که احصای این اسم کند اول باید که باب حلم آتش
خشم خود فرو نشاند و هرچند خلایق با وی طریق ادب رعایت

نکند وی تحمل و بردباری شعار خود ساخته تا اگر کسی وی را بیازارد
بر وی شفقت و مرحمت نماید و قهر و غضب نراند و گوید با وجود
کمال توانایی و قدرت بر غضب حضرت عزت بر بندگان نافرمان
خود حلم می ورزد و روزی بدخواه میرساند و هر چند گناه و بی ادبی
میکنند او پرده بر سر ایشان می پوشد و در افشای سر ایشان
می بوشد و صبر میکند تعالی شانه حضرت امام علیه السلام فرموده
اند که هر که از برای فرو کشتن اتش غضب پادشاه در برابر
او صد بار بگوید یا حلیم خشم سلطان بحلم مبدل گردد و اگر در وقت
آب دادن کشته جهت برکت در زراعت این اسم بر
کاغذ نویسد و بدان آب بشویند از ان آب بشویند
و تخم و نهال که رسد در ان دخل برکت زیاده شود و از حصول
ان متمتع و برخوردار گردد و ان مزرعه از افت سالم ماند و دعوت
این اسم مناسب کسانیست که مخوف باشند از غضب ظالمی
یا گرفتار باشند بجور جباری این اسم را بسیار خواند دفع گردد
از وی شر ان ظالم و اگر مداومت نماید بعد از هر نمازی هشتاد

فرو نشاندن خشم سلاطین و پادشاه

و برکت در زراعت و مانع ... سالم از آفت و خوف از غضب ظالم و گرفتار رنج جبار

و هشت بار زایل گردد از وی خوی بد و کبر و حسد و بخل و غضب
و پاک گردد از افعال ذمیمه و ادمی را هیچ عقوبت بتر از خوی بد نیست
و شیخ مغرب فرموده اند که هر که بر بالین بیماری فاتحة الکتاب یکبار
و یازده بار یا حلیم بخواند و بر ان بیمار دمد ان بیمار را خدای تعالی
صحت کرامت فرماید و این را بزرگان ازموده اند و اگر کسی را میسر
گردد که نود و نه روز به عدد تکسیر بخواند بشرایط مذکور او را
بود حلیمی که اگر جباران عالم بر وی جور و ظلم کنند در ان صبر کند
و بردباری ورزد و حلم او بمرتبه رسد که سلاطین عصر بر سر
خط فرمان او نهند و جن و انس مطیع و مسخر او گردند و اگر
تقوی رعایت کند بمرتبه قطبیت رسد و صفای باطن
و جلای قلب و علم و خواص اشیا او را میسر گردد بلکه بر
دفاین عالم مطلع شود اما او را در ختم این اسم همت باید که اگر گنجهای
عالم بر وظاهر سازند نظر در ان نکند و از همه چیز و از همه
خلق خدای تعالی او را بی نیاز گرداند و خواص این دعوت
بسیار است و عدد تکسیر این اسم پانصد و بیست و هشت

برطرف شدن خوی بد و کبر و حسد و بخل و غضب و همه افعال ذمیمه خوش خو گردد

و صحت جار از بیماری آزموده شده و صاحب حلم و بردبار و صبر

نه عدد تکسیر شش هزار و هشتصد و هفتاد و دو است و روز
که نه عدد خواهد خواند چهار مربع بدین شکل نویسد و باخود

	٢٠	٢٣	٢٧	١٣	ل	ی	م	ح
	٢٦	١٤	14	٢٤	م	ح	ل	ی
١٩	١٩		٢١	١٨	ح	م	ی	ل
	٢٣	١٧	١٦	٢٨	ی	ل	ح	م

	٢٤	٢٧	٣١	١٧	م	ی	ل	ح
	٣٠	١٩	٢٣	٢٨	ح	ل	ی	م
٢٣	١٩		٢٥	٢٢	ی	م	ح	ل
	٢٦	٢١	٢٠	٣٣	ل	ح	م	ی

دارد اثری عظیم
و خواص بسیار و بعد
و این مربع را استادان
این علم جوالج المراد
نام کرده اند و سوا علم
العظیم
یعنی خدای بزرگ
و نه کی اوی زیادت از آنست که وهم خیال و ادراک او را
دریابد این نامیست که ملایک و رسل از هیبت این نام بیچاره
اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که جهای این اسم کند باید
که نفس خود را ذلیل و خوار داند و امر و فرمان خداوند عظیم
را من کل الوجوه گردن نهاده تعظیم کند و خلاف یک فرمان
او نکند تا حضرت سبحانه و تعالی او را معظم گرداند بغایتی

که هر که در روی او نظر کند بی اختیار او را تعظیم کند و امور وی را
گردن نهد شیخ بونی رحمة فرموده اند که هر که مداومت نماید
برخواندن این اسم در باطن ذاکر ربانی گردد و حق تعالی او را
عظیم القدر گرداند و در میان بندگان عزیز و مکرم سازد و دعوة
این اسم مناسب کسانیست که طالب مرتبه و تعظیم اند و جاه
و بزرگی خواهند یا آنکه بدین مراتب رسیده اند و خواهند که در آن
دولت مقیم مانند یا اگر کسی خوار و ذلیل باشد و او طالب امری
از امور دنیا باشد و خواهد که از فقیری بعظمت و بزرگی رسد
بر قدری اطلس سرخ بطلا مربع چهار در چهار بکشد در شرف
آفتاب اگر تواند هم بطلا بنویسد یا بعد دو اگر میسر نشود بر کاغذ
زرد هم میسر است که بمداد بکشند و بدین دستور که نموده میشود بنویسد
و باخود دارد و اگر مربع دیگر هم باخود دارد که عدد این از تکسیر
کمتر که خاصه حضرت سید علماست شده نهد بطریق وفق
که مذکور شد طرح و کسر نهد و عدد لوح نهصد است و ربع او
دویست و هفده و کسر او دو است و این مربعات باخود

عظیم القدر کنی و طلب جاه و بزرگی
هم تعظیم بنماید و بطالب امورات دنیا
و از فقر به بزرگی رسید و سلطنت [illegible]
یعنی طالب [illegible]

دارد و هر روز یازده عدد تکبیر بخواند شیخ مغرب رحمه فرموده
اند هر که این دعوت کند و این مربعات با خود دارد تا چهل
روز بپاید بسلطنت روی زمین و
اسکندر که سلطنة بر و بحر کرد
وا فرو حی بود نازل شد از برکت
تعظیم و تکریم این اسم بود و حکما
بحیث او این مربعات ترتیب
کرده بودند و دید از عجایب و غرایب
انچه دید و عامل و قاری خود را
٢٣٣
با علی درجه میرساند و بعد ازین
ایام هر روز یک عدد تکبیر بخواند
تا مدام دران عظمت بماند و در تعظیم امور عظیم تقصیر نکند پس
لازم بود بروایات عدد تکبیر آوردن عدد تکبیر هزار و بیست
است یازده عدد تکبیر آوردن یازده هزار و دویست و بیست
است عدد تکبیر و صدر و موخر شش هزار و صد و بیست است

ع	م	ی	ط
ی	ط	ع	م
ط	ی	م	ع
م	ع	ط	ی
٢١٧	٢٣١	٢٢٨	٢٢٤
٢٢٩	٢٢٣	٢١٨	٢٣٠
٢٢٢	٢٢٦		٢١٩
٢٣٢	٢٢٠	٢٢١	٢٢٧

مجموع هفتد هزار و سیصد و چهل است **الغفور** یعنی امرزندهٔ
جرم و جنایات بسیار از معاصی این نامیست که طاقت مطیعان
و توبه بسیر کت این نام مقبول است اهل تحقیق گویند هر که
خواهد که احصای این نام کند باید که گناه جمله خلایق بپوشد و
هرچه نسبت وی از ایشان صادر شود عفو کند تا حضرت غفور گناهان
وی را از ملایک نهان دارد حضرت امام هشتم علیه السلام
فرموده که پنهان ماندن امر خطیر و نهان داشتن امور کلی
صد و بیست نوبت بر سنگ سیاه خوانند و در چاه آب اندازند
و شیخ بونی رحمه فرموده در وجع و درد سر و انواع بیماریها که از
علاج ان عاجز آیند بر سه پاره کاغذ نویسد بر هر پاره یا غفور
و فرو برد از ان مرض نجات یابد و بصحت مبدل گردد و اگر دلتنگی
یا با غم زدهٔ این عمل کند فرج یابد و سرور دهد هر که بدین اسم
مداومت نماید اندوه او بشادی مبدل گردد در حال **الشکور**
یعنی دهنده کرامت بسیار و بزرگی باید که طاعت و محقر خدمت
این نامیست که پیش از خلقت ارواح به پانصد هزار سال اندر فی

[illegible] وانواع بیماریها که از علاج آن عاجز آیند

بجهت دفع غمها و تنگی معیشت و پاک شدن دل از غل و غش و روشنائی چشم

مخلوقات ببرکت این نام موجود شده اهل تحقیق گویند
هر که احصای این اسم کند باید که رازق عالم را داند و هیچ وجه
از مال و کتب و غیره نداند و محکوم امر حضرت حق جل و علا گردد
تا خداوند شکور ماوای ویرا بفردوس اعلی کرداند حضرت امام علیه
السلام فرموده اند دفع غم و کدورت را چهل و یک بار بخواند و بر آب
دمد و بپاشاند غمهای او دفع گردد و همچنین رحمها گویند هر کرا معیشت
تنگ شده باشد و روزگار بدشواری گذرد باید که باین ذکر مداومت
نماید تا معیشت بروی کشاده گردد و اگر کسی چهل و یک روز بعدد
کبیر یعنی زیاده از هزار بار بخواند حق تعالی باطن او را
از غل و غش و حقد پاک گرداند و اگر کسی در چشم تیرگی داشته باشد
این اسم را چهل و یکبار بر آب پاک خواند و چشم را از آن آب
تر کند چند نوبت مفید بود و صحت یابد العلی یعنی بزرگواری
که منزه است از شریک و شبه این نامیست که انبیا و اولیا
و ملائکه از عظمت این اسم در لرزه اند اهل تحقیق گویند که هر که
احصای این اسم کند باید که حضرت او را بزرگ داند و خود را خوار

بجهت بلندی مرتبه و عالیقدری و [illegible] بوطن خویش و عزیزی و عالیقدری و توانگری و [illegible] و [illegible]

۱۲۶۱

و حقیر تر از جمله مخلوقات داند تا علی او را عالیجناب و بزرگ کند
حضرت امام علیه السلام فرموده هر که این اسم بسیار گوید و بدان
مداومت نماید قدرش بلند گردد و اگر غریب مداومت نماید با آب
و روی بوطن خویش باز رسد و شیخ بوعلی رحمة فرموده که بنویسد این

۱۲۵۷	۱۳۶۱		۱۲۵۳
۱۳۶۳	۱۲۵۸	۱۲۵۳	۱۳۶۵
۱۲۵۳	۱۳۶۶	۱۳۶۳	۱۲۵۹
۱۳۶۷	۱۲۵۵	۱۲۵۶	۱۳۶۴?

العلی العلی العلی العلی العلی العلی — یا علی یا علی یا علی یا علی — العلی العلی

لوح بدین طریق و با خود
دارد و بعد کبیر ورد سازد
صد و ده روز اگر خوار
بود عزیز گردد و اگر مرتبه
ادنی بود عالیقدر شود
و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر غریب بود بوطن خود رسد
و بر دشمن قوی مظفر گردد و او را در میان خلق هیبت تمام بود و تقرب
ملوک و سلاطین یابد و خواص بسیار دارد اما در وقت نوشتن
آفتاب در حمل بود و قمر با سعدین ناظر و از نحسین ساقط و احتراق
هیچ کوکب نباشد در حین کتابت این لوح بخور بسوزد و در جای
شریف و خلوت پاک شاید جایز دارد و با حضور دل نویسد

واکر یازده روز هر روز سه هزار و سیصد و سی نوبت بعد از
هر نمازی بگوید و با کم اختلاط کند و در خلوت بخور بسوزد شب
نماز گذارد و بخلوت رود و اگر تواند درین ایام هر روز غسلی کند
و دایم جامهای پاک بود و چون از ورد بعد از صلوة خمس فارغ
شود بخواندن آیة الکرسی قیام نماید باطن او از علم لدنی
و علوم غریبه و عجایب و غرایب عالم باخبر گردد و خواص اشیا
دریابد و اطاعت سلاطین او را واقع شود و دوستی خلایق
چنانکه هر کس او را ببیند اگر دشمن بوده باشد مطیع گردد و هر
که نام شنود محب او گردد و محبوب مخلوقات شود و هیچکس
از سخن او تجاوز نکند و در امور دنیا حاکم خلایق گردد و هر کافر
که روی آورد مسلمان اسلام یابد و این دعوت ضعیف قدر را
قوی مرتبه کرده اند اما باید که هر روز صد و ده نوبت که عدد تمام است
بخواند و اگر خواهد زیادت خواند باید که در شبانه روزی بعدد تکسیر
حروف ملفوظ اسم که هزار و صد و هشتاد و یک نوبت است
مع صدر و مؤخر بخواند این عدد نیز اثر تمام دارد و در کشف شی

آورده هر که جهت ازدیاد دولت خود یا دیگری هر روز صد و
یازده بار بگوید و اخر علو جاه خود یا دیگری طلب کند رفعت
جاه در کار وی پیدا شود **الکبیر** یعنی خدای بزرگ و پاک
ذات او از صورت و مثال و شبه و خیال شیخ جلال الدین
که یکی از محبان شیخ بونی بوده فرموده که روزی از شیخ سوال
کردم که چونست که شرح این اسم نوشته نشده شیخ فرمودند که
این نامیست که از هیبت این اسم آسمانها و زمینها و عرش و کرسی
و بهشت و دوزخ و لوح و قلم بفرمان برداری ثابت اند هر که
دعوت این اسم اعظم کند و باید که حضرت کبیر را بزرگ خواند
و هیچکس را در درگاه آنحضرت عظیم قدر و بزرگ نداند و بداند که انبیا
و اولیا و اقطاب سر تعبد بر آستان او بزرگ و عظیم داشته
اند تا بدان مقام رسیده اند پس هر که طالب جاه و عظمت و عزت
و بزرگی در صورت و سیرت است هر روزی هفت بار بخواند
قدر و منزلت یابد اما باید که بدان فریفته نگردد و جاه و منازل
ان عالم طلب کند تا زیان کار نگردد یکی از صاحب دعوتان

جهت طلب جاه و عظمت و بزرگی و قدر و منزلت

این اسم که نام او درین کتاب مذکور نشده اما شیخ جلال الدین
محمود شبستری رحمه فرموده که صاحب دعوت این اسم عدد
بتکبیر کبیر شیخ مغرب رحمه هزار و چهار صد و شصت و
شش است غالب آنست که شیخ مغرب بود که گفته هر که
صد و بیست روز دعوت این اسم کند بشرایط که در اسم الرحیم
گفته شده در هر شبانروزی هزار و چهار صد و شصت و شش
نوبت و خلوت و حضور دل و اصلت و اربعین آخر در خلوت نشیند
و بی ضرورت بیرون نیاید و ترک حیوانی کند و حلال خورد آشکارا
گردد بر وی ارواح انبیا و اولیا و مسلمین و ملکه با او انس گیرند
و بیشتر در شب با او باشند و اسرار عالم ارواح و ملکوت و عجایب
عالم کبیر با او بگویند و مسخر صاحب دعوة کردند قلوب اکابر و قضات
و امرا و وزرا و ملوک و سلطان و رعایا و جمله خلایق طالب دیدار و محبت
او کردند و او را بود بزرگی عالم صورت و معنی و این دعوت را
دعوت کبیر خوانند جهة آنکه صاحب دعوت را بمرتبه عالی رساند
و در اربعین شب و روز از تکرار غافل نشود و کمتر از هفتاد هزار

[illegible]

بار نخواند و اگر زیاده خواند باکی نیست و بسازد خاتمی از نقره
خالص در ساعت سعد و نظرات خوب چون تثلیث و تسدیس و
شرف سعدین و نقش کند حروف این اسم را بر انگشتر باین

ر	ی	ب	ک
ک	ب	ی	ر
ی	ر	ک	ب
ب	ک	ر	ی

طریق اما چون خاتم تمام شود روز یکشنبه
یا دوشنبه یا پنجشنبه پیش از صبح
غسل کند در آب روان و در خلوت
نشیند و نماز کند و استغفار گوید و درود فرستد انگاه خاتم در انگشت
کند و چون ابتدای دعوت کند اول نرم نرم و آهسته و با تعظیم
تمام و حضور دل میگوید یا کبیر و در حین دعوت در نقش خاتم
نظر میکند و معنی اسم در دل میگذراند و در آخر مجلس
میگوید یا کبیر کبرنی و چند نوبت درود فرستد که در
اول و آخر هر دعا درود فرستادن سبب اجابت دعاست
و در دعوت کبیر شرح این اسم نوشته شده و بعضی از
بزرگان فرموده اند که در آن سر اربعین هر شبانروزی
بعد از اول خواندن زود اجابت وعده اول هفت هزار است

الحفیظ یعنی نگاه دارنده همه چیزی از آنچه آفت او بود این نام است
که نوح پیغمبر علیه السلام ببرکت این نام از عذاب طوفان
نجات یافت اهل حقیقت گویند هر که صفای این اسم کند
اول باید که دل و زبان و چشم و دست خود از جمله فحش و خطا و دیدن
و گرفتن و اندیشه بد نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را از بلیات
محفوظ دارد شیخ مغرب رحمه گوید هر که خواهد که از غرق شدن
در آب و سوختن باتش و شر دیوان و دیدن نامحرم ایمن
بود این اسم را نوشته تعوید سازد و بر بازو بندد از نجات
ایمن گردد حضرت امام هشتم علیه فرموده اند هر که بعد دین
که نهصد و نود و هشت است مکرر در روز آدینه بعد از نماز
جمعه بنویسد بخط باریک و طومار ساخته بر بازو بندد از وسوسه
شیطان و جور سلطان و بیم سباع و خیالات فاسد
در امان حق تعالی باشد شیخ بونی رحمه چنین شرح کرده
اند که اگر کسی این اسم را بر لوح نقره نقش کند باین طریق
و با خود دارد ایمن گردد از شر مخلوقات و جور حکام

بجهت ایمنی از غرق شدن و سوختن و شر دیوان و دیدن نامحرم و از بلیات

و بجهت ایمنی از شر سلطان و جور ظالمان و سباع و خیالات

و مرگ مفاجات و قرض و درویشی و جمیع امراض و بلیات
آخر زمانی و غم و آنچه تعلق به نکبت دارد و فلاکت و اگر نقره
میسر نگردد در روز شرف آفتاب بر کاغذ نویسد همین خواص
دهد و اگر این نوشته را در میان
اجناس نهد از دزدان ایمن گردد
و اگر اهل کشتی بخواندن این اسم

ف	ی	ظ	ح
ظ	ح	ف	ی
ح	ظ	ی	ف
ی	ف	ح	ظ

مداومت نمایند سالم بساحل رسند و از امواج و جانوران
و لجه دریا ایمن گردند و هم شیخ بونی رحمه فرموده اند که نقش
کند این اسم را بتکسیر بر بلور یا از نقره لوح بسازد باین طریق
که نموده شود که از پنج جزو یک جزو طلا باشد و نقاس با طهارت
بود با صاحب دعوت در روز جمعه در خلوت متوجه قبله یا روز دوشنبه
بساعت سعد قمر ناظر بسعود و از منحوسات سالم و این یا حفیظ
احفظنی در ده سطر بمیزان میرسد و زمام نویسد نه سطر نقش
کنند و هر دو در حین نقش کردن ذاکر باشند و هیچ سخن
نگویند چون منقش گردد صاحب دعوت معطر سازد و آن

از جهت ایمنی از شر سلطان و حکام و درس و قرض و درویشی و جمیع امراض و بلیات و آنچه تعلق به نکبت دارد و فلاکت

و ایمنی اهل کشتی از دزد و جانوران دریا و کشتی

لوح را نگاه دارد در روز پنجشنبه
یا یکشنبه سحرگاه در آب روان
غسل کند یا در خانه خلوت بحمام
رود و در خلوت دو رکعت
نماز بگذارد بعد از ان بعدد
تکسیر میخواند و لوح در پیش سجاده
نهاده در روی نظر میکند
و اگر مجموع عدد تکسیر در مربع نهند
و نگین عقیق یا بلور بدین طریق
نقش نموده شود و خاتم در انگشت ی اح فی ظ اح ف ظن ی
کند و در وقت دعوت در لوح و خاتم نظر میکند و زمزم
تکرار میکند یا حفیظ یا الحفیظ
مستحسن است و در آخر هر مجلس یا
حفیظ احفظنی و اگر میسر شود
بدین مداومت نماید مدام و

یا اح ف ی ظ اح ف ظن ی
ی ی ن اظ ح ف فح ی اظ
ظ ی ای ی ن ح اف ظ فح
ح ظ ف ی ظ اف ی ای ح ن
ن ح ح ظ ی ف ای ی ظ ف ا
ان فح ظ ح ی ظ ی ی اف
ف ان ی فی ح ظ ظ ی ح
ح ف ی اظ اظ ن ح ی ی ف
فح ی ف ی ی ح ان ظ ظ ا
اف ظ ح ظ ی ن ف ای ح ی

۱۴۳ ه	۱۳۹ ه	۱۵۰ ه	۱۳۸ ه
۱۵۱ ه	۱۳۷ ه	۱۴۴ ه	۱۴۸ ه
۱۴۰ ه	۱۵۲ ه	۱۴۷ ه	۱۴۱ ه
۱۴۶ ه	۱۴۲ ه	۱۳۹ ه	

۱۵۳ ه

و دعوت این نام هشتاد و شش روز است که بعد تکسیر بخواند
و اگر بعد از ان باز کم کند شاید اما ترک نباید کرد و آنکس که
این دعوت بجای آورد از جمله آفات و بلیات و شر دشمنان
و حاسدان و مکر اعدا و قهر سلطان و غضب ملوک و کید زنان
و سحر ساحران و بیماری بیکران و شر شیطان و آفات اقرانان
محفوظ باشد و پیوسته در کنف عنایت و حفظ حمایت الله
تعالی باشد و باطن او بود جمعیت و سلامتی از وسوسه و
خیالات فاسده و باید که خود را از کبایر نگاه دارد که اسم
اعظم باری تعالی است و حضرت عزت جل و علا حافظ و ناظر
اوست اما باید که او خاطر از اندیشه دور دارد و این وقتی میشود که اگر
وضو نداشته باشد و میسر نشود تیمم کند و در وقت جنابة و قضا
حاجت بشریة الواح از خود دور کند و عزیز دارد تا مقاصد او بکلی
و بزودی میسر گردد و دران مدام بماند و نزد بعضی عدد تکسیر
الحفیظ شش هزار و صد و هشتاد و چهار است مع صدر و موخر
دوازده هزار و سیصد و چهل و هشت است و عدد تکسیر

ایمن از غضب سلطان و کید زنان
از جمیع بلاها ایمنی و سحر ساحران

یا حفیظ شش هزار و یا نصد و چار است و مع صد و موخره
پنجهزار و نهصد و هشتاد و شصت و نزد بعضی دیگر عدد تکسیر
الحفیظ ششهزار و صد و هشتاد و چهار است و عدد تکسیر حفیظ دو
هزار و نهصد و نود و چهار است و عدد اصل حفیظ نهصد و نود
هشت **المقیت** یعنی خدای تواناست بر نگاه داشتن هر
چیزی و هر کاری بقدر و مقدار آن این نامیست که پرورش
جمله حیوانات ببرکت این نامست اهل تحقیق گویند هر که
احصای این اسم کند اول باید که خود را بر آن دارد که اوقات
خود صرف بندگان خدای تعالی کند و دایم خواهان باشد که
افتاده را دست گیرد و فرومانده را بار از خاطر بردارد و با
ضعیفان فروتنی کند و شفقت و مرحمت از دوست و دشمن دریغ
ندارد تا حضرت حق سبحانه و تعالی نفس او را مطیع او گرداند
و قوت کرامت کند که تواند با اژدهای هفت سر هزار دهی
نفس خود محاربه کرده او را مسخر روح گرداند حضرت امام علیه السلام فرموده
اند هر که این اسم هفت نوبت بر آب باران خواند و آن طفل

بدخوی بخورد از آن بخورد صابر گردد و خوش خوی و خوش دهن گردد — بجهت حافظ نیکو و بدخو
و هر چه خواند یاد گیرد و شیخ ابو العباس بونی و شیخ مغربی و شیخ محمود
شبستری و شیخ حاجی محمد مصری قدس الله ارواحهم گویند هر سالک
که خواهد که نفس خود را بعذاب گرسنگی و تشنگی تعذیب کند و بر آن — بجهت عطشهای مذکور [illegible]
قادر نبود یا در روزه و سلوک طاقت ندارد یا در قحط بر طعام اندک
سلوک شوان کرد یا طفل از شیر باز کرده بود یا در غربی بجای
غربت گرفتار گشته یا در بیابان بی آب و طعام بود این نام را هفتاد و
هفت نوبت در کوزه تهی خواند باعتقاد درست و در درون کوزه دمد
و پر آب کند و از آن آب بیاشامد جمله علتهای مذکور را مفید بود و اگر
در بیابان ورد کند ایزد تعالی او را صبر کرامت کند و تسکین تمام حاصل
آید و اگر بعدد تکسیر بقول شیخ بونی رحمه که دو هزار صد و نود است مع صد
و موخره بر خاک پاک خواند و نگاه دارد و هر قلیل البصری که در حین جوع و
عطش قدری از آن خاک آب تر کند و بوی کند او را تسلی تمام و
صبر جمیل حاصل شود و غریب قاری این نام زود بوطن باز رسد
شادکام و توانگر و خوش دل **الحسیب** یعنی خدای بسنده است

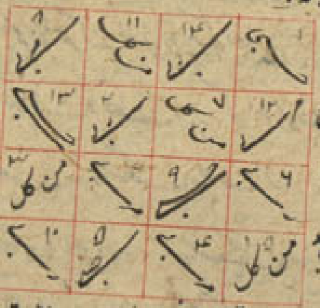
جهت دشمن قوی

خلایق را در قضا کردن حاجات و دفع مهمات این نامیست که کرام
الکاتبین برگاه بندگان ببرکت این نام اطلاع می یابند حضرت امام
علیه السلام فرموده که جهت دشمن قوی ورد ساخته هر روز هشتاد
نوبت بگوید از روز پنجشنبه ابتدا کند بهسل تحقیق گویند هر که خواهد که
احصای این اسم کند اول باید که هر روز حساب و اندیشه اعمال
ذمه خود کند چنان که سروران اصحاب رسول صلی الله علیه و آله و سلم
میکرده اند و از ان پشیمان و تایب بوده اند و میان برای
کفایت مهمات خلایق بر بندد و در حصول مقاصد خلق کوشد و کار
خود بخدای تعالی گذارد تا حساب قیامت بروی آسان گردد شیخ
بونی رحمه فرموده اند که خایف بود از شر دشمنان و هم دزدان
و چشم زخم و کید عدو و همسایه و همراهی بد و زوج ناسازگار و
ترس امرا و سلاطین و حکام جابر و بلای سفر و ترس قرض خواه
و شر ددان و موذیان بر و باد که از پنجشنبه تا چهارشنبه این ایام
را روزه دارد و درین ایام هر بامداد هشتاد و هشت بار بگوید حسبی
الله الحسیب و شبانگاه باین عدد ورد سازد از برکت این اسم

بجهت دفع شر ... زن شیطان و دشمنان و دزدان و چشم زخم و کید عدو و همسایه و زوج ناسازگار و ترس سلاطین جابر و بلای سفر و ترس قرض خواه

جهت مال و فرزند از جمله نکبات ... لیل و نهار ایمن باشد و در امان بودن از دشمن و در نظر پادشاه عزیز ...

مال و اهل و فرزندان او از جمله نکبات و افات لیل و نهار ایمن باشد
و شیخ مغرب رحمه گفته اند هر که
این چهار کلمه را که حسبی الله من کل
در مربع چهار در چهار وضع کند در ان
حین که آفتاب در حمل یا در اسد باشد



و بعدین ناظر و قمر از منحوسات ساقط و با خود دارد هر روز هفت
و یکنوبت بخواند و بر خود دمد اگر همه عالم دشمن او گردند هیچ افت بوی نرسد
و اگر شخصی را به تهمت متهم ساخته باشند و او را از سلطان بیم بود
این مربع را با خود دارد و چون او را چشم بر پادشاه افتد این اسم
میخواند تا حکام با او سخن گویند هر چه در جواب گوید خدای تعالی ان پادشاه
بروی رحیم و مهربان گرداند و از نظر سالم بیرون آید بلکه در حق این قاری
و حامل مربع شفقت و مرحمت نماید چندان که خلایق از ان حیران بمانند
و این از برکت اسم الحسیب است و اگر بر اطلس زرد بطلا نویسد و
با خود دارد بغایت خوب و مبارک بود الجلیل یعنی خدای بزرگت
بذات و جمیع صفات ان نامیست که مخلوقات از هیبت و جلالت

این نام می ترسند اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای
این اسم کند اول باید که بعین الیقین به بیند و بعلم الیقین بداند که
جلالت و عظمت و بزرگواری خاصه حضرت جلیل جبار است و
صفت بنده مسکنت و ضعف است و خدای عجز و بیچارگی اظهار کند
و ظاهر و باطن خود مشابه مسکینان سازد تا حضرت جلیل جلاله و عم
نواله او را با طایفه حشر کند که بهترین موجودات صلی الله علیه و آله
فرموده اند اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا و احشرنی فی زمرة المساکین
و حضرت امام علیه السلام فرموده اند که هر که هفت روز هر روز
بنویسد بمشک و زعفران و گلاب و شکر بر نان و بخورد هر روز که
نان بصدقه دهد او را بود در میان خلایق اعزاز و اکرام و احترام تمام
از برکت این نام شیخ ابو العباس بونی رحمه فرموده که بنویسد این
نام را هشتاد و سه نوبت بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ حریر بر قلم
باریک و با خود دارد بر بازوی راست و خاتم نقره کوچک بگیرد
او بحروف تکسیر نقش کند و در انگشت دست چپ دارد بدین
صورت و بعد تکسیر هر روز میخواند مجربست برای بزرگی و حشمت

عزیز و مکرم بودن در میان خلایق

و طلب جاه در میان خلایق و تقرب سلاطین و هیبت باشد او را در
دل اعدا و اگر خواهد که بدعوت این اسم قیام نماید بعد تکسیر
یا بعد کبیر خواند و عدد تکسیر دویست و نوزده است مع صدر و مؤخر
چهارصد و هشت است و دعوت این اسم مناسب سرور و بزرگ
گشته باشد و خواهند که همچنان بمانند و در وقت دعوت در نقش خاتم
گاه گاه نظر میکنند و دیگر کسانی را مسلم است خواندن این اسم
که ایشان متخلی گشته باشند بصفات و عظمت و بزرگواری

ج	ل	ی	ل
ل	ی	ل	ج
ل	ج	ل	ی
ی	ل	ج	ل

حضرت عزت جل جلاله الکریم
یعنی خدای پاکست و صفة نیکو
دارد و در گذارنده جرم و تقصیرات
از بندگان کند کار پریشان او نگار
این نامیست که هر کس را که قدر و منزلت باشد ببرکت این نام
محقق است اهل حقیقت گویند هر که خواهد تا احصای این اسم کند
اول باید که خود را موصوف بکرم سازد و آن مقدار که تواند مرحمت
و شفقت از خلق دریغ ندارد و هر نیکویی که در حق کسی کند باید که بی طمع

[illegible] و طلب جاه و [illegible]
در میان خلایق [illegible]
[illegible]

وغرض باشد مت بلکه از وقوع شفقت خلق خلق و قبول ایشان
مش برجان خود نهد حضرت امام علیه السلام فرموده هرکه این اسم
بدل بسیار گوید حضرت کریم مقاصد دنیا و آخرت او را کرم نموده
مهمات دنیا و عقبی وی را کفایت کند اهل طریقت گویند که امیر
المومنین علی علیه السلام این اسم بسیار بدل کذرانیدی
ازان سبب او را کرم الله گویند شیخ بونی رحمه فرموده هرکه این
نام بسیار گوید و ورد کند معزز و مکرم گردد و هرکه در جامه خواب رود
این اسم را تکرار کند تا در خواب شود ملکه بروی دعا کنند و دعا و آمین
ملکه قریب الاجابة است و شیخ مغرر رحمه فرموده که این ذکر کسانیست
که بفقر و درویشی و عیال مندی درمانده باشند و چون بدین اسم مداومت
نمایند مفتاح رزق وی باشند و روزی او از جایی رسد که گمان
ندارد و مداومت بعدد کبیر یا عدد تکسیر باید و عدد تکسیر الکریم هزار و
هشتصد و شش عدد و تکسیر یا کریم هزار و ششصد و هشتاد و
شش و عدد اصل دویست و هفتاد و کبیر زیادت از هزار بار
و عدد تکسیر شیخ مغرب رحمه فرموده مع صدر و موخر سه هزار و ده است

کفایت شدن مهمات دنیا و عقبی ... [illegible]

بجهت روزی

یا کریم مع صدر و موخر دو هزار و دویست و هفده است و بی صدر
هزار و دویست و هفده است که خواهد بخواند
و مربع این نام در وسعت رزق اثر عظیم دارد خواه بر وش تکسیر و خواه
بعدد هر دور امثال بنمایم تا بر عامل مشکل نگردد ۱۷۲۲ اما باید که بر نقره

ک	ر	ی	م	نقش کند و بطالع	۱۷۰۶		۱۷۱۲	۱۷۰۹
م	ی	ر	ک	سعد در انگشت	۱۷۱۷	۱۷۰۵	۱۷۱۰	۱۷۱۵
ر	ک	م	ی	کند تا اثر عظیم بهم	۱۷۱۱	۱۷۱۳	۱۷۱۸	۱۷۰۴
ی	م	ک	ر	و آنچه بعد دیگر خواهد	۱۷۱۴	۱۷۰۸	۱۷۰۷	۱۷۱۹

کرد باید که در شرف آفتاب یا در تثلیث و تسدیس سعدین و قمر
بسعدین متصل و از نحسین منصرف باشد عدد این اسم را با عدد اسم
خود در مربع نهد چنانچه در سابق مذکور شده عمل نماید خواص تمام دهد
مگر بر لوح نقره نقش کند اثر تمام دارد و اگر میسر نشود بر کاغذ نویسد
همین خواص دهد و چون الواح با خود دارد هر روز کمتر از هزار و دویست
و هشتاد و یکبار نباید خواند الرقیب یعنی نگاه دارنده همه چیز در همه
چیز و در همه حال این نامیست که نبی شعیب چون بصحرای گوسفند میرفتند

وسعت روزی

این نام میخوانند بسبب این نام بسلامت می مانند اهل حقیقت
گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باو که خدای تعالی را در نهان
واشکارا ناظر و نگاه بان خود داند و دایم منهزم باشد که مبادا که از قول
وفعل او چیزی صادر شود که مرضی حضرت حق نباشد تا حضرت رقیب دیده
دل او را ناظر بملک و ملکوت گرداند حضرت امام علیه السلام فرموده
اند هر گراد شمن قوی بود هفت بار بخواند از شر او ایمن گردد شیخ بونی رحمه
گوید هر که هفت این اسم چنانکه تواند مثب اهل و عیال و فرزندان
ونفس و مال از آنچه میترسد ایمن گردد و از افات و بلیات سالم ماند
واگر کسیرا عورت جمیله باشد یا پسر صاحب جمال این اسم را بسیار
گوید ایشانرا خدای تعالی سالم دارد **المجیب** یعنی خدای تعالی اجابة
کننده است انرا که خواهد این نامیست که اسمعیل علیه السلام میکفت
کارد بر گلوی او کار نکرد و دعای بزرگ یاد گرفته بود دران وقت
بیادش نیامد هم برین اسم مداومت نمود حق تعالی ارحمة وی
فدا فرستاد و او نجات یافت پس هر که احصای این اسم کند باید
که بهر حاجتمندی که حاجت خود بروی عرض کند بان مقدار که تواند

ایمنی از شر دشمن و از اهل و عیال و فرزندان ... سالم ماند از افات و بلیات ... صاحب جمال

اجابة کند و نومیدش نگرداند و حاجت خود از خدا خواهد تا حضرت
عزت تعالی شانه حاجت وی بر آورده خبر گرداند حضرت امام علیه السلام
فرموده اند هر که هزار و یکبار بگوید و حاجت خود عرض کند مقصود بر اورده
گردد و هر که در همه حال مداومت نماید ایمن بود از نجات دنیا و شیخ
ابوسعید گوید هر که در آخر دعا هیت و شش بار بگوید یا سریع یا مجیب
دعا بزودی اجابت گردد و شیخ ابو المکارم از شیخ شهاب الدین
سهروردی قدس سره روایت کند هر که این مربع را با خود دارد در همه
حال از بلا ایمن بود و اگر کسی را
مرادی و مهمی کلی بود و در حصول آن
مضطر گشته بود یک تن یا جمعی یک

ب	ی	ج	م
م	ج	ی	ب
ی	ب	م	ج
ج	م	ب	ی

مجلس این اسم را نود هزار بار بگویند و اگر میسر نشود نوزده هزار بار بگویند
یا مجیب البته اثار اجابة ظاهر گردد و در تحفه شاهی آورده که هر که خواهد که
مستجاب الدعوه گردد بشرایط مذکور هر روز شصت یکبار بگوید و در
آخر بگوید استجب دعوتی کلها بفضلک یا ذی الجلال دعای او مستجاب گردد
الواسع یعنی خدای کشاینده فضل و رحمت او و قهر و عدل او و رساننده

ایمن از بلیات دنیا و ایمنی از بلاها

بجهت مراد و مهم کردن حصول آن عاجز شده

مستجاب الدعوه گردد در جمیع دعاها

این جمله است به بندگان ان نامیست که حمله عرش ببرکت این
نام قایم اند اهل تحقیق گویند هر که احصای این اسم کند باید که کبر و
حسد و بخل را من کل الوجوه از خود دور کند و انچه تواند به بندگان
خدای عز و جل نثار کند و طعام دهد تا خدای تعالی نعمت دنیا و
آخرت بروی بگشاید و پاینده دارد اهل طریقت گویند هر کرا خدای
تعالی مال داده باشد و او بآن قناعت نکند و در جمع کردن مال
حریص بود چون بدین اسم مداومت نماید قانع گردد و شیخ بونی
رحمه فرموده هر کرا معیشت تنگ بود و روزگار برنج گذراند این اسم
را بر خاتم نقره نقش کند بروش تکسیر و اگر میسر نشود بر کاغذ نویسد و
با خود دارد و تکرار مداومت نماید
حق تعالی فراخ گرداند معیشت او را
بآسانی بوی رساند و عدد انکه هر روز

ع	س	ا	و
و	ا	س	ع
س		و	ا
ا	و	ع	س

ع

بخواند یکصد و سی و هفت نوبت است و عدد تکسیر ان چهارصد و
یازده عدد است و هم شیخ فرموده اند که اسرار عجیب و خواص بزرگ
در دعوت این چهار اسم است الودود اللطیف الواسع الشهید هر که بعدد

قانع شدن و فراخی روزی

تکسیر این چهار اسم را مداومت و ملازمت نماید چهل روز او را باشد
در دعوت این اسما علو مرتبه و منزلت عالی در هر مراد که خواهد و تسخیر
قلوب سلاطین و سبب رفعت جاه و مناصب و احوال عجیب و حالات
عجیب وسعت رزق در دعوت این اسماست و عدد تکسیر این اسما
بطریق شیخ بونی رحمه سه هزار و بیست و پنجست **الحکیم** یعنی خدای
صواب کار استوار است و بسیار معانی پوشیده در گفتار و
کردار این نامیست که روح در قالب ببرکت این نام در آید و از
هیبت این اسم بیرون رود شیخ فرموده که هر کرا دولتی دست دهد
و در ان مضطر گردد و او را تحمل آن دولت ناگاه نبود و از زوال
آن ترسد این نام را بسیار خواند او را دولت عظمت و ابهت
دست دهد و حضرت امام علیه السلام فرموده اند جهت آسانی هم
دشواری این نام بسیار گوید اهل تحقیق گویند که درین اسم غرایب
و عجایب بسیار است هر کرا مهمی پیش آید از قبض و بسط و قرض و غربت
و تنگی معیشت و درویشی و امثال این باید که بذکر این اسم مداومت
نماید اهل تحقیق گویند هر که احصای این اسم کند اول باید که زبان

بجهت علو مرتبه و منزلت عالی در هر امر اولی
تسخیر خواطر و تسخیر قلوب سلاطین
و احوال عجیب و وسعت رزق

بجهت ترسیدن از زوال شدن دولت
بجهت آسان شدن دشواریها
و غیره

از اعتراض نگاه دارد و در کار خالق و مخلوقات مدخل نسازد و بداند
که هرچه اراده حضرت حکیم بوده بوجود آمده و جمله موجودات چنانچه میبایستی
آفریده و هرچه بهر که داده عین حکمت است و غیر او نمی شایسته پس باید
که بهر حال رضا بقضا دهد تا حضرت حکیم حقیقت اشیا بروی منکشف
گرداند و دعوت این اسم مناسب کسانیست که خواهند در علم و حکمت
شروع کنند انچه دانند و تزاید ان کوشند و بذکر این اسم قیام نمایند
و هرچند بیش خوانند زیادت یابند انچه خواهند و این اسم را عدد معین
نساخته اند چنانچه بنقل صحیح امده از ابو احمد بن محمد تیمی رحمهم الله که روزی
مردی بنزدیک حضرت رسالت صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت یا رسول
الله مادر و پدرم فدای تو باد قرض بسیار دارم حضرت رسول علیه السلام
فرمودند که این ایتها بخوان و روز و عدد تعین نفرمودند بار دیگر آمد
و استدعا کرد که قرضم ادا شد اما دروشیم و از متاع دنیا هیچ
فرمود که استدعا همین آیات قیام نمای بعد از مدتی باز امد که یا حبیب امد
دشمن بسیار دارم و همسایه بد حضرت پیغمبر علیه السلام امر بمداومت
همین ایات کریمه فرمودند روزی چند برین بگذشت باز نزد حضرت

رسول خدا نشسته میگفت یا رسول الله از حکام و سلاطین مترسم حضرت
فرمود که همین کلمات بر زبان میران و از هیچکس مترس و هر امر
مشکل که ترا پیش آید و در ان متحیر گردی شروع بخواندن این آیات کن
تا خدای تعالی از برکت این چند نام بزرگ که در آیات کریمه هست مرادات
و مقاصد دینی و دنیایی برآورده گرداند راوی گوید حکمت چه بود که این آیات
فرموده و اینه دیگر ارشاد نکرد اهل حقیقت گویند معانی پوشیده در ضمن
این ایات بسیار است و شرح این ایات انچه جواهر القرآن امام احمد تمیمی
آورده و هم حضرت امام هشتم فرموده اند که هرکه این ایات بخواند و ثواب
آن بروح مادر و پدر بخشد والدین را از بسیاری ثواب ان هیچ حقی در
ذمه آن فرزند نماند و از رسول صلی الله علیه روایه کرده است و ایات نسبته
فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَهُ الْعَظَمَةُ فِي السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ ۲ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
وَلَهُ النُّوْرُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ
السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَلَهُ الْمُلْكُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ وشرح این ایات بسیار است درین مختصر همین کفایت

۲ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ فَلِلّٰهِ
الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ
الارض

وبعد د شیخ مغرب رحمه که تکبیر کرده اند و عدد تقیین فرموده اند اول
تکبیر استاد اعظم شیخ ابو العباس بونی الحکیم پانصد و چهل و پنجست
یا حکیم چارصد و چهل و پنج و عدد تکبیر مغربی بالف لام پانصد و چهل پنج و بر
مجموع عدد قاری مخیر است اما هر چند زیادت خواند خواص بیشتر یابد
الودود یعنی خدای تعالی دوست مطیعانست در غایت دوستی و دوست
دوست دارنده هر دوستی و فرمان بردار این نامست آدم و حوا صلوات
الله وسلامه علیهما مودت از برکت این نام زیادت شد اهل حقیقت
گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که کمر اطاعت و دوستی
مخلوقات بر میان جان بندد و تمامی اشیا را که مخلوق حضرت دوستست
بجان دوست دارند و ذره عداوت هیچکس در دل ندارند تا حضرت
ودود او را محبوب خلایق گرداند و هر که او را بیند دوست دارد
و بخلعت محبوبی مزین گردد حضرت امام فرمایند روز جمعه جهت الفت
ازواج هزار و یکبار بر مویز یا بر طعام خوانند و هر دو بخورند مودت
شود شیخ بونی رحمه فرموده که اگر کسی را دشمن قوی باشد یا جمعی دشمن
شخصی باشند بجهت دفع آن خصم بزرگ چهل روز دعوت این اسم

جهت دوستی زن و شوهر و دوستی دشمنان

کند بعدد کبیر آن عدو محب و مهربان گردد باذن الله تعالی و ابو
احمد بن محمد تمیمی در فضیلت اسم الودود و المجید در جواهر القرآن آورده
که جهت جاه و قدرت و حرمت میان خلایق و عزت میان نزد ملوک
و سلاطین و کشاد کارها و دفع غم و حزن و خصم قوی و بختهای بسته
و بر آمدن حاجات و فاهیت و تعظیم و صفای باطن و جلای قلب و دفع
وسوسه و سودا و حصول مرادات بزرگ در روز آخر ماه شعبان یا روز
عرفه عید قربان یا روز جمعه غره هر ماه که باشد بهر نیت که باشد باین عدد بخواند
عدد کبیر هزار و دویست و بیست و دو است و عدد وسیط
هزار و صد و یازده و عدد وسیط هشتاد و هفتست و البته روز دعوت
غسل کند و روزه دار باشد و بیک مجلس بخواند و بخور بسوزد و متوجه قبله باشد
بی آنکه سخن گوید و چون وقت افطار شود و از دعوت چیزی باقی باشد
افطار کند اما سخن دنیا نگوید و چون از طعام و نماز شام فارغ شود شب
بخواند تا باتمام رسد و صباح آن شب بانچه تواند تصدق کند هم در آن
هفته مقاصد او بحصول پیوندد از برکت این آیه کریمه و هم امام آورده اند
که شخصی بود قطاع الطریق و بزنا کردن مشهور و شارب خمر

جهت جاه و قدرت و حرمت نزد خلایق و عزت نزد ملوک و کشاد کارها و دفع خصم و حزن و خصم قوی و بختهای بسته و غیره

ایضا

و عاق الوالدین و کذاب که هرچه کفتی غیر ان بودی و در ایذای اهل
اسلام بسیار کوشیدی و ترسا بود نوبتی بوی ملاقات کردم و بیچ
او کشته چندان از مواعظت بیان کردم و احوال قیامت بکفتم که
کریه بروی غالب شد بعد از فرصتی کفت ای فلان در حق من دعا کن
کفتم اول اسلام اور تا ترا کلمه چند بیاموزم که بان قیام نمایی خدای
تعالی ترا ازین ضلالت نجات بخشد کلمه عرض کرد این ایه نوشتم
و بوی تعلیم کردم تا سه روز این ایه حفظ کرد روز جمعه غره رجب بود که
او را غسل داده بدعوت این آیه ارشاد کردم و بنده بجهت تسخیر
قلوب هم دران حین خوانده بودم چون ختم با تمام رسانید او را دیدم
که در ادای حقوق مردم و تلافی ایام کذشته و تاسف جهل و ضلالت
و باز دادن مال مسلمانان شروع کرده از هر کس که بحیل در قطع طریق
برده بود میکوشید تا عوض باز دهد تا وقت قربان او را در عرفات
دیدم رنک زرد و شال در بر و جمعی که دران حالت بوی بودند مصاحب
هم رنک او بر آمده در یک جانب دشت پر خلایق بسجده در افتادند
و مناجات میکنند نزدیک ایشان رفتم چون روی از خاک برداشت

کفت ای شیخ دیدی که حضرت دوست بنده خود را از برکت این
این کلام خود از چه مرتبهٔ اسفل بدرجهٔ اعلا میرسانند یا امام ببرم در
میدهند انچه در ضمیر خلایق است و چند کلمه بیان کرد که مشکلات
دیرینه من از ان حل شد و او را دیدم بصفای باطنی که تصورم نبود
و در میان حلق عرفات در آمدند و فریاد میکردند که یا ودود یا ودود
تا از میان ان جمع بیرون رفتند و راه بادیه در پیش گرفتند و برفتند و دیگر
ایشان را ندیدم و اگر کسی این دعوت تواند کرد باین ورد صغیر که
هفتاد و هفت نوبت مداومت نماید و این ایه کریمه را شرح
بسیار است درین مختصر برین قدر اختصار کردیم تا تطویل نه انجامد
و ایه اینست اِنَّهُ هُوَ یُبْدِئُ وَ یُعِیدُ وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ
الْمَجِیدُ فَعَّالٌ لِمَا یُرِیدُ **المجید** یعنی خدای پاک و منزه است از کرفتن
مکان و زمان و رسیدن اثار بزرکواری او بهمه این نامست
که ادم صفی صلوات الله وسلامه بمرتبهٔ و علم ادم الاسماء کلها برکت این
نام رسید اهل تحقیق کویند هر که دعوت این اسم کند باید که بان مقدار
که تواند با بندکان خدای تعالی شفقت کند و نفع رساند با خلق بیش

بجهت فتح

تا حضرت حق او را در نزد بندگان مکرم گرداند حضرت امام علیه السلام فرموده
که هر سالک که او را قبض بود و فتح نمیشود و در ریاضت طالب مراتب
بود بتکرار این اسم مداومت نماید ابواب سیر و سلوک بروی بگشاید
و شیخ بونی رحمه فرموده است هر که در میان ابنای جنس خود خوار و بی
اعتبار و کم‌قدر گشته باشد ورد کرده هر روز بعد از نماز شام هزار و نود و نه
بار این اسم بخواند و باد بر خود دمد تبین رفعت و جاه و طلب عزت

بجهت علتها مثل برص و جذام / رفعت و جاه عزت در میان همجنسان خود

و هر که ترسد از علت برص و جذام و نقرص و جمله علتها باید که در ایام
بیض روزه دارد و درین سه روز متصل بتکرار این اسم قیام نماید حق سبحانه
و تعالی او را از آن علل نگاه دارد و اگر بعلت گرفتار بود خدای تعالی
او را صحت کرامت فرماید علی الخصوص این علت الباعث یعنی
برانگیزاننده هر نفس و این مرده و پیدا کننده هر چیزی زنده این نامیست
که روز محشر مردگان از برکت این نام زنده گردانند محققان گویند هر که
خواهد تا دعوت این اسم کند باید که امر معروف و نهی منکر لازم گیرد و
بندگان خداوند را باعث طاعت شود تا حضرت ملک علام باین عمل دل
مرده او را زنده او را زنده گرداند و روز محشر او را سفید روی برانگیزاند

بجهت قطع شهوت

حضرت امام علیه السلام فرموده اند هر آن مومن را که عقد شهوت بود
یا کسی که نفس خود را کشته باشد و او را امری دست دهد که بآن قیام باید
نمود هفت روز هر روز پانصد بار بگوید و در مربع نوشته باین طریق

	٢٢٠٣	٢٢٠٧	٢٢١٠	٢١٩٦
	٢٢٠٩	٢١٩٧	٢٢٠٢	٢٢٠٨
٢٢١٢	٢١٩٨		٢٢٠٥	٢٢٠١
	٢٢٠٦	٢٢٠٠	٢١٩٩	٢٢١١

ایضاً

بر بازو بندد که بگشاید و در نظر هیچکس خجل
نشود شیخ بونی رحمه فرموده هر که را دل
مرده بود از ظلمت و غفلت و هوا و وسوسه
نفس خیالات فاسده و حرص و جمع مال دنیا و افراط شهوت بتکرار
این اسم اعظم مداومت نماید خاصه بوقت خواشت دست بر سینه نهد
و صد بار بگوید این اسم را حق تعالی دل او را مطلع انوار معرفت خود گرداند که
و دل مرده او را بمعرفت خود زنده سازد و حیات معنوی در آنست

ایضاً

شیخ مغرب رحمه فرموده که دعوت این اسم بهبت صفای
باطن و کشایش سلوک و دفع وسوسه شیطان هر روز بعدد تکبیر شیخ
مغرب الباعث سه هزار و بیست و عدد دانست و عدد تکبیر شیخ
ابو العباس بونی رحمه یا باعث سه هزار و پانصد چهار میشود
و نزد این هر دو بزرگ عدد تکبیر باعث هزار و هشتصد و نود و دو است

الشهید یعنی خدای
وقاری مخبر است بهر عدد و کیفیة که خواهد بخواند
تعالی آگاه و بیناست بر همه چیزها اندک و بسیار و نهان و آشکار
این نامیست که طفلان را در شکم مادر بطفیل این نام سعادت میدهند
اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که هر چه گوید
راست گوید و کلمة الله از هیچکس دریغ ندارد و از هیچکس شر سد و اگر
او را گواهی باشد در محل خود راست ادا کند و دل خود را میل و محابا
نگرداند تا حضرت الله تعالی او را در روز موعود امنا و صدقا سفید روی
حشر کند و پاکی وی گواهی دهد شیخ بونی رحه فرموده اند هر کرا فرزند
یا زن یا کنیزک یا کسی که اطاعت او نکند هر صباح دست بر پیشانی
او نهد یا موی پیشانی او را بگیرد و مپت و یکبار بگوید یا شهید حق تعالی
آنکس را مطیع و فرمان بردار او گرداند و بلطف خویش بصلاح باز
آورد **الحق** یعنی خدای که پیداست هستی او بدرستی و سزاوار بخدایی
این نامیست که یوسف یعقوب علیهما السلام به بزرگواری این نام
و خاتم و ملک سلیمان صلوات الرحمن ببرکت این نام قرار یافت
و نوبت دویم تخت سلطنت نشست و بعزة داشت این نام را

مملکت بر و قرار یافت و موسی علیه السلام به بزرگواری این اسم
برادر رسید اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید
که اول بداند که تعظیم و تکریم مر غیر حق را جایز نیست و استعانت
و امیدواری از همه کس باطلست و من کل الوجوه روی بحق آورد
تا خدای برحق دیده دل او را نوری و حضوری بخشد که در هر چه نظر کند
حق را معاینه و مشاهده کند حضرت امام علیه السلام فرموده اند هر که
نیمشب برخیزد و وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و دستها سوی آسمان
بردارد و صد بار بگوید یا حق و برین مداومت نماید چند روز دل او نورانی
گردد و بصفای باطن و جلای قلب بجایی رسد که ضمیر الناس بروی
مکشوف گردد شیخ مغرب رحه الله فرموده هر کرا چیزی ضایع شده باشد
و امید وصول آن دارد باید که نام آنچیز بر چهار گوشه کاغذ بنویسد و در
میان رقعه اسم حق بنویسد و شیخ بونی رحه الله بر عکس این فرموده
یعنی بر چهار رکن کاغذ حق بنویسد و نام آن گمشده در میان صفحه
و چون نیمشب شود با طهارت تمام آن نوشته را بر کف دست نهد
و بجانب آسمان روی کند و چندانکه میتواند اسم یا حق بگوید و چند شب

مداومت نماید حق تعالی جل جلاله این غایب شده را بوی باز رساند یا عوض
این چیزی که نیکوتر از ان باشد و اگر از جهت برده یا غایب شده این عمل
کند و از باد پا و پیزد بزودی بدست آید و خواص اسما حضرت عزت
هرچه دو حرفیست در آخر کتاب نوشته خواهد شد ان شا الله
الوکیل یعنی خدای پیش برنده انچیز که بدو تعویض است و کفیل کشته است
مر بندگان متوکل را این نامیست که تخت سلیمان به برکت این نام
نگاه داشت و سلامت ماند اهل حقیقت گویند هر که خواهد تا اصحاب
این اسم کند اول باید که اعتماد کلی بر خدای تعالی کند کفایت مهمات
مخلوقات را از حضرة وکیل داند که در کلام مجید و فرقان حمید آورده است
وکفی بالله وکیلا و شیخ احمد تیمی در شرح کبیر جواهر القرآن آورده
که برای هر مهم کلی و مقاصد بزرگ و امور مشکله را ورد سازد حضرت
سبحانه و تعالی انکار عظیم را سهل و سلیم گرداند و شیخ مغرب رحمه فرموده اند
که این کلمات را در مربع شش در شش درج کند بدین منوال و با خود ایضاً
دارد بجهت در آمدن نزد سلاطین و امرا و تسخیر قلوب این طایفه و حصول
مقاصد از ایشان و خلاصی و محبوسی و باز آمدن بسر عمل که معزول شده

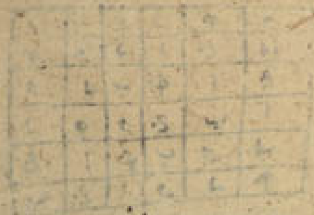
ا	ب	ج	د	ه	و
ه	و	د	ا	ج	ب
و	د	ب	ه	ا	ج
د	ه	و	ج	ب	ا
ج	ا	ه	ب	و	د
ب	ج	ا	و	د	ه

ببین طریق این مسدس را پر کنند

ا ب ج د ه و
و ا ه ب د ج
ج و د ا ب ه
ه ج ب و ا د
د ه ا ج و ب
ب د و ه ج ا

فسیکفیکهم الله	وکفی بالله نصیرا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله وکیلا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله علیما
وکفی بالله شهیدا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله وکیلا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله حسیبا	فسیکفیکهم الله
فسیکفیکهم الله	وکفی بالله وکیلا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله نصیرا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله حسیبا
وکفی بالله وکیلا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله علیما	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله نصیرا	فسیکفیکهم الله
فسیکفیکهم الله	وکفی بالله شهیدا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله نصیرا	فسیکفیکهم الله علیما	وکفی بالله وکیلا
وکفی بالله نصیرا	فسیکفیکهم الله	وکفی بالله ولیا	فسیکفیکهم الله علیما	فسیکفیکهم الله وکیلا	وکفی بالله [illegible]

باشد و از برای عقد اللسان دشمنان و دفع خصمان بزرگ و برآمدن مهمات و بر افتادن موذیات اثر عظیم دارد اما تا تواند در خوشحالی زحل و مریخ نظر دوستی بود نیکو باشد و قمر نیز خوشحال باید که بر والای زرد یا اطلس سرخ نویسد و معطر ساخته و با خود دارد خواص کلی دهد اما اگر ورد کند و بعد حروف اول و آخر کلمات خواند صغیر اول و آخر کلما و وسط جمل و دو بار و کبیر او دو هزار و صد و بیست و یک که عدد حروف است و اگر کسی را میسر شود که در یک مجلس این کلمات را باین عدد بخواند و اگر نتواند بعد از شیخ بونی که عدد کبیر بود زیادت از هزار بار است بخواند در حصول مرادات کلی نامی دارد و اگر کسی ایضاً در سفر مانده بود بوطن باز رسد یا اگر محبوسی دارد از حبس نجات یابد و در ادای قرض خواندن این فرض داند و از عمل عزل را ورد از واجبات



واگر کسی این اوراد بجهت دفع خصمان خواند دشمنان او مقهور شوند
وقاری بر همه غالب آید واز برای مرادات دینی وعقبی بخواند بمراد رسد
واگر کسی را صفای دل باید وکشف قبور وخواص اشیا وعالم شدن بر
ضمایر خلق باید که چهل روز ترک حیوانی کند وروزه گیرد ودر هر شش یعنی
یک کلمات را تکبیر کند وبعد تکبیر میخواند چون سی وپنج روز با تمام رسد
دران چهار روز آخر در خلوت رود وعدد تمام تکبیر را بخواند ودرین ایام
بوی خوش بکار دارد وبخور بسوزد وافطار بحلال کند وجامه پاک
پوشد وبا مردم کم نشیند وبا زنان اختلاط کم کند واز صحبت کودکان
اجتناب نماید واگر تواند درین اربعین عزلت اختیار کند وباعدد تکبیر هر
کلمه را پاره یم تا خواننده را ملال نباشد وبه تکبیر ان ملول نگردد ودرین اربعین
قاری این ایات را حل مشکلات وکشف باطن واقع شود وعالم گرداند
واورا بر اسرار نهان ووقوع هر امر که واقع شود دران سال وچندان
جمعیت حاصل گردد قاری را که دیگر بیان خلق کم آید وانچه مدعای او باشد
از خلوت وعزلت برآید وخلق چنان مسخر او گردند که دیگر از صحبت خلق متنفر
گردد وخواص این کلمات در شرح کبیر مغربی شیخ احمد تمیمی آورده اند

که ناسپاسی ووسوسه برایشان غالب باشد ودر طلب رزق مضطر
باشند وعلی الدوام در تنگ وپوی روزی سرگشته اند گو انچه کسین
بدعوت قیام نمای ودعوت این اسم چنانست که عدد این اسم شصت وشش
است موافق عدد الله باید که صاحب دعوت ضرب کند شصت وشش
در شصت وشش وبه بیند که چند عدد میشود سه روز هر روز بان عدد بخواند
بشرط صوم وطهر وخلوت خدای تعالی اورا ازان وسوسه نجات بخشد
وفقیر محرر این رساله حساب کرده عدد نوشتم درین سه روز چهار هزار و
پانصد ونود وشش نوبت می باید خواند چون درین ایام بدین عدد بخواند
واگر شواند بعد از هر نماز بامداد پیش از انکه سخن گوید شصت وشش بار بگوید
همین خواص بخشد **القوی** یعنی خدای تواناست بر هر چه خواهد بر همه
چیزها این نامیست که فرعون ونمرود وشداد از هیبت وصلابت این
اسم هلاک شدند اهل تحقیق گویند هر که احصای این اسم کند باید که خود را
وتمام مخلوقات را در نزد قوت وقدرت حق ضعیف وحقیر ومسکین
داند وخود را چنان داند که حاشه در صحرا در نزد باد شد افتاده تا هر سو که اراده
اوست می برد واورا می دواند وهیچ اختیار وقرار وتوانایی ایستادن

نداره تا خود را در پیش قدرت حق این این اعتقاد بکند تمام نیست چون
برین عالم و محقق گشت حضرت سبحانه و تعالی او را قوت دهد تا بر عدو
غالب گردد و شیخ بونی و شیخ مغرب رحمهما الله و جمعی برین متفق اند که
هر ا دشمن قوی باشد و او در پیش قهر دشمن عاجز و مضطر بود بیارد
قدری آرد و خمیر کند و سی هزار و یک غلوله راست کند و بهر یکی بگوید یا
قوی و آن خمیرها بمرغان دهد اما باید که بر زمین پاک ریزد و دفع دشمن در دل دارد
حق تعالی آن دشمن را قهر کند و اگر بعد ازین عمل بذکر این اسم مداومت
نماید بعد ازان دشمن هلاک شود و اتباع او ناچیز گردند و گویند
خواجه نصیر الدین طوسی در آوردن هلاکو جهت خلفای عباسی این عمل
کرده و آن فتنه انگیخت اهل طریقت گویند هر که بدست نفس اماره گرفتار
بود و وسوسه شیطان دارد بدفع آن این چهار اسم اعظم را از وقت طلوع
صبح تا ادای فرض بامداد بعد از طلع نماز تا طلوع آفتاب بذکر این
اسما قیام نماید بی عدد حق تعالی او را غالب گرداند بر نفس و شیطان
و در حین سلوک سالک را ازین اسما غافل نباید بود القادر المقتدر
القوی القایم و هم شیخ فرموده که هر که مداومت نماید بذکر این اسما

غالب شدن بر دشمن

جهت دفع دشمن

بجهت قدرت و توانائی و عروج اولیا
بجهت زوال ملک و دولت ...

بعد ازان چهل روز بدید آید او را قوت و قدرت و توانایی در نفس که بدان
غالب آید بر هر مردی سالک و سری عجب در خواص این اسما مناسب
است با اهل دولت دنیا و سلاطین که از زوال ملک و دولت ترسند
و دعوت اسم یا قوی صد و شانزده روز است بعدد اسم اما بعد ازان باید خواند
هر روز هزار و یکبار و در یک محل خواند و میان طلوع صبح صادق و بر آمدن
آفتاب اولی است خواندن این اسم
و اگر این چهار اسم را در مربع نهند بدین
طریق و با خود دارد هر که با دارنده این

[illegible]	المقتدر	[illegible]	القایم
القایم	[illegible]	المقتدر	[illegible]
[illegible]	القادر		القوی
القوی	[illegible]	القادر	[illegible]

لوح مجادله کند مقهور شود و اگر بر اطلس زرد بشنجرف بنویسد و بر
شقه علم دوزند در لشکر هر پادشاه که باشد هیچ لشکر با او مقاومت
نتوانند کرد و در وقت نوشتن بخور شرط است اما ساعت معین نیست
باید که قمر از نحوس منصرف و بسعود متصل باشد و درین مربع عجایب
و غرایب بسیار است المتین یعنی خدای استوار کار است این نامیست
که شیر در پستان و آب در چشمه از برکت این اسم آفریده میشود اهل
حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند اول باید که حکم هیچ

رفع ...
مقهور شدن مجادل کننده
و شکستن لشکرها در جنگ

حاکم درین عالم فانی محکم درین و همه را محکوم حکم خالق اند و غیر خالق
الخلایق را بها را شوار داند تا خدای تعالی او را بدرگاه خود یقین صادق
کرامت کند حضرت امام علیه السلام فرموده اند که عورتی که شیر او کم شده
باشد این نام را بر کاغذ چینی نویسد بآب باران نیسان که دعا خوانده
باشند بشورند تا بخورد شیر زیادت گشود شیخ ابو العباس رحمه فرموده
هر کرا قبض و بسط در کار واقع شود باید که چون شرف قمر شود و از نحوس
ساقط بود و بسعود ناظر این مربع را بر طرف سفید روی یا طبق چینی
یا آبگینه بمشک و زعفران و کلاب بنویسد پانصد نوبت بخواند و
بشوید و اب ان در شیشه کند نگاه دارد
و هر روز از ان قدری بر کف دست
کند و بر روی مالد و هنوز خشک نا شده

ت	ی	ن	م
ن	م	ت	ی
م		ی	ت
ی	ت	م	ن

ن

روی مالد و هنوز خشک نا شده روی را در اب روان بشوید فتح در
کار او پیدا شود و در میان مردم با آب و روی گردد و اب آن
بهر کشت و زرع و باغ که برسد خدای تعالی برکت و جمعیت دران
شجر و ثمر زیادت کند و هر زمین که دخل کم دهد اگر از اب ان شیشه

و بنداشت هر بدگمان این نامیست که زبان فانی این اسما برکت
این نام میگوید اهل تحقیق گویند هر که احصای این اسم کند باید
که دل و زبان خود را بحمد حمید رام و ذاکر گرداند و محب صلحا و حامدان
باشد حضرت امام فرماید که هر ساعت خود یا دیگری سخت و دو نوبت
و هر بار که نویسد در ظرفی که اب میخورد می اندازد و از ان آب می آشامد
آن قول و فعل از وی برود و دعوت این نام عظام مناسب از الان و فحش
گویانست و شیخ بونی رحمه گوید هر کرا عورت یا کنیزک که نه بر صورت صلاح
و نیک نامی کند و بر منع ایشان قادر نباشد بدین نیت این اسم بر طعام میخواند
و بدیشان میدهد تا میخورند حق تعالی ایشان از اصلاح باز آورد و هر که قادر نیست
بر زبان خویش و فحش میگوید و دشنام میدهد و هزل میکند و از قول و
فعل او ایذا بخلق میرسد و خود نیز از ان افعال پشیمان میشود اما ضبط احوال
خود نمیتواند کرد یا حاکم با برک بود و مردم را از ان فعل وی خاطر رنجیده
میشود خود یا غیری این مربع بر کوزه که اب میخورد بنویسد و اگر این لوح
بر طلا نقش کرده در اب اندازیم از ان ظرف اب میخورد دل و زبان
او بخیر و صلاح آید و ان صفت ازو برود و بنیکویی مبدل گردد و منقلب

القلوب زبان او را بحمد و ثنای
خود جاری گرداند و نزد خلق عزیز و
مکرم گردد و هر که مداومت نماید بذکر
این دو اسم الولی الحمید مدت شصت

	م	ی	د	ح
	د	ح	م	ی
د	ح		ی	م
	ی	م	ح	د

روز هر روز بعدد تکسیر بخواند و عدد تکسیر این دو اسم بیای ندا هزار و چهار
صد و سی عدد است و بی یا و الف لام عدد تکسیر چهار صد و سی و دو میشود
و چون این دعوت کند پدید آید در باطن او صفتی و خاصیتی که بدان
محبوب خلایق گردد و پسندیدهٔ خلق شود و مذکور زبانها شود و معزز و
مکرم امرا و سلاطین و عوام گردد و مقبول قلوب و مشهور روزگار گردد
المحصی یعنی خدای داناست بر عدد هر چیزی این نامیست که بندگان
نامهای خود را برکت این نام خواهند خواند اهل تحقیق گویند هر که دعای
این اسم کند باید که بداند که خدای تعالی بعلم بر کلیات و جزئیات
محیطست پس روی بکلی بحضرة دوست آورد و ملازم و مطیع آستان
حضرت عزت باشد تا او را عالم بر خواص اشیا و مخلوقات گرداند
شیخ بونی رحمه فرموده اند هر که ورد سازد و هر روز جمعه هزار بار بخواند

[illegible]

حساب قیامت بروی آسان گردد و حضرت امام علیه السلام فرموده اند
که هر که یکشب جمعه هزار بار بخواند در روز جزا حساب و عتاب وی سهل
گیرند اما هر که ورد کند و هر روز هزار بار بخواند اگر حساب مملکت بوی
دهند از عهدهٔ آن بیرون تواند آمد و بروی آسان گردد و دعوت این اسم
مناسب کسانیست که در حساب نسیان بر ایشان غالب باشد و عدد
دعوت این اسم عدد تکسیر است نهصد و پنجاه و چهار بقول شیخ بونی رحمه
هزار و یک عدد کبیر است و مدت چهل روز باین عدد بخواند تا نسیان
از وی دفع شود و هر چه بشنود یاد گیرد و فراموش نکند و غلط نکند در حساب
المبدی یعنی آفرینندهٔ هر چیزی بعلت و حاجت این نامیست که ارواح
در اشباح ببرکت این نام در می آرند اهل حقیقت گویند هر که خواهد
تا دعای این اسم اول باید که حضرت عزت را سبحانه و تعالی آفریدگار
جمیع اشیا داند تا حق او تعالی بقدرت کامل او را از بلیات و نکبات
و نقصان نگاه دارد حضرت امام فرموده که هر که در کاری شروع
کند باید که این نام با اکرام را پنجاه و شش نوبت تکرار کند
از سر تعظیم بعد از آن بر آن کار اقدام نماید البته بدلخواه او با تمام

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بجهت طالب فرزند

رسد حضرت شیخ بونی رحمة علیه کوید هر که طالب فرزند باشد بذکر
این اسم مداومت نماید و دایم این نام را بدل بخواند حق سبحانه
وتعالی او را فرزند صالح کرامت کند و اکر از سقط شدن حمل ترسد
این مربع بر لوح عقیق باین طریق نقش یا بر ابریشم سبز در کردن عورت

ی	د	ب	م
م	ب	د	ی
د		م	ب
ب	م	ی	د

آویزد و مرد انکشت شهادت بر کرد شکم
زن بر آورد و اکر شوهر حاضر نباشد پدر یا
برادر غسل کند و بدین عمل نماید چون عورت
نماز بامداد بکذارد همچنان برجای نماز نشسته درود بر روح رسول
الله صلی الله علیه وسلم فرستد و این مرد در برابر صلوات فرستد و
نود و نه بار این اسم را بخواند و باد بر ان حامله دمد سه روز یا هفت روز
آنچه در شکم ان ضعیفه بود خدای تعالی ایمن و سالم دارد و اکر حامله بذکر
این اسم مداومت نماید به آسانی وضع حمل کند و اکر عورتی بود که حمل او
سقط شود یا حامله نشود یا تصور آنکند که عقیمست چون بذکر این اسم
قیام نماید به عدد کبیر دایم و این لوح عقیق با خود دارد و اکر لوح عقیق
با خود دارد و اکر لوح عقیق میسر نشود بر طلا نقش کند و اکر طلا بدست نیاید

بر اطلس سرخ یا کاغذ زرد نویسد و با خود دارد فرزند کرامت یابد
المعید مدام بخواند تا از نجاسات محفوظ ماند **المعید** یعنی خدای باز برنده
هر چیزی فانی و ناچیز شده مرده و زنده باول حال خویش این نامیست که
در وقت صور با رواح در بدنها از برکت این نام در اید اهل تحقیق کویند
هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که خدای تعالی را آفریدکار و
زنده کننده و میراننده داند و مقر و صادق و معتقد بود بر انکه یخرج الحی من
المیت و یخرج المیت من الحی صفت اوست تعالی و تقدس و از مذاهب
حلولی و وجودی و الحاد اجتناب نماید و با آن طایفه هرکز صحبت ندارد و از
هستی خود در پیش قدرت خدای فانی شود در دنیا تا خدای تعالی در عقبی
او را زنده جاوید کرداند و بقای ابدی رضوان اکبر کرامت فرماید حضرت
امام علیه السلام فرموده اند هر که از رنج صعب مترسد و شیخ بونی رحمه
کفته اند هر کرا توهم است و از کشتن و بند کردن بیم دارد هفت روز
در حال صحت و فراغت این نام هر روز نود و نه بار بخواند و بر خود دمد از
جمله آفات و عاهات ایمن شود و شیخ بونی کفته هر که خواهد تا در قبر از
هم نریزد و همچنان باشد تا قیامت که روح در دمند ورد کند این نام را

بجهت نجات از رنج صعب و از بن غم و [illegible]
و [illegible] از زر و [illegible]

هر روز بعد تکبیر که دویست و چهار بار است تا سالها ماند در قبر از پوسیدن

الممیت یعنی میرانندهٔ هر زنده این نامیست که انبیا و اولیا را کام

از هیبت این نام بشکند محققان گویند هر که احصای این نام کند باید

که خود را در پیش قدرت حضرت حق چون میت داند در دست غسال

تا خدای سبحانه و تعالی دل او را از مردن نگاه دارد و در دنیا و آخرت

بنور معرفت خود زنده دارد و تا تواند باین دعا که بحدیث ثابت شده مداومت

نماید در میان فرض و سنت نماز بامداد سه بار خدای تعالی او را از زوال

ایمان نگاه دارد و دل او را منور گرداند **دعا** اَللّٰهُمَّ یَا حَیُّ

یَا قَیُّومُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْاَلُکَ اَنْ تُحْیِیَ

قَلْبِی بِنُوْرِ مَعْرِفَتِکَ اَبَدًا یَا قَرِیْبُ یَا مُجِیْبُ اَللّٰهُمَّ یَا وَلِیَّ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ

ثَبِّتْنِی عَلَی الْاِسْلَامِ حَتّٰی اَلْقَاکَ بِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ جِبْرَئِیْلَ وَمِیْکَائِیْلَ وَاِسْرَافِیْلَ

وَرَبَّ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنَ النَّارِ

یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَالْاَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلٰی مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

حضرت امام علیه السلام و شیخ بونی رحمه فرموده اند که هر که نفس اماره

بر وی غالب باشد و خواهد که مطیع وی گردد باید که بوقت خواب هر دو

۱۱

دست بر سینه نهد و صد بار بگوید یا ممیت و بعد از آن همچنان میگوید

تا در خواب شود حق تعالی نفس او را مطیع و مسخر او گرداند و اگر در سلخ هر

ماه که باشد بنیت ظالمی هزار و یکبار بخواند آن ظالم هلاک شود و

برای دفع خصمان قوی حیل روز هر روز هزار و پانصد و هشتاد نوبت

بخواند دشمن مقهور گردد از فضیلت این پنج اسم **المصور المبدی**

المحیی الممیت شیخ بونی رحمه فرموده هر که این اسما مداومت نماید اهل

بصیرت گردد و او او را معتبر گردانند و اگر طالب علم بدعوت این

اسما مداومت نماید عالم گردد چنانکه در فهم و ادراک و عقل و فهم و

ذهن او خلق متحیر بمانند و هیچ چیز بر وی مشکل نشود و حلال مشکلات

خود گردد و اگر چیزی بر وی مشکل شود و چون باز رجوع باین اسما کند بگشاید

و از خواص این اسما آنست که اگر کسی دعوت این اسما کند ممالک

را ضبط تواند کرد و محاسبه آن بخاطر نگاه تواند داشت و عدد که در یک

هر روز خوانده هزار و هشتصد و چهار بار است **الحی** یعنی زنده و پاینده

بذات خویش نه بسبب دیگر این نامیست که ملایکه را برکت این نام

احتیاج بخورد و خواب نیست اهل تحقیق گویند هر که خواهد که جهان

[illegible]

این نام کند باید که الله تعالی را در دنیا و عقبی زنده جاوید داند ازلی و ابدی
همیشه و پاینده تا حق تعالی او را در دنیا و عقبی زنده دل گرداند و اهل طریقت
حی و قیوم را اسم اعظم گفته اند شیخ بونی رحمه فرموده که بر سر هر بیماری که سه
روز یا هفت روز بعد د کبیر بخواند البته صحت یابد و اگر بر کشته زار یا بر باغ یا بر
پالیز خوانند بعدد کبیر هفت روز محصول از آفت سماوی و ارضی در امان باشد
و برا نهر ار سال زیاده دهد و اگر چشم کسی درد کند و از نابینایی ترسد
بعدد کبیر بخواند صحت یابد و از کوری سالم ماند و عدد کبیر هزار و یکیست القیوم
یعنی خدای پاینده و همیشه بی زوال و قایم بذات خویش است نه بواسطه غیری
این نامیست که هیچ آفریده را از عظمت این نام بر نفس خود تصرف نیست
محققان گویند هر که احصای این اسم قیام نماید باید که قیوم را بهمه حال تا ابد
قایم داند و قیام و حرکت همه موجودات بقدرت کامله او شناسد تا
ایزد قیوم نام او در میان بندگان خود پاینده دارد حضرت امام علیه السلام
فرموده اند که هر که این دو اسم را ورد خود سازد عمرش دراز گردد و مقصودش
حاصل گردد و بر دشمنان ظفر یابد و او را بود تصرف در دلها و مقبول قلوب
گردد شیخ بونی رحمه فرموده هر که مداومت نماید بر تکرار این اسم خاصه بوقت

جهت شفای بیمار و درمان بودن محصل از آفتها و درد چشم و ترس امان از نابینا شدن

بجهت درازی عمر و حاصل شدن مقصود و ظفر بر دشمنان و تصرف قلوب و مقبول القلوب

سحرگاه قادر گردد برانکه تصرف کند در قلوب خلایق چنانکه خواهد و اکثر
اکابر برین اندکه اسم اعظم این دو اسم که از جمله اسماء ذاتست و از امیر
المومنین علیه الصلوه والسلام روایتست که فرموده که دیدم حضرت رسالت
را که در حالت شدت و اضطراب چون گفتی یا حی یا قیوم در حال فرج
رسیدی و هم شیخ فرموده که این دو اسم ذکر اهل مراقبست
و لایق طالبان جاه و عزت و جویندگان رزق بسیار و اوقات
دعوت ان از وقت سحر تا طلوع آفتاب است و از جمله اسماء تحیات
یکی آنست که یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت و بعضی گفته اند از بزرگان
یا حی یا قیوم یا لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و فرموده اند
که بدین نام هرچه بجویی بیابی و هرچه خواهی توانی کرد و از خواص
این اسما حکایات غریب گفته اند از ظاهر شدن قدرت و سرعت اجابت
و قضای حوایج و حصول مقاصد آنچه مقدمان در کتب و رسایل خود ذکر کرده
اند از خواص این اسما و بر ایشان کشف شده ما جمله را درین مختصر بیاریم تا
بر دوستان آسان گردد و بدعای خیر امداد نمایند شیخ کتانی قدس
سره در واردات خود آورده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

نگاه و یکبار بخواب دیدم و سوال کردم که یا رسول الله مرا چیزی تعلیم کن
که زنده گردد دل من و پاک گردد از هر کدورتی آنحضرت فرمود بر تو باد
که هر روز بگوی یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسالک ان تحیی قلبی بنور
معرفتک ابدا یا الله و خواص این کلمات بسیار است و شیخ بونی
و مغربی رحمهما الله و چندی از بزرگان که نام ایشان درین کتاب
مذکور شده فرموده اند هر که خواهد که دعوت این دو اسم کند طریق آنست
که یکصد و هشتاد روز بدعوت این اسما مداومت نماید و اختلاط
با مردم کم کند و کم خوردن و کم گفتن و کم خفتن پیش گیرد و پیوسته با
طهارت و وضو باشد و تا تواند در خلوت تکرار کند و بیشتر در وقت
سحر ذکر باشد و یکی از شرایط آن است که بعد تکسیر چهار در چهار تمام حروف
اینرا که اینست بر خاتم نقش کند که از نقره که او یک دانگ زر باشد و اینرا
درست کند و بعد تکسیر که میخوانند و اگر خواهد و اگر خواهد که تسخیر قلوب
سلاطین و اکابر کند نام طالب را با اسم
مطلوب تکسیر کند و اضافت کند با تکسیر
اسمین در خاتم و بعد کامل بخوانند یعنی

۹۵۳	۹۵۷	۹۶۰	۹۳۶	
۹۵۹	۹۳۷	۹۵۲	۹۵۸	
۹۳۸		۹۵۵	۹۵۱	۹۶۲
۹۵۶	۹۵۰	۹۳۹	۹۶۱	

تسخیر قلوب امرا

بو بخوانند که عدد تکسیر اسما و عدد تکسیر اسمین چند است و این دو اسم را
با آن عدد بخوانند و انگشتری را عزیز و مکرم دارد و حین دعوت گاه گاه
در آن نقش نگاه میکند و چون بدین طریقه مداومت نماید از برکت
اسما کار او بجایی رسد که بر هر مردهٔ دل که نظر اندازد نشفقت دل
او زنده شود و از نفس او بیمار شفا یابد و اگر شرایط بجای آورده باشد
از چوب خشک بنفس او میوه حاصل و ظاهر گردد و از زمین نبات و از سنگ
چشمهٔ آب بیرون آید و امثال این حالات بسیار بود اما پنهان باید
داشت و حالات عجیب و غریب در حال دعوت ظاهر شود و از خواص
این اسما یکی آنست که صاحب دعوت را در خواب یا در بیداری بر چشمهٔ
آب حیوان برند و مخیر سازند در خوردن آن آب اما باید که از آن آب
بخورد تا خدای تعالی حیوة ابدی کرامت فرماید او را با ذوق و شوق و تا او
نخواهد روح از بدن مفارقت نکند و آنچه در شرح این اسما نوشته زیاده
از آنست اما باید که عقد ناقص را درین خواص شک چند اند که بره کار هر دو
جهان گردد و اگر در اعتقاد او نقصان باشد رجوع بدعوت نکند که اصل
اعتقاد است درین کار و نقش خاتم این بود که نموده شد و عدد تکسیر این

دو اسم سه هزار و هشتصد و شانزده است و اگر تواند این عدد را پس
از طلوع صبح تا بر آمدن افتاب بخواند و از طلوع افتاب تا استوا
یک عدد بخواند و بعد از نماز پیشین تا وقت خواب یکنوبت بخواند که
در شبانه روزی سه عدد تکبیر کبیر خوانده باشد و با وقار و تانی بخواند
یا حی یا قیوم یا حی یا قیوم و معانی نام در خاطر میگذراند تا بزودی
بمقصود برسد و اگر خاتم دایم در انگشت کند حکم خاتم سلیمان علیه السلام
دارد که جمیع خلایق مطیع و فرمان بردار او گردند و شوانند که از
حکم و فرمان او سر بچیند اما آن خاتم را از عورتان و کودکان و چیز
بند وان نگاه باید داشت و از چشم حایض و نفسا نهان دارد تا خواص
نیکوتر دهد **الواجد** یعنی خدای تعالی توانا است بهر چه خواهد این
نامیست که طالبان صادق از برکت این نام وجدی و حالتی می یابند
اهل حقیقت گویند هر کرا داعیه احصای این اسم باشد باید که بداند
که هر چه بر مخلوقات پوشیده شده است بر آنحضرت ظاهر است
و می بیند و خواص آن چیزها میداند نهان و آشکارا معلوم دارد و
خاصیت هر چیزی را خود داده است و هر چه بر ضمیر بنده خواهد گذشت

از خیر و شر پس باید که با خلق خدای تبارک و تعالی یک روی و یک
دل باشد تا حضرت سبحانه و تعالی وی را دولتی دهد دینی و دنیایی
که هر چه از وی بجوید بیابد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که طالب
حال و اخلاص باشند و وجد بر ایشان ظاهر گردد بدین اسم
مداومت نمایند و بعد از نماز بامداد یکصد و پنجاه بار یا واجد بگویند
انحالت درویشان بر او کشف گردد و اگر بعد از هر نماز بدین عدد
قیام نمایند اولی و ارجح بود و اگر در حین طعام خوردن بر هر لقمه
یکبار بخوانند آن طعام در بدن وی نورانی گردد و اثر آن بزودی بروی
ظاهر و مکشوف گردد **الماجد** یعنی بزرگ عطا در دادن ثواب بسیار
در وقت عطا زیادت از دریافت این نامیست که جمله کافران و مشرکان
از هیبت این نام ایمان آورند یا معزول و مغلوب گردند اهل تحقیق
گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که حضرت ماجد را تعالی
و تقدس بزرگ و بزرگ کننده و عالی داند و اگر مردی را عزت دارد
و اعتقاد کند بزرگی وی باید که بجهت آن بود که خدای تعالی او را از بندگان
خود برفعت برگزیده و بزرگ گردانیده و خود را در درگاه آن حضرة

خوار و حقیر داند و کمترین بندگان شمارد و بامید قبول تا حضرت وهاب
العطایا او را از بزرگان و مقربان درگاه خود گرداند شیخ بونی رحمة الله
فرموده که هر که در خلوت یا در نیمه شب یا ماجد چندان بگوید که از حس
طبیعی بیرون رود و بیهوش گردد دران حالت نوری در دل او
فرود آید که از پرتو آن نور باطن او معمور گردد و درمیان خلایق سرافراز
گردد و اگر این ذاکر گریان گوید و معنی آن در دل گذراند زود اجابت
شود و دعوت این اسم مناسب کسانیست که اهل خلوت و سلوک
اند و ایشان از قبض و [illegible] و از آثار نور باطن محروم مانده اند مداومت
بذکر این اسم باید نمود و عدد تعیین نفرموده اند شیخ بونی رحمه عدد
کبیر گفته اند که زیاده از هزار بار است **الواحد** یعنی خدای جل جلاله
یگانه در صفات الوهیت و پادشاهی خویش این نامیست که از
بزرگی صفت این نام در دل هیچکس نگنجد حضرت امام علیه السلام فرموده
هر کرا مرض صعب بود ورد کند و هر روز هزار و یکبار بگوید یا واحد از آن
مرض صحت یابد و شیخ بونی گفته اند هر که در راهی یا در جایی از شبهایی
ترسد یا از وحشت شخصی خایف بود و ملول گشته باشد یا در وقت سلوک

نور از پرتو دل و سرافراز در میان خلایق

بجهت صحت از مرض فرج

در خلوت متوهم باشد این اسم را هزار و یکبار بخواند از جمله نجات یابد و ایمن
گردد و این ترس از دل او خدای تعالی زایل گرداند و او را مونسی
و رفیقی کرامت فرماید **الاحد** یعنی یگانه در یگانگی و یکتایی در ذات
خویش این نامیست که همه عالم و عالمیان ببرکت و بزرگواری
این نام خلق شده و ظاهر گشته اهل حقیقت گویند هر که ارادهٔ
دعوت این اسم اول باید که اعتقاد کند که احد قدیم تعالی و هر یک
از افراد عالم را با وی احتیاج هست و حضرت او محتاج هیچکس نیست چون
بنده را این اعتقاد واقع شود حضرت احد او را به اکابر طریقت برساند
تا ایشان را بشناسد و دست در دامن توکل زده پای در دامن قناعت
کشد حضرت شیخ بونی رحمة الله گفته که مداومت نماید در خلوت بعدد
کبیر میخواند چون دعوت بکمال رسد ملکه برو ظاهر گردد بدانکه دعوة
صغیر در اسما یکیست تا نهصد و نود و نه و دعوت کبیر از هزار و یک تا ده هزار
که عدد کبیر خوانند و بدانکه هرجا در اسما عدد تعیین شده شده درین نسخه بجا
جمل و تکسیر و وفق مجموع جامع این رساله تکبیر کرده ام با نواع تکسیرات

[illegible]

وتا انرا تحقیق نکرده وعدد از اپیرون نیاورده ام وهر نکته که بر بیاض
مکتوب شده تا بار بار در رسایل وکتاب شارحان اسماء الله نظر نکرده
ننوشته ام وجز زحمت تکبیرات سهل اسما یا بالف لام یا بیای ندا
وطلب بر عمل مشایخ وروش مربعات وظاهر کردانیدن
رموز واشارات مشایخ از خود هیچ درین کتاب درج نکرده ام
ودرین کتاب از قاریان اسماء الله وعاملان مربعات وصاحب
دعوتان بعد تحقیق امیدوار بوده ام بدعای خیر التوفیق الی الله تعالی
حضرت شیخ بونی رحمه فرموده است که **الواحد الاحد** دو اسم اعظم اند
واسم سالکانست که دلهای ایشان معلق کشته باسرار الهی واسرار
توحید هر درویشی که طالب اینحال بود برو باد که مداومت کند بذکر این
اسما خاصه شب در خلوت که خلوت اهل معانی است ومشایخ قدس الله ارواحهم
ومشایخ قدس الله ارواحهم کویند که شب روز بازار مردان است واین
دو اسم را مشایخ عدد معین نکرده اند زیرا که سالک هر چند ذکر بیشتر
کوید جلای قلب او زیادت شود ودر آخر او را حالتی دست دهد که اگر
یک طرفة العین از ذکر خدای غافل میشود در مذهب صوفیه کافرست

چنانچه شیخ فرید الدین عطار فرموده

هر انکو غافل از حق یکزمانست
در ان دم کافر است اما نهانست

وشرح این بیت طولی دارد
الصمد یعنی خداوند جل جلاله معبود وپناه همه نیازمندانست در همه حال اهل
تحقیق کویند هر که خواهد که صفای این اسم کند باید که بداند که برارندهٔ
حاجات مسکینان وشنونده دعای مظلومان وپناه نیازمندان
بغیر حق دیگری نیست وهر حال که ویرا پیش اید روی بدرگاه صمدیت
کند وعرض حاجت خود انجا برد تا حضرت صمد او را از جمله حاجات مستغنی
کرد اند حضرت امام علیه السلام فرموده هر که در خلوت بسیار کوید در انجمن
او را هیچ کس هم نبود وشیخ بونی رحمه فرموده هر که بعد از تهجد یا در سحرگاه
وضو ساخته روی بر زمین نهد وصد ویازده بار بکوید یا صمد ومعنی او را بر دل نقش
کند وبرین مداومت نماید بمرتبه اهل یقین برسد واز جمله صادقان
کردد وهر کس را از جوع طاقت نبود بذکر این اسم مداومت نماید بعده
که حق سبحانه وتعالی درهای رزق بروی بکشاید در صورت ومعنی
ودر ذکر این اسم مکشوف کردد سر بیچونی وبیچکونی حضرت احدیت جل ذکره
القادر یعنی خداوند توانا بر هر چه خواهد بی مزد ومعاونت دیگری در همه

غالب شدن بر خصمان

احال این نامیست که ادریس علیه السلام بر قوم خود ببرکت این نام
نبوت یافت اهل تحقیق گویند هر که خواهد تا احصای این نام بکلیت
واحترام کند باید که بداند که توانایی بحقیقت قادر است هر چه خواست کرد
و هر چه خواهد کند یَفْعَلُ اللهُ مَا یَشَاءُ وَ یَحْکُمُ مَا یُرِیدُ پس باید که ترک تردد
وحصول مراد خود کند و کار خود بکارساز بازگذارد تا قادر ویرا توانایی دهد
بر آنچه خواهد حضرت امام علیه السلام فرموده اند هر که در وقت وضو ساختن
بر هر عضوی سه بار بگوید بر خصمان غالب اید اگرچه ضعیف بود شیخ بونی رحمه
فرموده است هر که در محل قتال و جدال با خصم بذکر این اسم
مداومت نماید غالب گردد بر خصمان و هر که را خصم قوی باشد و در
ذلت او اسیر گشته و عاجز باشد این اسم را در وقت طهارت
بول مداومت نماید حق تعالی او را بر خصم مغلوب گرداند المقتدر جل جلاله
یعنی خدای توانا بر آوردن همه چیز از مرتبه اسفل باعلی درجه و از کمال
درجه اعلی باز برنده باسفل این نامیست که روح در بدن از برکت
این نام در آید و از نهیب این اسم بیرون رود اهل حقیقة گویند
هر که از خواب بیدار گردد و همچنان دیده برهم گوید یا مقتدر و مکرر سازد

غالب شدن بر خصم
در جاه منصب و منزلت
و در شکست و خواری
و کسر و عزل اعدا

حق تعالی روز قیامت چشم او بدیدار خود روشن سازد حضرت امام
علیه السلام فرموده اند هر که در حرب خصم و دفع دشمن نقشه با خود دارد
و بذکر آن مداومت نماید بر خصم غالب شود و دل او بیدار گردد از خواب
غفلت و شیخ بونی رحمة الله فرموده که این اسم را درین مختصر دو خاصیت بیان
کنیم اول در جاه و منصب و قدرت و منزلت نزد اکابر و خویشان
و دوستان و دیگر در شکست و خواری و کسر اعدا و عزل ایشان
از اعلی درجه باسفل هر که خواهد ازین دو مقصود یکی یا هر دو بر آید بر
دعوت این اسم بعدد کامل تکسیر هفتاد روز باید که اگر جاه و منصب مقصود
است نام خود و نام آنکس که تو ترتب باو میجوید با این اسم تکسیر کند مثلا
محمد تقرب محمود میخواهد چنین تکسیر کند و طالب و مطلوب را بجای
آورد پس این مجموع حساب کردیم هزار و
هفتصد و هشتاد و شش بود قاری را مخیر
ساختیم اگر تواند هر روز به این عدد یا مقتدر

م	ق	ت	د	ر
ر	م	د	ق	ت
ت	ر	ق	م	د
د	ت	م	ر	ق
ق	د	ر	ت	م

بگوید درین ایام مذکور و اگر میسر نشود این عدد را باین طریق بر کاغذ وضع
کند و با خود دارد و بعد کبیر که زیاده از هزار بار است میخواند و تا تواند

بان عدد کامل خواند تقرب واقع شود که عاقبت محمود گردد و این را
بسیاری از بزرگان تجربه کرده اند و تقرب سلاطین رسیده اند و مقاصد
کلی ازین عمل حاصل شده و در یای
ندا و الف لام تعریف مخیر است در تمام
اسما و درین ایام شرایط خلوت بجای
آورد و بخور بسوزد و عود و صندل و
کشته و بعدد کامل خواند یا بعد تکسیر تا او را
زود خواص دهد و برای کسر خصم
نام خود و نام خصم تکسیر کند اما بشرط
انکه نام خصم بر نام خود مقدم دارد و
در وقت تکسیر و در خواندن مقهور شدن اعدا در خاطر دارد و هر عدد

م ح م د م ح م و د
د م و ح م م ح د م
م د د م ح و م ح م
م م ح د م د و م ح
ح م م و ح ب د د م
م ح د م د م ح م و
و م م ح ح د م م د
د و م م م م د ح ح
ح د ح و د م م م م

که از تکسیر بیرون آید بر والای سیاه
نبیل و زنگار در مربع نهد و بیاد او برد
و اگر چنان بود که باد از و الا گذرد
و بجانب دشمن رسد زود مقهور گردد

۴۲۱	۴۵۴	۴۴۷	۴۴۴
۴۵۱	۴۳۰	۴۴۵	۴۵۰
۴۴۶	۴۴۹	۴۵۲	۴۳۹
۴۴۷	۴۴۳	۴۴۲	۴۵۳

المقدم یعنی پیش آورنده نیکی و بدی بهر چه سزاوار باشد این نامیست
که موسی صلوات الرحمن علیه بر طور رفت ببرکت نام یافت و کلام چون
شنید اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که در جمیع امور
که او را پیش آید کار دین بر دنیا مقدم دارد تا حضرت عزت تعالی و تقدس
او را در زمره ارباب یقین دارد و دعای او را بتقدیم اجابت کند و دعوة
این اسم مناسب کسانیست که ایشانرا قبض و بسط باشد و کار ایشان
در هیچ امر از پیش نمیرود و بدعوت این اسم رجوع نماید حضرت امام علیه
السلام فرموده که در حین خوف بسیار گوید ایمن گردد و از هیچ چیز نترسد
و شیخ بونی رحمه فرموده که مربع این اسم را باین طریق اگر سلطان بر سر علم بندد
و یا هر لشکر که با خود دارد بر خصم غالب آید اما باید در دو مربع نویسد یکی بحروف
و یکی بعدد و حروف بر عدد مقدم دارد دارنده این لوح بر اعدا غالب گردد

رسیدن از خوف و غالب شدن بر خصم و اعدا و بهر ایمن شدن از دشمن

م	م	د	ق
د	ق	م	م
ق	د	م	م
م	م	ق	د

۴۰	۵۴	۴۷	۴۳
۵۱	۳۹	۴۴	۵۰
۴۵	۴۹	۵۲	۳۸
۴۸	۴۲	۴۱	۵۳

سر این در دل دشمنان افتد که بی واسطه فرار بر قرار لازم دانند و اگر بر لوح
نقره نقش کند اثر زودتر واقع شود و سلطان را واجبست که در روز مصاف
این اسم بر زبان می راند و بر خود و سپاه خود میدمد تا از شر خصم
محفوظ ماند **المؤخر** جل جلاله یعنی بست دارنده آنچه شایسته خواری و پستی
بود در مراتب این نامیست که آفریدگان این نام فنا خواهند شد اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند اول باید که در جمیع امور
که او را پیش آید ترک هوای نفس خود کند و رضای خدا بر مراد نفس خود
مقدم دارد تا ایزد تعالی جل ذکره دعای وی را سبب تاخیر بلای بندگان
خود گرداند و حضرت امام علیه السلام فرموده هر کرا عمر باخر رسیده و اولاد
خیر نداشته بود با این اسم مداومت کند عمر او دراز گردد و عمل او را قبول کرداند
و یقین او بحق تعالی زیادت گردد و در آن متمکن بماند **الاول** یعنی خدای
تعالی همیشه بود بی کمال بدایت این نامیست که جمله مکونات از برکت و
بزرگی این نام پیدا شده اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم
کند باید که قدم در راه خدا نهد و مرادانه در آید و اول و آخر خدا را داند تعالی
شانه و دعوت این اسم مناسب کسانیست که بفراق غایبی گرفتار شده باشند

دیر زیستن عمر و حصول شدن عمل

حضرت امام علیه السلام فرموده جهت غایب یا امر کار صعب که باشد چهل
شب جمعه هر شب هزار بار بگوید غایب حاضر گردد و جمله مرادات او حاصل
شود شیخ فرموده که هر که طالب فرزند بود یا در مقام امید دفینه دارد و فتوح
عالم غیب میخواهد و هیچ جا گمان ندارد ببد اومت این اسم بعد از هر نماز
جمعه قیام نماید چهل جمعه چون اربعین تمام شود مقصود او حاصل گردد و حاجت
بر آید **الآخر** تعالی شانه همیشه باشد بی زوال اهل حقیقت گویند هر که خواهد
تا احصای این اسم کند باید که بجود شرط کند و عزیمت جزم کند که هر قول
و فعل که از و در وجود آید خاص لله باشد و هیچ عمل بریا نباشد تا خاتمت کار
او بخیر و صلاح باشد و این دعوت مناسب کسانیست که در دنیا از خاتمت
کار ترسند و ورد سازند ایزد سبحانه و تعالی ختم کارش بسعادت ایمان گرداند
شیخ رحمه فرموده اند که قاری این اسم در همه حال بصفای باطن و خوش بود
و دایم دل او خرم و از عشق خدا خوش باشد و ذوقی در باطن او ظاهر گردد که اهل
حال را باشد و با ایمان و معرفت کامل دایم متوجه استانه کبریا بود و
او را رضوان اکبر نصیب گردد چون بصدق دل گوید و معنی در دل
و ذکر بر زبان گذراند تا دل او را زنده و زبان او را ذاکر باسما حسنی

بجهت حاضر شدن غایب و فرزند
و کارهای صعب ... و ...
... حصول دفینه از فتح ...

خود گرداند **الظاهر** یعنی خدای که پیداست هستی او باثار و علامات بسیار
در ظهور موجودات اهل حقیقة گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند
باید که ظاهر و باطن او با خلق خدای تعالی یکی باشد و چنانکه باشد نماید
و چنانکه نماید باشد تا روز حشر بان صفت محشور گردد حضرت امام علیه
السلام فرموده که بعد از طلوع افتاب هزار بار بگوید ایزد تعالی او را از
نابینایی نگاه دارد و اگر امور مخفیات دارد امام چهل روزه دارد دوم
روز سه هزار بگوید در خواب یا در بیداری او را از ان امر نشان دهند
شیخ بونی رحمه فرموده اند که ورد سازد و هر روز بعد از نماز چاشت
یا اشراق این اسم پانصد نوبت بگوید خدای تعالی بکمال قدرت ظاهر و باطن
او نورانی گرداند و دیدهٔ دل او را از خواب غفلت بیدار گرداند و از
تاریکی دل ایمن شود و دعوت این اسم مناسب کسانیست که خواهند
دشمن خود را مقهور گردانند که ایشانرا هیچ دخلی در ان نباشد و زوال نعمت
ظالم خواهند مداومت نمایند بخواندن این اسم بعد تکبیر پنجاه روز
هر روز شش هزار و پنجاه و دو نوبت بخواند دشمن مقهور گردد و بظهور آید
تمام افعال که بان خصم خواهد **الباطن** یعنی پوشیده ذات او از

انتهی تا بینایی و داشتن امور مخفیه

انتهی تاریکی دل ایمن شود و از خواب غفلت بیدار گرداند ظاهر و باطن

و مقهور شدن دشمن الحاصل ...

دریافت ابصار و او مام این نامیست که جمله جانوران از عظمت و بزرگواری
این نام شناخته اند خدای تعالی و تقدس اهل حقیقت گویند هر که خواهد
که احصای این اسم کند باید که خود را چنان بخلق نماید که در باطن نزد خدای تعالی
باشد تا ایزد سبحانه و تعالی باطن او را از ضلالت نگاه دارد حضرت امام علیه
فرموده هر که امانتی بجایی می سپارد یا دفینه مینهد این نام به وفق
اعداد با این نام نقش در مربع نهاده با ان رخوت بنهد با امانت از دزد سالم ماند و

۱۸	۲۱	۲۴	۱۰
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲
۱۲		۱۹	۱۶
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵

۲۶

دست غیری بان نرسد و هیچکس بر ان
مطلع نگردد از برکت این لوح شیخ بونی رحمه
گفته هر که هر روز سی و سه هزار بار بر زبان
راند و برین مداومت نماید حق جل جلاله او را
از اسرار ربوبیت و الوهیت واقف گرداند اما باید که بحروف ندا یا گویند
که یا باطن هر که بجز و پنهانی ظاهر و باطن نبینند و او را بود ذوقی که او داند
و چندان صفا در باطن او ظاهر گردد که خلق او را دیوانه خوانند و این نیز از
ذوق باطن خواهد بود و خود داند که چون پیشه است و حالتی دست دهد او را
که دیگر بر مداومت این ذکر گذراند و تمام خلق عالم را عدم اعتبار کنند

با امانت سپاردن از دزد ...

صفا در باطن و ذوق و حسن خلق

وظهور اسرار الوهیت حالتی غریبست کسی داند که بران مطلع است الاول
الاخر الظاهر الباطن این چهار اسم راخواص بسیارست واسرار عجیب
واحوال غریب دردعوت این اسماست بهر که مداومت نماید بردعوت این
نامها هفتاد روز بشرط مذکور در هر شبانه روزی بعد تکبیر صحل اسماء که انچ اند
که پانزده هزار وچهارصد وهشتاد وچهار است چون میسر شود وبرین دعوة
توفیق یابد بروظاهر گردد اسرار اولین وآخرین ومکشوف گردد انچه علما
ظاهر وباطن بر صاحب دعوت این اسما باخبر گردد از سر ازل وابد وبر
بدایت ونهایت موجودات دانا گردد وخواص ظاهر وباطن هر موجودی
بینا وتوانا گردد وسر عالم ملکوت بداند وبیش ازین در شرح این شروع
نباید کردن که از حد اعتدال در گذرد باید که اهل دانش معترف آیند بانکه
از دریافت معانی اسرار آلهی جل عاجزند وچون ختم با تمام رسد باید که بالکل
ترک ذکر اسما نکند وهمچنان میخواند واگر بدان عدد نتواند خواند بعد تکبیر بخواند
تا مدام که دران حالت بماند الوالی یعنی پادشاه فرمان روا بر جمیع
مخلوقات این نامیست که جهان را برکت این نام داشته اند اهل تحقیق
گویند هر که احصای این نام کند باید که محب صالحان باشد وخود نیز صلاحیت

ظاهر وباطن ... [illegible] ... الف

چش کبیر دو مهمات جزوی وکلی خود را بخدای تعالی گذارد وظاهر وباطن خود یکی
سازد تا والی ... لی جل جلاله کارهای او بسازد بلکه بدعای او امور مهمات
بندگان ساخته گردد ودعوت این اسما مناسب کسانیست که خواهند بدرجه
ولایت رسند حضرت امام علیه السلام فرموده هر که این نام بر کوزه نویسد
وپر آب کند ودر چهار خد خانه وبام سرای خود بپاشد ایمن بود انخانه
از دزد وصاعقه وسیل وزلزله وجمله افتها شیخ بونی رحمه الله فرموده هر که
این مربع بنویسد در شرف افتاب یا
در تثلیث سعدین وباخود دارد واین
اسم بعدد کبیر میخواند هر روز ایمن بود از
قهر سلطان وعزل وعمل وتنزل جاه ومنصب

١١٣٤	١١٢٧	١١٣١	١١١٧
١١٣٠	١١١٨	١١٣٣	١١٢٩
١١١٩		١١٢٥	١١٢٣
١١٢٦	١١٢١	١١٢٠	١١٣٢

١١٣٣

وغرق وحرق وسالم بود در بر وبحر واز افات وبلیات ونجات
اخر زمانی محفوظ ماند واگر این اسم را یازده عدد تکبیر بخواند هر روز تا بیست
روز وروزه دارد ودر خلوت خواند چون بیرون آید تمام خلق ولایت
مسخر او گردند وخبر بزرگی وی باطراف وجوانب عالم منتشر گردد واگر
درین دعوت بصدق واعتقاد بود وجهت تسخیر خلایق بخواند وبرای خدای تعالی

وسیل وزلزله ازدزد وصاعقه زنیتجه وجمیع افتها ... الف

مسخر شوند تمام خلایق

صفای باطن کشف شود علم لدنی و علوم غریبه

این دعوت کند بدرجه ولایت برسد و صفای باطن وی را روی نماید که برو منکشف گردد علوم لدنی و علوم غریبه و حالات عجیب و غریب و عدد تکبیر شیخ بونی مع صد و معز چهارصد و نه میشود و یازده عدد آن چهار هزار و صد و نود و نه عدد است و اهل طریقت گویند هر روز سه نوبت بگوید و معنی در دل گذراند چنانکه غیر در خاطر خطور نکند از اصحاب یقین گردد **المتعالی** یعنی ظاهر کننده بزرگی خویش با تبهای بید اهل تحقیق گویند هر که خواهد تا جهای این اسم کند باید که با کمال تحمید و تمجید حق تعالی خود را عاجز و حقیر داند در اعلا درجه که با وجود کمال حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک پس در افعال و اقوال موافق حضرت بهترین موجودات گردد علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات تا ایزد متعالی وی را بزرگ و عالیجاه گرداند این نامیست که حواخاتون رضی الله عنها برکت این نام مصون است

از اصحاب یقین گشتن

حضرت امام علیه السلام فرماید که هر زنی که در حالت حیض و نفاس این نام بسیار گوید ایمن بود از جمله آفتها علی الخصوص از استحاضه و شیخ بونی فرموده هر که مداومت نماید بعد تکبیر این اسم شریف از ظاهر و باطن او پاک گردد از غل و غش و کدورت و جمیع عیوب ظاهری و باطنی و هر که نقش کند حروف

ایمنی زن از جمیع آفتها علی الخصوص استحاضه

پاک شدن از غل و غش و جمیع عیوب ظاهر و باطنی

این اسم بر نگین عقیق یا بلور و اگر دست ندهد بر نقره خالص بعدد تکبیر و بحرمت نگاه دارد و دعوت در روز یا در شب بهمین عدد کند حاصل آید او را مرتبه عالی در عالم صورت و معنی و شیخ مغربی رحمه فرموده هر که این عدد در روز خواند مرتبه وی ظاهر ابلند گردد و اگر در شب خواند مرتبه عالی یابد در باطن و طریق مربع که بحروف نویسد و بعد نقش کند سر دو را مثال نموده شد و عدد تکبیر که بخواند دو هزار و دویست و هشتاد و هشت است یا متعالی دو هزار و سیصد و بیست و هشت است المتعالی بهر کدام که خواهد دعوت فرمایند و دعوت این اسم مناسب کسانیست که در سلوک یا در دنیا خواهند بدرجه کمال رسند

حاصل شدن مرتبه عالی و بلند

م	لی	عا	ت
عا	ت	م	لی
ت	عا		م
لی	م	ت	عا

لی

۵۷۴	۲۸۷	۵۸۴	۵۸۱
۵۸۵	۵۸۰	۵۷۵	۵۸۶
۵۷۹	۵۸۲	...	۵۷۶
۵۸۸	۵۷۷	۵۷۸	۵۸۳

۵۸۹

بدعوت این نام قیام نمایند و اگر بعد تکبیر نتوانند خواند بعدد وسیط که اصل عدد اسم است بخوانند که پانصد و چهل و یکنوبت است یا بقول شیخ بونی رحمه بعد تکبیر که زیاده از هزار بار است بخوانند **البر** جل جلاله یعنی خدای نیکو کننده با خلایق خوشی و نیکوی او بهمه جا و همه کس رسیده است این نامیست که خودان از برکت

از برکت این نام بزرگی رسیده اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد تا احصای
این اسم کند اول باید که شفقت و مرحمت از خلق خدای تعالی دریغ ندارد و تا
تواند تشنگان را سیراب گرداند و شیرینی تصدق کند تا یرحم ان الابرار لفی
نعیم وی را در میان ابرار درج کند و در جنت الخلد وی را ماوا سازد و منزل کرامت
فرماید و دعوت این اسم مناسب کسانیست که از آفت دهر و تنزل جاه و
مناصب ترسند حضرت امام علیه السلام فرماید که هر که بر کودک خواند چون
بسن بلوغ رسد ایمن بود از آفت روزگار و شیخ بونی فرموده که چون طفل
متولد گردد سه روز هر روز هفتاد بار بخواند و نفس بر وی دمد آن طفل از آفات
و بلیات محفوظ ماند تا حد بلوغ و شیخ مغرب رحمه گوید هر که مداومت نماید در
سر و علانیه بذکر این اسم حق سبحانه و تعالی بوی رساند آنچه طلبکار است
و اگر بعد تکبیر که ششصد و نود و نه یا بعد دیگر بخواند زود تر بمقصود واصل
گردد و آنچه مطلوب اوست بی واسطه بوی رساند **التواب** یعنی خدای
توبه دهنده و توبه پذیرنده است این نامیست که توبه آدم علیه السلام برکت
این اسم قبول گردانید اهل حقیقت گویند هر که خواهد تا احصای این اسم کند
باید که اگر روزی از راه سهو و غفلت جریمه واقع شود زود دشام گریبان ندامت

ایمن شدن کودک از آفات روزگار و بلیات

رسیدن بمطلب

گرفته روی بدرگاه کبریا آورده سر بسجود نهد و توبه کند و بدست
تواضع و عجز و مسکینی دامن کرم و جود رحمت را نگذارد و اگر بنده خدای
تعالی به نسبت وی عذری آورد باید که فی الحال قبول کرده در پذیرد و عذرخواهی
حضرت امام علیه السلام فرموده اند هر که هر روز رسی نوبت ورد کند دفع وسوسه
و آفت جن کند شیخ مغرب رحمه گوید هر که هر روز دو بار بر طفل خواند و بدمد تا
از شیر باز کنند آن طفل از تایبان گردد و شیخ بونی رحمه فرموده که هر که بعد از
نماز چاشت این اسم را سیصد و شصت بار ورد کند از بهر خویش یا
از بهر دیگری حق سبحانه و تعالی او را توبه کرامت کند و قبول نموده وی را از
نزدیکان خود گرداند و اگر کسی را سودا و خیالات فاسد و وسوسه شیطانی
تفرقه رساند و دل خود حاضر نتواند کرد در میان فرض و سنت با مداومت صد بار ورد
کند از آن بلیه نجات یابد و دل او را بخود مشغول گرداند و حضرت حق تعالی او را
نور معرفت از باطن برافروزد و اگر بر آن مداومت نماید از اهل قلوب گردد
المنتقم یعنی خدای تعالی انتقام کشنده است از بدکاران و مدبران
چنانکه حق اوست این نامیست که پیغمبران بر کافران از برکت
این نام ظفر می یافته اند و این اسم مناسب کسانیست که از ظالمان

دفع وسوسه و آفت جن کند

توبه نصیب شدن و قبول شدن

تحریک سودا و خیالات و وسوسه شیطانی و نور معرفت

انتقام خواهند اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند
باید که هرگز بر هیچکس جفا نکند و در حق مخلوقات هیچ بی جا یز ندارد تا انکه کلبی
یا حیوانی یا جانوری را از موذیات نرنجاند و ظلم نکند و با همه اشیا نیکو بود
و آنچه تواند از نیکویی با مخلوقات دریغ ندارد تا الله تعالی او را شوکت و ابهت
و شجاعت کرامت کند در باطن تا انتقام مظلوم از ظالم بستاند حضرت امام علیه
فرموده هر که بر جفای خصم صبر نتواند کرد این اسم را ورد خود گرداند هر جمعه
ششصد و شصت و یکبار بخواند چون سه جمعه بگذرد راضی گردد یا مقهور شود
شیخ بونی رحمه فرموده هر گرا قوت مقاومت با دشمن نبود و دشمن او قوی
بود یا بسیار باشد و او ضعیف بود مدت بیست و یک روز هر روز بعد دگپهر
یا نکسیر که دو هزار و پانصد و شصت و چهار است مداومت نماید دشمن چنان
مطیع و مهربان گردد که عفو کند و هر چه بوی کرده است درگذراند تا حق سبحانه
و تعالی کردار ویرا بروی او نیاورد **العفو** یعنی خدای درگذارنده کردار
بمخلوق است تخصیص انکه از گناه ترسد این نامیست که آب حوض کوثر به
بندگان ببرکت این نام خواهد بود اهل تحقیق گویند هر که احصای این
اسم کند باید که بداند که هر چه از بندگان خدای تعالی عفو کند حضرت خداوندی

راضی یا مقهور شدن دشمن

مطیع و مهربان شدن و عفو کردن دشمن

از وی صد هزار چندان درمیگذراند چون بنده از بنده عفو فرماید حق تعالی
بفرماید تا نامه اعمال ویرا پاک گردانند و الله تعالی در کلام مجید فرموده است
هل جزاء الاحسان الا الاحسان و اثر باقی نمی ماند چون بنده از ضعیفان زیر
دست عفو فرماید حضرت امام علیه فرموده هر گرا گناه بسیار بود چنانکه نزدیک
ناامیدی رسد نعوذ بالله چون این نام بسیار گوید باُمید تمام در اید در بهشت
شیخ بونی فرموده که هر درویش که در نزد پیر به ترجمان برخیزد و عذر سهو گذشته
خواهد باید که آن پیر البته خود را در روز محشر در نزد حضرت حق از ان مرید مجرم تر
داند و عذر او بلطف و خوشی و خوش خویی بپذیرد و قبول کند و تربیت از و دریغ ندارد
تا در روز محشر حضرت ایزد تعالی شانه پرده وی ندرد و از وی کرده و گفته و
اندیشیده عفو فرماید **الرؤف** یعنی خدای بخشاینده و مهربان بر خلقان و نماینده
راه فلاح و نجات با هل فساد و طغیان بواسطه این نامیست که اهل
شفاعت محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم ببرکت این نام خواهند یافت اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که تا احصای این نام کند باید که بداند که رحمت خدای
تعالی در دنیا شامل است بر مومن و فاسق و کافر و منافق و هر طایفه که
گرداننده اما در قیامت بمومنان مخصوص است پس باید که بداند و طریق

عفو گناه بسیار و ناامید از بهشت
باامید شود

مومنان چشم پوشد و بر فاسقان رحم کند و در حق ایشان دعای خیر کند تا حضرت
ملك رؤف دعای وی قبول کند و او را به رحمت بی‌نهایت بیامرزد و حضرت
امام علیه السلام فرموده هر که خواهد که مظلومی را از حبس ظالمی برهاند ده بار
این اسم را بگوید در برابر آن ظالم شفاعت او را در حق آن مظلوم قبول
کند و او را بوی بخشد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که ضعیف الحال
و نحیف الجسد باشند شیخ بونی فرموده هر که گرفتار بود بدست خصم قوی یا محبوس باشد
در چنگ ظالمی یا مسلمان بدست کافر اسیر بود بخواندن این اسم بعدد کبیر
یا بتکسیر و کبیر از هزار زیاده است بقول شیخ بونی و بقول شیخ مغرب رحمه عدد تکسیر آن
که هزار و هفتصد و چهل و هشت هست هفده روز خدای تعالی رحم کرد از آن
ظالم را و نجات یابد محبوس از برکات این اسم و هر که را همسایه بد باشد یا
حاکم که بهیچ وجه مهربان نگردد روز جمعه این اسم را بعد از نماز دویست نوبت
بدون الکلام بر شیرینی یا بر آب خواند یا بر نبات و در کوزه اندازد چون
آب خورد مطیع و مسخر گردد و از فرمان وی البته تجاوز ننماید و دوستی ایشان
جاوید ماند **مالك الملك** یعنی پادشاه پادشاهان یا مالك الملك و جهان
ذو الجلال و الاکرام یعنی خدای بزرگوار موصوف بجلالت و بزرگی و شکننده

رهانیدن مظلوم از حبس ظالم و قبول کردن شفاعت

نجات یافتن مسلمان از حبس کافر

دوست شدن همسایه یا حاکم که مهربان نباشد

هر جباری و متکبری و موصوف به نیکو داشت هر شکسته دل بیچاره عاجز اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که صفای این اسم کند باید که هرگز هیچ حاجت خود
بهیچ کس عرض نکند و خدای تعالی بعضی از بندگان خود را همت
عالی کرامت فرماید که هرگز هیچ حاجت خود بخدای خود عرض نمیکند
زیرا که تحقیق میدانند که خدای تعالی بر جمیع اشیاء و بر ضمیر تمامی مخلوقات از
آنچه در ضمیر ایشان گذشته و خواهد گذشت الی یوم القیمة مطلع است و داناست
بعلم قدیم این نامیست که پادشاهان عالم از برکت این نام و جلالت آن
نام به پادشاهی رسیده اند حضرت امام علیه فرموده که هر که این نام را بسیار
گوید بحسب دنیا توانگر گردد و منصب یابد شیخ بونی فرموده هر که این اسم را
بحرف ندا یاد کند که یا مالك الملك ذو الجلال و الاکرام تعالی شانه و برین مداومت
نماید بعدد کبیر بیابد پادشاهی و سلطنت و جاه و منصب و عزت و توانگری در عالم صورت
و معنی در آنچه همت او بود و اگر خواهد که تصرف در قلوب ملوك و سلاطین و تسخیر در
قلوب جمیع خلایق و تسخیر جن و اطاعت مخلوقات کند یا خواهد که او را کشف اسرار
خلایق شود شرطی که در اسم الرحیم مذکور شده بجای آورد و همت بلند دارد
و التفات بجزویات نکند و متوجه کلیات بود و آنچه تواند مع زیادت در ریاضت

بحسب دنیا توانگر شدن و در بادشاهی و منصب یافتن

تصرف در قلوب جمیع خلایق و سلاطین و تسخیر جن و اطاعت مخلوقات

نفس کوشد و چون نفس الضعیف سازد روح او قوی گردد و چون روح قوة
یابد عروج بعالم علوی تواند کرد کار او بالا گیرد و روز بروز در ترقی بود و اگر
قبض و بسط واقع شود باید که بهمین واسطه انکار ننماید و از توجه خویش فسرده
نگردد تا از مقصود دور نیفتد و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم وصیت
فرموده که بر شما باد که در وقت عرض حاجات مبالغه نمایید و الحاح کنید
در گفتن یا ذو الجلال و الاکرام که سبب اجابة دعاست شیخ فرموده
که هر که در سجده بیست و یکبار بگوید هر حاجت که خواهد روا گردد و اگر عدد
این اسم را در مربع چهار در چهار وضع کند و در مربع دیگر باین طریق بنویسد

[margin: بکمالیه من عادو خزینه مجرب]

۶ ۲۷۴	۹ ۲۷۷	۱۶ ۲۸۴	۳ ۲۷۱	۸ الاکرام	۱۱ و	۱۴ الجلال	۱ یا ذا
۱۲ ۲۸۰	۷ ۲۷۵	۲ ۲۷۰	۱۳ ۲۸۱	۱۳ یا ذا	۲ الجلال	۷ و	۱۲ الاکرام
۱ ۲۶۹	۱۴ ۲۸۲	۱۱ ۲۷۹	۸ ۲۷۶	۳ و	۱۶ الاکرام	۹ یا ذا	۶ الجلال
۱۵ ۲۸۳	۴ ۲۷۲	۵ ۲۷۳	۱۰ ۲۷۸	۱۰ الجلال	۵ یا ذا	۴ الاکرام	۱۵ و

و با خود دارد ایمن و سالم ماند از جمیع بلیه و آفات آخر الزمان اما جهد کند
تا در شرف آفتاب و خوشحالی مشتری بنویسد حامل این مربع نزد وضیع و شریف
و قضات و ائمه مقبول القول بود و کارهای بسته او بگشاید و اگر عدد این

[margin: امین و سالم از جمیع آفات و بلیه آخر الزمان مقبول القول و کشایش کار بسته]

اسما با عدد نام خود و نام هر که خواهد در شرف زهره پنج در پنج نهد آنکس مطیع او
گردد و در اول هر دعا که یا ذا الجلال و الاکرام بیشتر گوید زودتر بمقصود رسد

[margin: مطیع شدن مطلوب]

۲۷۰	۲۹۳	۲۷۶	۲۸۹	۲۷۲
۲۷۳	۲۸۱		۲۷۷	۲۸۵
۲۸۶	۲۷۴	۲۸۲	۲۹۰	۲۷۸
۲۷۹	۲۸۷	۲۷۰	۲۸۳	۲۹۱
۲۹۲	۲۷۵	۲۸۸	۲۷۱	۲۸۴

و دارنده این مربعات خواص بسیار
بیند المقسط یعنی خدای بدید ۲۹۴
کننده بهره هر شخصی از نیکی و بدی
که بوی رسد چنانچه در ازل قسمت
فرموده است اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند اول باید
که اعتقاد چنین دارد که هر چه بوی و بهمه عالمیان میرسد و خواهد رسید الی
یوم القیمه همه از آنست که در ازل پیش از آنکه خلق عالم موجود شوند بر لوح
محفوظ نوشته بقدرت کامله تقدیر فرموده از افراد آدم بایشان خواهد رسید
و خدای تعالی عادلست و بخیر رضا دارد و بشر نه باید که از جاده شرع بیرون
نرود و بر اراده خدا راضی شود آن بنده عارفست اگر سایل سوال کند که
کافر را در کفر ورزیدن چه گناه جواب گوییم که مشیت تابع علم است و علم
تابع معلوم چون خدای تعالی بعلم قدیم میدانست که استعداد کافر مقتضی
کفر است عطایای ایمان منافی حکمت و عدل بود قوله تعالی و ما ظلمهم الله

ولکن کانوا انفسهم یظلمون دالست برین معنی که گفته شد باید که هرگز حسد
بر کسی نبرد و براده مقسط راضی گردد تا وی را در مقام رضا از جمله مطیعان
گرداند شیخ بونی رحمة الله فرموده هر کرا وسواس بود یا بسیار محکم گردد
وخیالات فاسد او را تشویش دهد این اسم را باین طریق در مربع وضع
کند و در موم کار نا فرموده گرفته با خود دارد و بعد دکبیر ورد کند از ان بلیه
نجات یابد و چون دعوت از چهل روز بگذرد بر انواع حکمت مطلع گردد

بجهت وسواس ومحکم شدن و برانواع حکمت مطلع شد

۵۳	۵۵	۵۸	۴۴
۵۷	۴۵	۵۱	۵۶
۴۶		۵۳	۵۰
۵۴	۴۹	۴۷	۵۹

و برکت و دولت در کار او پیدا
گردد و از مخلوقات بهره مند گردد
۶۰ انما باید که او را از هیچ طمع نبود
و هرچه خواهد از خدا خواهد و آنچه
بوی رسد شاکر باشد چون بنده را اعتقاد صادق گردد خدای تعالی خلق
خود را مطیع و فرمان بردار وی گرداند و شیخ مغرب رحمة الله گوید هر که
اسم مقسط و جامع را در مربع پنج در پنج وضع کند بجهت آنکه کارهای پریشان
او جمع گردد آنچه او را مطلوبست و این مربع جهت گریخته و دزدیده و غایب
اثر عظیم دارد چون وضع اسما در مربع وقوع یابد نام گریخته یا چیزی

بجهت جمع کردن کارهای پریشان و آنچه او را مطلوبست و گریخته و دزدیده و غایب اثر عظیم دارد

که دزد و برده بر پشت مربع نوشته آن لوح را در میان کتاب نهد که گریخته
و دزدیده ظاهر گردد و دارندهٔ
فتوحات رسد **الجامع** یعنی دارنده چیزها
پراکنده و پریشان بقدرت و رحمت
خویش این نامیست که ۷۵ بر نگین سلیمان

۶۳	۷۶	۵۸	۷۲	۵۴
۵۵	۶۴	۷۷	۵۹	۶۸
۶۹	۵۶	۶۵	۷۳	۶۰
۶۱	۷۰	۵۲	۶۶	۷۴
	۵۷	۷۱	۵۳	۶۷

علیه السلام بوده که مخلوقات از برکت و هیبت این مهر سلیمان را مطیع و مسخر
گشتند اهل تحقیق گویند هر که خواهد تا صحابی این نام با احترام کند باید
که معانی حدیث نبوی را علیه الصلوة والسلام کار فرماید یعنی علم با عمل
جمع کند چنانچه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله وسلم فرموده العلم بلا عمل
وبال و العمل بلا علم ضلال و چون علم ضروری حاصل کرد و با او عمل جمع
ساخت حضرت جامع او را جمعیت کرامت کند در ظاهر و باطن که در ان
جمعیت سبب جامع جمیع حاجات عالمیان گردد و حضرت امام علیه فرمام
هر کرا پریشانی دست دهد و از دوستان و دیار خود دور افتاده بود
و در کار خود سرگشته و سررشته از دست داده روز یکشنبه چاشت
غسل کند و نماز گذارد و دست بردارد و بهر انگشت یکبار یا جامع بگوید

بجهت کارها

وانگشت عقد کند زود جمع گردد در مجمع یاران و دوستان خود شیخ بونی
رحمه فرموده اگر میان دو کس از دوستان یا میان زن و شوهر عداوت
و وحشت باشد که سبب تفرقه شود این اسم را بخوانند بنیت جمعیت هر کدام که
خواهند خاصه وقتی که در جامه خواب درآیند هنوز پای دراز ناکرده بدل
ده نوبت یا بیشتر یاد کند آن وحشت از میان برود و اگر در غربت افتاده
این اسم ورد کند و مداومت نماید بعدد کبیر یا عدد تکسیر باز رسد بمقصد و
مقصود و اگر پریشانی و تفرقه دیده و بحال خود مضطرب گشته دعوت
این اسم کند و بعدد تکسیر بخواند که یا نصد و هشتاد و چهار است پریشانی
او بزودی جمع گردد و اگر بقول شیخ مغرب رحمه هر روز پنج عدد تکسیر بخواند
که دو هزار و نهصد و بیست است جمعیت روی دهد و بمراد رسیده روی
بوطن آورد و اگر در وطن بود از نکبات نجات یافته و از درویشی خلاص شده
توانگر گردد و هر چه خواهد نصیب شود او را جمعیت صوری و معنوی
و صاحب دعوت این اسم اگر بشرط مذکور قیام نماید جمع آیند وحوش و
طیور و ددان صحرا و ضدان و لا یجتمعان جمع توانند گرد در یک مجلس
از خواص این اسم اعظم و دعوت این اسم مناسب کسانیست که مفلس

جمع شدن دو دوست با زن و شوهر عداوت کار رسیدن بمقصود و مراد و بوطن رسیدن خلاص و از نکبات و درویشی نجات و توانگر گردد و غنی شدن

و پریشان حال باشند و ایشانرا آرزوی غنا باشد **الغنی** یعنی خدای
بی نیاز از همه کس و همه چیز در همه حال این نامیست که اهل بهشت را اندوه
گناهان از دل ببرکت این نام زایل گردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد
که حصهای این اسم کند باید که بداند که غنی مطلق اوست و غیر او همه فقراند
و نیازمند اند و بدین معنی که او را میسر گردد طمع از خلق ببرد و احتیاج خود بهیچ
کس نگوید و بهیچ چیز از غیر خدا طمع ندارد تا ایزد غنی او را از خلق مستغنی
گرداند حضرت امام علیه فرموده هر که ببلای طمع گرفتار بود یا آنکه هر کس
را که بیند از وی چیزی طلب کند و اگرچه بظاهر طلب ندارد اما در باطن طامع
بود این اسم را هر روز بر هر عضوی از اعضای خود دست فرود آرد و بخواند
قطع طمع گردد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که ایشانرا آرزوی
غنا باشد شیخ بونی فرموده که هر که ببلا و شدتی گرفتار بود یا درویشی و فقیری
ویرا دریافته و عیال مند و قرض دار باشد در حال اضطرار چون وضو ساخته
بود دست بر آرد و نیاز تمام آنمقدار که تواند بگوید یا غنی خدای تعالی او را
از آن بلیه نجات بخشد شارحان اسماء الله چنین فرموده اند ذکر الغنی
بعد تکسیر و ذلک سبع مرات فانه یستغنی عن جمیع لاموالهم و قاعده آن

قطع گردیدن طمع از مردم و غنی شدن

بر سه قسم است اول انکه الف لام اضافت تکسیر میکنند چنانچه
الغنی درین صورت پنجهزار و پانصد و پنجاه و پنج عدد است دویم انکه بحرف ندا
تکسیر میکنند چنانچه یا غنی و درین نوع پنجهزار و سیصد و پنجاه و پنج باشد
سیم انکه بی یا و الف لام چنانچه غنی و درین مثال سه هزار و صد و
هشتاد است و اکثر ایمه این اسم بر انند که بی الف لام و یای ندا
تکسیر کنند و بعضی به الف لام تکسیر کرده اند و صاحب گلشن و شیخ عبد اللطیف
تبریزی و مولانا فخر الملة والدین یزدی و مولانا شرف الدین علی یزدی
و شیخ عبد العباس بونی در کتاب شرح اسماء حسنی آورده که پیش من
چنانست که چنانچه میخوانند تکسیر کنند بیا ندا یا بالف لام اضافت
و تمام اسما برین قیاس کنند **المغنی** یعنی بی نیاز کننده نیازمندان
در همه چیزی این نامیست که آب در کاریزها و چشمها و سنگها ببرکت
این نام جاری و ظاهر میگردد و اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این
اسم کند اول باید که بداند که مغنی برحق اوست و تمام مخلوقات و اشیا
را بوی نیاز است و او را بهیچ کس نیاز نیست و چون این معنی دانست
باید که هر چه داشته باشد از نیازمندان باز ندارد و تا تواند بمهمات

مردم قیام نماید و استدعای خلق را اجابت کند تا مغنی علی الاطلاق
او را از خلق بی نیاز گرداند و حضرت امام علیه السلام فرموده اند هر که
هر جمعه ده هزار بار بگوید تا ده جمعه از خلق بی نیاز گردد شیخ بونی فرموده
که هر محنت زده و از خلق نا امید گشته که هر روز ده هزار بار بگوید قریب الاجابة
گردد خدای تعالی او را توانگر گرداند و از خلق بی نیاز شود و اگر میسر شود
که بعد تکبیر کبیر بخواند از دنیا فارغ شود و غنی گردد که او را بعالم و عالمیان
هیچ احتیاج نباشد **الغنی الکافی المغنی** صاحب سر مکتوم فرموده
که هر که طالب توانگری یا کفایت باشد و بر آمدن مراد و حصول مقاصد
کلی دارد باید که روز جمعه بعد از فرض بامداد غسل کند و در خلوت رود
یا بمسجد جامع و بگوشه بنشیند و هفت بار این کلمات بخواند سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و بعد از ان دو رکعت نماز نیة کند و چون تکبیر تحریمه بندد هفت بار همین
کلمات بگوید و بعد از ان اعوذ و تسمیه بگوید و فاتحه بخواند و بعد از فاتحه
سوره یس تا آخر بخواند و برکوع رود و در رکوع این کلمات هفت بار
تکرار کند و در سجده هفت بار دیگر بگوید و در رکعت دویم پیش از فاتحه

بجهت [illegible] بی نیاز از خلق
قریب الاجابه دائر گرداند

طالب توانگری و کفایت و بر آمدن مراد

هفت بار بگوید و بعد از فاتحه سوره تبارک بخواند و مثل رکعت اولی
آخر سازد و چون خواهد سلام دهد هفت بار دیگر این تسبیح بگوید و
بلفظ سلام از نماز بیرون آید و بعد تکسیر این اسما را بخواند و عدد تکسیر
با الف لام تعریف سی و پنج هزار و ششصد و سی چهار است مع صدر و
و مؤخر و عدد تکسیر اصل اسم بی صدر و موخر بیست و هشت هزار و سیصد و
هشت میشود و بپای ندا سی چهار هزار و هفتصد و سی و چهار و بتکسیر
امیر سید حسین اخلاطی نور الله مرقده اصل اسما غنی کافی مغنی سی و هفت
هزار و بیست و چهار است قاری مخیر است هر کدام که خواهد اما بقول شیخ
اعظم شیخ ابو العباس بونی رحمه افضل آنست که بپای ندا خوانند
و چون ختم با تمام رسد دست بردارد و از خدای تعالی توانگری خواهد
مع عافیت و باید که هفت جمعه این ورد بجای آورد و اگر هفت روز پیوسته
باین عمل قیام نماید یعنی روز جمعه ابتدا کند و روز پنجشنبه با تمام رساند
و دعا کند در جمعه الله سبحانه و تعالی او را توانگری کرامت فرماید و از خلق
بی نیاز گردد اما توانگری باشد با تواضع و تصدق بسیار و او را بود
دل سلیم و باطن روشن و اگر خواهد که دولت بروی مدام بود و پاینده

باشد و از آن برخوردار باید که اسما را در انگشتری نقره که از پنج جزو یک جزو زر
باشد در روز جمعه بعد تکسیر حروف از ابنویسد یا بطریق عدد نقش کند و
انگشتری در انگشت کند و صدقه بدهد از وجه حلال بفقرا و مساکین و آن
خاتم را پاک و حرمت نگه دارد و اگر
دو خاتم سازد بر روش هر دو شارح
زود تر اجابت شود و هر دو روایت
را امتثال نموده شد و بعد تکسیر بذکر

عن	کی	فا	م
م	فا	کی	عن
کی	عن		فا
فا	م	عن	کی

۱۹۰۱	۱۹۱۴	۱۹۱۱	۱۹۰۸
۱۹۱۲	۱۹۰۷	۱۹۰۲	۱۹۱۳
۱۹۰۶	۱۹۰۹		۱۹۰۳
۱۹۱۵	۱۹۰۴	۱۹۰۵	۱۹۱۰

این اسما مداومت نماید و اگر میسر
نشود بعد تکسیر میخواند البته باید که
ترک نکند و بوی خوش بکار دارد
۱۹۱۶
و هر چند گاه این نماز یا نماز تسبیح
که در میان مومنین و مؤمنات مشهور است میگذارد و بعد تکسیر بخواند
و اگر وی را کاری کلی یا مهمی بزرگ دست دهد در روز جمعه غسل کند و نماز
که مذکور شده بگذارد و این اسما را بعد تکسیر که با الف لام شصت و شش
هزار و پانصد و سی و هشت عدد است بخواند و عدد تکسیر صدر و موخر

پنجاه و هشت هزار و دو ششصد و هشتاد عدد است مجموع صد و بیست
و پنج هزار و دویست و هژده عدد باشد و باین عدد بخواند این چهار
اسم را الغنی المغنی الکافی الفتاح و بعد ازان از خدای تعالی بخواهد
انچه مراد و مقاصد و ارزو دارد که خدای تعالی عطا فرماید و صاحب
کتاب نقل میکند از شیخ احمد همدانی رحمه الله که او فرمود که مرا از جهت
معاش جمعی از متعلقان خاطر متفرق بود از شیخ خود التماس کردم که
مرا چیزی بیاموز که وجه معاش متعلقان حاصل کردد فرمودند که بذکر
اسماء اربعه مداومت باید نمود و این اسما را تلقین کرد که یا کافی یا غنی
یا فتاح یا رزاق پس بگوشه نشستم و خلوت اختیار کردم و بعدد تکسیر
ذکر این اسما میکردم و اوقات بحضور میگذرانیدم روز چهلم دیدم که
سقف خانه باز شد و چهل همیان زر سرخ در صفه انداخته شد و اواز شنیدم
که بزبان فصیح میگفت یا احمد اگر تو درین ذکر میفزایی ما درین مزد میفزاییم
و اگر کم کنی ما نیز کم کنیم و اگر برین باز ایستی ما نیز برین باسیتم و عدد
تکسیر این چهار اسم یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق چهل و شش هزار و
دویست و هفتاد و شش است و عدد تکسیر صدر و موخر چهل هزار و دویست

برای مقصود و مراد وارزو

البقت

و چهل عدد است مجموع هشتاد و شش هزار و پانصد و هژده است یکی
از درویشان ما حکایت کرد که وقتی بجهت مهمی متوجه این اسما شدم یکی
از سالکان با من گفت که مراد در مکاشفه اسماء اسرار الهی چنان معلوم
شد که غنی و مغنی می باید خواند و از روی معنی این مناسب تر است درین
محل در تردد افتادم که طریق اول را اکابر روایه وضع نموده اند و شیخ
ابو العباس رحمه در نسخه خویش چنین آورده و باز این شخص چنین میفرماید
و از روی معنی این مناسب تر می نماید چون در تردد در خاطرم آمد گفتم توجه
بعالم معنی باید کرد تا درین صورت چه فرمایند چون متوجه شدم یکی از
ملازمان اسما را دیدم و او این واقعه با من گفت که از اهل البیت من
سه تن دیگر هستند که ملازمت اسماء الله تعالی میکنند من و ایشان بجهت
تو دعوت این اسما میکنم و چنین میگوییم یا کافی یا غنی یا مغنی یا فتاح
یا رزاق چون این معنی مشاهده کردم بدانستم که اشارة بدانست
که این اسماء عظام را بدین طریق ذکر می باید کرد پس توکل بالله تعالی درست
کردم و بذکر این اسما مداومت نمودم و منتظر بودم که چون اربعین تمام
شود آن مهم کلی ساخته کردد از برکت خواص اسماء الله روز بیست و ششم

خضر شده مهم کلی

بود که آن مهم ساخته گردید بی سعی و کوشش و دران قصه مرا امری عجیب که
شرح آن طولی دارد و از جمله غرایبست و عدد یا کافی یا غنی یا مغنی یا فتاح
یا رزاق بتکسیر سی و یکهزار و دویست و سی عدد است و تکسیر صدر و موخر
نه هزار و ششصد و شصت و هفت است مجموع چهل هزار و هشتصد و نود
و هفت عدد باشد و شیخ ابو العباس بونی رحمه فرموده که الکافی الغنی
المغنی الفتاح الرزاق لا یذکرها احد بالشرط الا وجد ما یتمنی ای علی صعوبه
و قد لا یذکرها عند القلیل الا کبر و علی شئ الا طرت فیه زیادة باسم الله تعالی
و سید این طایفه شیخ مغرب و صاحب گلشن و شیخ مقتول و چند بزرگ
دیگر از سار جان اسماء الله گفته اند که هر که این پنج اسم را در شرف شمس
که زهره مسعود بود و مشتری خوشحال و قمر در شرف یا در خانه خود و عطارد

۱ یا کافی	۲۵ یا غنی	۱۹ یا مغنی	۱۳ یا فتاح	۷ یا رزاق
۱۴ یا فتاح	۸ یا رزاق	۲ یا کافی	۲۱ یا غنی	۲۰ یا مغنی
۲۲ یا غنی	۱۶ یا مغنی	۱۵ یا فتاح	۹ یا رزاق	۳ یا کافی
۱۰ یا رزاق	۴ یا کافی	۲۳ یا غنی	۱۷ یا مغنی	۱۱ یا فتاح
۱۸ یا مغنی	۱۲ یا فتاح	۶ یا رزاق	۵ یا کافی	۲۴ یا غنی

از نحوست مبرا در لوح پنج در پنج
که این لوح پنج مثقال طلا باشد
و یکمثقال نقره ممزوج کرده با خود
دارد منسوبات این هفت کوکب
و دارنده را مسخر و مطیع او گردند

دارنده را منسوبات هفت کوکب مسخر و مطیع گردند

العاقل بکفیه الاشاره **المعطی** یعنی دهنده مصالح معاش هر چه خواهد مر
بندگان را این نامیست که آدم را علیه السلام از برکت این نام بر جمله اشیا
مکرم گردانید شیخ بونی رحمه الله فرموده هر که خواهد که محتاج بهیچ چیز و هیچ کس
نشود بدعوت این اسم مداومت نماید بعد دکبیر و در آخر بگوید یا معطی السائلین
از خلق بی نیاز گردد اما این اسم در صحیح بیامده و بعضی از ایمه گفته اند حق
سبحانه و تعالی را بلفظ معطی یاد نکنند چون شیخ رحمه این شرح فرموده ایم
بهمین قدر اکتفا کرده اند **المانع** یعنی خدای باز دارنده از بلا و نعمت
و راحت و محنت از هر که خواهد از بندگان اسل تحقق گویند هر که خواهد که
جهای این اسم کند باید که بداند که اگر همه عالمیان جمع شوند و خواهند که مقدار
ذره مضرت بشخصی رسانند نتوانند رسانید تا اراده نباشد پس باید که خدای
تعالی را بدوستی گیرند و از غیر خدا خاطر جمع دارد و نفس خود را از هوا منع
کند تا مانع بلای دنیا و آخرت از و دفع کند حضرت امام علیه السلام فرموده
هر کرا جفتی ناسازگار باشد به هنگام خواب این نام بسیار گوید سازگار
وی شود و شیخ بونی فرموده اند در زمان نزول آفت مثل لشکر بیگانه و برف
بسیار و آمدن ملخ و باران و باد و طوفان و هر بلا که باشد و از ان ترسد

مهمات نشین بهیچ چیز و هیچ کس بی نیازی از خلق

بجهت زنگار شدن ضعف نامسازگار الف

بذکر این اسم مداومت نماید بسلامت ماند از ان بیه و اگر در میان جمعی
خصومت افتد از هر جانب که بدعوت این اسم مداومت نمایند غالب آیند
یا میان ایشان صلح افتد **الضار** یعنی رساننده الم و خواری و مصیبت
هر که خواهد این نامیست که زمین و اسمان ببرکت این نام قایمند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که از وی هیچ مضرت
بکسی نرسد و بران باشد که نفع رساند تا حضرت عزت ضرر خلق از وی دور
دارد شیخ بونی رحمه الله فرموده که هر که طلب جاه و مرتبه عالی و زیادتی
قدر و منزلت خویش و اقربا خود خواهد هر شب این اسم را صد بار بخواند
از خواری و مذلت ایمن گردد و بدولت و سعادت و منزلت عالی برسد
و حضرت امام علیه الصلوة والسلام فرموده اند که هر که او صاحب
جاه و منصب باشد و از زوال آن ترسد هر شب جمعه و هر شب ایام بیض
این اسم را صد بار بگوید در ان دولت پایدار بماند و دیگر روزها و شبهای
جمعه بسیار خواند تا دولت وی ثابت و منزلت عالی او برقرار بماند
النافع یعنی رساننده منفعت و شادی چه در صورت خیر این نامیست
که دریا ها برکت این نام نهایت ندارد اهل حقیقت گویند هر که احصای

نجات یافتن از رنج
یا صلح در میان ایشان

الضار

برقرار ماندن
در دولت

وغایت

این اسم کند باید که اول بداند و اعتقاد کند و تا تواند بران باشد که
از و نفعی به بندگان خدا رسد و نیک خواه خلق باشد تا خدای تعالی در دنیا
و آخرت با او نیکویی کند و چون نیت او نیک بود نیکی بیند و حضرت بهترین
موجودات علیه افضل الصلوات فرموده انما الاعمال بالنیات و حضرت
امام علیه السلام فرموده که هر که این اسم بسیار گوید علی الخصوص در شبهای
جمعه تقرب وی را او واقع شود بآستانه کبریایی و چون دایم گوید اگر در میان
صد هزار دشمن بود هیچ ضرر بوی نرسد و دعوت این اسم مناسب
کسانی بود که در عالم از خصم متوهم باشند شیخ بونی رحمه الله فرموده
هر که در سفر در وقت خرید و فروخت و در حین زراعت بذکر این اسم
مداومت نماید او را در ان کار سود بسیار بود و در ان کشت دخل
بسیار بود و بمال او هیچ نقصان نرسد و اگر کسانی که در کشتی باشند
ده کس هر یک ده هزار بار این اسم بگویند و اگر سه کس یا دو تن یا یک
نفر این اسم را صد هزار بار بخوانند ایمن گردند از غرق شدن و واقعهای
دریا شیخ مغرب فرموده که النافع را شش عدد تکسیر هر که بخواند
سلب توانگری وی شود اما باید که این اسم را در شرف حمل یا در شرف

در میان دشمنان سلامت
ماندن و ضرر نرسیدن بوی

الضار

ایمن از غرق شدن دریا
و افتها و توانگری

افتاب وخوشحالی مشتری بر لوح نقره نقش کند باین طریق و در حال
خواندن در جام سفید روی یا کاسه چینی سفید نهاده قدری آب وگلاب

ع	ف	ا	ن
ن	ا	ف	ع
ف	ع	ن	ا
ا	ن	ع	ف

در وی ریزند و در نظر خود نهاده هر دم
در وی نظر کند و هر روز یک عدد تکسیر
بخواند و روز پنجشنبه تمام کند وشب
جمعه اگر تواند بار شش عدد تکسیر بخواند و دعا کند البته باجابت مقرون
گردد و اگر شب جمعه تواند خواند توانگر شود در دنیا و خدای تعالی اورا
در ظاهر و باطن توانگر گرداند و جمله جهان وی مقهور گردند ونفع رسد از
همه خلقان بوی و اورا نیز حالتی دست دهد که دایم خواهد که ازو منتفع گردد
بحسب ظاهر و باطن صفایی واقع شود که فیض او بهمه اشیا برسد وکسی
باوی مقاومت نتواند کرد و این اسم اعظم را خواص بسیار است
و عدد تکسیر نافع ششصد و سی است مع صدر و موخر هزار و دویست
وشش است و عدد تکسیر النافع مع الف لام هزار و صد و شصت است
مع صدر و موخر هزار و هشتصد و پنجاه و سه است و عدد تکسیر یا نافع مع یا
هزار و شصت است مع صدر و موخر هزار و پانصد و چهل و سه است

توانگری در وی

وشش عدد تکسیر نافع هفت هزار و پنجاه وشش عدد تکسیر یا نافع نه
هزار و دویست و پنجاه و هشت وشش عدد تکسیر النافع یازده هزار
وصد و هژده است قاری مخیر است در یا و الف لام **النور** یعنی خدای
پیدا و روشن هستی بنشانهای ظاهر و بر دارنده حجابها از دلهای
بندگان از اکه خواهد این نامیست که موسی صلوات الله علیه در بیابان
از صورت اتش انی انا الله شنید اهل حقیقت گویند هر که خواهد حجابی
این نام کند باید که معتقد باشد بر انکه جمله موجودات بنور وی ظاهر گشته
اند و دست نیاز و تواضع در دامن کبریایی و عظمت باری تعالی زند
تا ویرا نور محض گرداند و پیوسته بران باشد که خود را از ظلمت کن نگاه
دارد اهل طریقت گویند وشیخ بونی رحمه نیز چنین فرموده که هر شب
سوره نور هفت بار بخواند و بعد دکبیر این اسم تکرار کند نوری در باطن او
ظاهر گردد و اگر برین مداومت نماید ان نور در ترقی باشد و اگر میسر
نشود البته هفت جمعه پیوسته مداومت نماید و اگر روزها بدین اسم مداومت
نماید در ایام مذکور و شبها بعد دکبیر تکرار کند نوری در باطن او پیدا
آید و دیده دل او بنور آلهی روشن گردد و از باطن او شعلهای نور

برافروزد و شیخ بونی در شرح کبیر اسماء الله آورده اند هر که این اسما
را که **البدیع النور القابض** است باین صورت تکسیر کند که نموده میشود
ااا ل ل لی ب ن ق د و ا ی ر ب ع ض بر فضه نقش کند و
و بر دایره ان الله نور السموات والارض تا انجا که بکل شی علیم نقش کند
روز جمعه در وقت طلوع آفتاب و در وقت نقش کردن غسل کند و جامه
پاک در پوشد و با خود دارد و هر روز این اسما چهارصد بار بخواند و شروع
کند در امری کلی که خواهد از تقرب و خلاصی محبوسان و اسیران بلکه در
اخلاص اینها که حکم بر قتل ایشان کرده باشند و مراتب او بلند گردد **الهادی**
یعنی راه نماینده و راه نماینده باسباب نفع و ضرر بندگان را این نام [illegible]
که دلهای بندگان مقرب بمعرفت خدای تعالی ببرکت این نام راه می یابند
اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند البته باید که بداند که راه
نمای بحقیقت اوست و هر کرا دیده دل بگشوده [illegible] است نمود کش راه
[illegible] نمود در ضلالت جاوید بماند پس طریق بندگی پیش گیرد و پیوسته
بحکم اهدنا الصراط المستقیم طالب هدایت کند تا هادی المضلین ویرا
راه نماید و مرشد خلایق سازد شیخ بونی رحمه الله فرموده اند هر که نظر

النصف

باسمان کند و دست بردارد و چندانکه تواند این اسم بگوید و دست
بروی خود مالد الله سبحانه و تعالی او را راه نمای و دلیلی بفرستد
یا خود از عین عنایت بالهام او را راه نماید و دعوت این اسم مناسب
سالکان راه حق است و هر که راه راست خواهد این اسم را دعوت کند و بعد
تکسیر بخواند هر شبانه روزی پنج نوبت و در خلوت تکرار کند این اسم را
و در آخر هر روز بگوید یا هادی المضلین حق سبحانه و تعالی او را راه راست
بنماید و صفای باطن کرامت کند و روی وی را پیر طریقت عصر گرداند
و هر دم از وی راه هدایت جویند و در ان مستقیم بماند و عدد تکسیر کبیر
بیست و چهار هزار و هفتصد و بیست میشود و شیخ بونی رحمه فرموده که یا
هادی خواندن مناسبت **البدیع** یعنی نو افریننده هر چیزی بی سابقه
نهج اصلی این نامیست که اسمان بکواکب و زمین بها [illegible] برکت
این نام است و یوسف پیغمبر علیه السلام از زندان بیرون بزرگواری این نام
نجات یافت و بسلطنت و عزیزی مصر رسید حضرت امام علیه السلام
فرموده هر که در حین دعا هفتاد بار بگوید دعای وی مستجاب گردد
و اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که بداند که

بجهت دانستن راه راست وصفای باطن

بجهت مستجاب شدن دعا

حضرت بدیع این عالم را از کتم عدم بصحرای وجود آورد بنوعی
که نظیر ندارد و از بی نظیری هرچه آید بی نظیر خواهد بود و زبان اعتراض
کوتاه کند از مخلوقات او تا حضرت بدیع علی الاطلاق او را از بی نظیران
گرداند چنانکه سلطان المحققین ملک العارفین ابو بایزید البسطامی
قدس سره میگفت من مثلی و هل فی الدارین غیری و شیخ بونی
فرموده هر کرا اندوهی یا غمی پیش آید و دران مضطرب گردد و نجات او
نداند و کار او فروبسته بود و خواهد که آن امر باقدام رساند غسل
کند و دو رکعت نماز گزارد و جهت برآمدن آن امر کلی هفتاد هزار بار — جهت برآمدن امر کلی
بگوید یا بدیع السموات والارض و آنچه تواند از وجه حلال صدقه دهد
و بعد از اتمام ختم و چون تصدق بجای آورد هزار بار دیگر بگوید تا بزودی
کار ساخته گردد و شیخ مغرب رحمه فرموده که از برای هر مهم کلی این مربع

یا	بدیع	السموات	والارض
والارض	السموات	بدیع	یا
بدیع	یا		السموات
السموات	والارض	یا	بدیع

والارض

بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ کشند
و با خود دارد و روز جمعه این کلمات
را بعدد تکسیر یک مجلس بخواند چنانچه در
میان آن دعوت سخن نگوید اگر فی المثل — تا بعدد جمل دارد

سلطنت خواهد خدای تعالی او را بامید وی رساند و برای هر مهم و مقصود
که این ختم بخواند هم دران هفته کفایت گردد و عدد تکسیر این کلمات هشت
و چهار هزار و چهار بار است الباقی یعنی خدای همیشه باشد و بران صورت
که بوده هست و باشد بی تبدیلی و تغیری این نامیست که اهل بهشت از برکت
این نام بهشت درایند و از هول قیامت ایمن گردند حضرت امام علیه السلام
مقبول شدن عمل — فرموده که هر که هر شب صد بار بگوید عمل او مقبول گردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد
احصای این اسم کند بداند که بقا و فنا بید قدرت اوست و ملک ملک اوست
ازلی و ابدی اوست و او خواهد بود کل شیء هالک الا وجهه تا حضرت باقی
ویرا حیات ابدی کرامت فرماید شیخ بونی رحمه فرموده هر که هر شب این
مستجاب الدعوة شدن — اسم را صد نوبت بگوید و شب جمعه هزار بار خدای تعالی او را مستجاب الدعوة
گرداند و علمای او مقبول حضرت عزت گردد و حضرت عزت بنظر عنایت در وی
نظر کند و از جمله مقبولان گردد و عدد این اسم مع الف لام صد و چهل و چهار
و بیای ندا صد و پنجاه و چهار و عدد باقی صد و سیزده است الوارث یعنی
خدای باز ستاننده دادهاست از خلق اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای
این اسم کند بداند که مخلوقات مجموع فانی اند جز خدای تعالی و آنچه او خواهد

بخواهد ماند و حضرت وارث ندا در خواهد داد که لمن الملک الیوم لله
الواحد القهار چون چنین اعتقاد کند باید که ادب نگاه دارد و آنکه
خدای چیزی بخود اضافه نکند و مال و علم و حیات و ارادة و قدرت و سمع
و بصر و کلام همه بوارث بازگذارد تا حضرت وارث ویرا ملک بی منتهی کرامت
فرماید و بحیات ابدی معوض گرداند و وارث انبیا سازد و علم لدنی ارزانی
فرماید شیخ بونی رحمه الله فرموده هر که مداومت نماید پیش از طلوع آفتاب
نبود او را وحشتی و گزندی در حیات و ممات
نباشد او را وحشتی و گزندی در حیات و ممات و انکه مداومت کند این
اسم را خاصه در شب وقت خواب یاد بزبان تنهایی حضرت حق او را
تنها نگذارد و در قبر لطف حق مونس او گردد اما باید که در آخر ذکر
این اسم هفت بار یا سه بار این آیه بخواند رَبِّ لا تَذَرْنِی فَرْداً وَأَنْتَ
خَیْرُ الْوارِثِینَ الرشید یعنی خدای صواب کار براه راست این نامست
که حضرت خضر علیه السلام آب حیوان در ظلمات یافت ببرکت این نام
هر که خواهد تا دعوت این اسم کند باید که در راه خدای با بندگان خدای راست
باشد و البته مذبذب نباید بود و گاه در طاعت و گاه در معصیت و با خلق
بمکر و حیله و تزویر نباید بود و خود را چنان باید نمود که هست و یکرنگ

و یکدل و یکجهت باید بود در راه خدای تبارک و تعالی تا حضرت رشید
ویرا در طریق راشد گرداند و دعوت این اسم مناسب کسانیست
که طالب راه راست باشند و کسانی که سر رشته تدبیر گم کرده اند
ندانند که احوال ایشان چگونه خواهد بود و حضرت شیخ ابو احمد تیمی رحمه الله
فرموده اند هر که ورد سازد بعد از نماز شام و به تلاوت این آیات قیام
نماید و قطع نکند و بعد از تمام آیه هزار بار اسم الرشید بگوید فتح و تدبیر و
بجهت فتح و تدبیر و سرانجام کارها اثری تمام دارد
بسر انجام کارها اثری تمام دارد و آیه اینست وَهُوَ الَّذِی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْکُلُوا
مِنْهُ لَحْماً طَرِیًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْیَةً تَلْبَسُونَها وَتَرَى الْفُلْکَ مَواخِرَ فِیهِ لِتَبْتَغُوا مِنْ
فَضْلِهِ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ و اگر کسی بنیت استخاره هزار بار بخواند نفع و ضرر
روشن شدن نفع و ضرر کارها در استخاره کردن
ان کار برو روشن گردد الصبور یعنی خدای صبر کننده در مکافات
و عقوبات گنهکاران و در عذاب فرستادن بر کافران این نامست
که ایوب علیه السلام ببرکت این صابر گشت هر که احصای این اسم
کند باید که در کارها شتاب نکند و هر بلا و شدت و محنت و گرسنگی که ویرا
روی نماید از خدا چاره ان طلب کند و خواری و مشقت و برهنگی و محنت
از خلق نداند و قبض و بسط و حبس از سلاطین اعتقاد نکند و درین امور

اکر قوع یابد صبر شعار خود سازد و مسبب الاسباب نداند تا حضرت صبور
ویرا در دایره صابران در آورد و نام وی در جریده صابران نویسد بحکم آیه کریمه
انا وجدناه صابرا نعم العبد ویرا ستایش کند بران صبر وی پس هر کس
پس هر کس را که خدای تعالی ستایش کند جنت بروی صادق آید جمعی
از ساحران اسماء الله عدد این اسم سه هزار بار آورده اند برای اطمینان
خاطر اما شیخ بونی رحمه فرموده اکر کسی را دردی باشد و طاقت آن ندارد
و در حال استسقا و کرما و خوف هلاکت از بی آبی این اسم را ابتدا
کند بنیت انکه سی و سه هزار بار بخواند و چون سه هزار بار تمام رسد
یلمز شد که باب سد یا آب بمو رسد و چون عدد کل تمام شود حضرت
صبور ویرا در این بلیه صبر و اطمینان خاطر کرامت کند و اکر بجهة
دیکری خواند انکس را هم خدای تعالی صبری جمیل کرامت کند و دعوت
این اسم مناسب انکس است که صبر نداشته باشد در بلا و سختی و این
و این اسم را علمای این طایفه عدد معین نکرده اند سیصد و بیست و نه عدد
است و هیای ندا سیصد و نه عدد و صبور دویست و نود و هشت عدد باشد
و عدد تکسیر بطریق شیخ بونی رحمه هزار و هشتصد و پنجاه است و بطریق شیخ

بحث مذکور

مغرب رحمه الصبور هزار و صد و پنجاه و دو عدد میشود و حضرت امیر سید حسین
اخلاطی نور الله مرقده فرموده اند که از برای هر مهم کلی که واقع شود که
بشر حاطر جامه و خلوت و صوم بعد دکیر بخواند امید چنانست که از موضع
خود بر نخاسته باشد که اثر اجابت و وصول مراد بروی منکشف کردد و این
عدد را بعضی از درویشان تجربه کرده اند و شرح این اسم بسیارست
لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر نعم المولی و نعم النصیر فصل در قواعد
و روش تکسیر از طریق مشایخ بزرک با نوع بیاریم و آنچه درین نسخه مذکور شده
و بدین قواعد احتیاجست اول طبایع حروف ناری ا ه ط م ف ش ذ
هوای ب و ی ن ص ت ض بادی ج ز ک س ق ث ظ ترابی
د ح ل ع ر خ غ و اکر تکسیر با عراب احتیاج افتد چنین اعراب کنند
و اکر بطریق شیخ بونی رحمه تکسیر خواهند طریق طبایع چنین آورده انتهی
ا و ل ی م ن ع بادی ج ز ک س ف ت خ ابی هر ش ث
ذ ص ط خاکی ب ذ خ ظ غ ض ق ابتدا تکسیر حضرت سید السادات
علما این فن امیر سید حسین اخلاطی نور الله مرقده دو نوع تکسیر بجا آیم
اول چون خواهند که اسمی از اسما تکسیر کنند مثلا بطریق امیر اعظم

هر امور کلی اثر اجابت
بزودی مطلوب رسد

یکی انیست که هرچه از صدر و موخر حاصل شود حروف ح ی ق ی و م
مکرر را انرا بیرون کنند و باقی را تکسیر کنند و هرچه از م ح و ی ی ق
تکسیر اول و متولد از صدر و موخر حاصل شود از احساب ق م ی ا ح ی و
کنند و عدد تکسیر گویند و تکسیر مکسر حضرت سید العلما و ق ی م ح ی
آنست که حروف زمام و آخر اعتبار نمیکنند و تکسیر ی و ح ق م ی
میکنند تا یک حرف می آید و عدد صغیر از ان حرف میگویند ی ی م و ق ح.
مثلا الصمد را تکسیر کردیم تا نود اری باشد و حروف سطر آخر بجهة آن اعتبار
نمیکنند که این میزان تکسیر است و صحت تکسیر از ان معلوم میشود و حروف
زمام بجهت آن نمیگیرند که این سطر اصل اسم است و هنوز تکسیر
نیافته و یک نوع تکسیر مغرب رحم آنست که چون خواهند که سطری تکسیر
کنند زمام و آخر هر دو حساب میکنند و درین تکسیر موخر میگیرند اما صدر
نمی گیرند و موخر را بار تکسیر میکنند و آخر در حساب در می آورند و عدد
تکسیر از ان میگویند و مشایخ مغرب سه نوع تکسیر میکنند نوع اول که همه
بر این متفق اند انیست که نود میشود و نوع دیگر آنست که حروف
ملفوظ میگیرند مثلا علی را عین و لام و یا میگیرند و این نوع تکسیر را

زمام و آخر حساب میکنند و از صدر یک حرف میگیرند و از موخر مکرر
می افکنند و باقی را تکسیر میکنند و مجموع را عدد تکسیر مغربیان میگویند
مثال
ش ه ی و س ا ل ا م حروف موخر ع ی ن ل ا م ی ا و صدر و موخر
ش م و ا ی ل ی س م س ی ه م ع ا ی ی ن م ل ا ع ا ن ی
ش س م د ه ل ا ی م م س ه ی ع ا ل ی م ی ا ن ع ی ا ن
ش ی س ا م ل د ه م ی م ه س ع ن ا ی ا م ل ی ع ن ی ا.
ش ه ی د س ا ل ا م م س ی ه م ع ی ن ل ا م ی ا ع ا ن ی
و نوع دیگر آنست که اسم را که تکسیر کنند چنانکه سطر آخر از اول بیرون آید
صدر و موخر نمی گیرند و سمین تکسیر را حساب میکنند و عدد تکسیر میگویند
و تکسیر شیخ ابو العباس آنست که چون خواهند که اسمی چند را باهم تکسیر کنند
تا حروف تکسیر در لوح نهند حروف اتشی را مقدم نهند و بادی را بعد از ان
و ابی را در اثنای ان و خاکی را در آخر و بعد از ان تکسیر کنند و اگر خواهند که
چند اسم را در لوح نهند تکسیر نمیکنند مثال الاحد الصمد الشهید الکریم
ا ا ا ا ا ل ل ل ل ا م م ی ی د د و ه ش ر ص ک ح
این سطر را اگر در لوح خواهند نهاد چنین نویسند و اگر تکسیر خواهند کرد مکرر بیرون

٢	١١	١٤	١
١٣	ب	ن	١٢
٢٠		٩	و
١٠	ع	ـ	١٥

١٦

کنند تا چنین شود ال م ی د ه ش رص ک ح و تکسیر کنند تا سطر اول
بیرون آید و صدر و موخر بگیرند و تکسیر کنند و ه ط آخر حساب بکند و باقی
را حساب کنند و عدد تکسیر اعتبار کنند و دیگر انواع تکسیر از مداخل و تکسیر و بسط
و کبیر و بسط تکسیرات جفریه بخاطر بود اما درین مختصر احتیاج بان نبود امید بکرم
درویشان و قاریان آنکه اگر سهوی چند قلم عفو در کشند و آنچه چند باصلاح آورند نظم
گر خطای بینند ان همدم   بصلاح آورد ز روی کرم
زانکه از روی ماه ای هشیار   شوان دور کرد گرد و غبار
و در خوشحالی و دعوت اسما از خدای تعالی مومنین و مومنات را
امرزش خواهند اعتماد بکرم خداوندی آنست که بعد از قرات اسما عظام
دعای مسبح مومن را رد نخواهد کرد بحکم حدیث نبوی علیه افضل الصلوات
واکمل التحیات قال رسول الله صلی الله علیه و آله لیس شئ اکرم علی الله
من الدعا یعنی حدیث اینست که نیست هیچ چیز گرامی تر بر خداوند تعالی
از دعا و مصداق کلام نبوی از کتاب اسمانی نیست قال الله تبارک و تعالی
وقال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی
سیدخلون جهنم داخرین فارسی این ایه اینست گفت پروردگار شما

بخوانید مرا تا جواب دهم شما را بدرستی که آنانی که گردن کشی کنند از
پرستش من زود باشد که در روند در دوزخ در حالتی که خوار و نگونسار باشند
استدلال آنست که خداوند تعالی دعا را عبادت خواند پس در عبادت
تقصیر نباید کرد و در حق همدیگر دعا کردن هم عبادتست و بهذا ختمنا به
کلامنا فی هذا الکتاب تیمنا بایات الکلام المجید و الحدیث الشریف و الحمد لله الذی
هدانا لهذا ام

تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب فی یوم السبت عشرین شهر
الله الحرام المسمی بالمحرم سنه اربع و ثمنین الف هجریه مصطفویه صلعم
اللهم اغفر لکاتبه و قاریه و لجمیع المومنین و المومنات برحمتک یا ارحم الراحمین

پس معلوم شد که عالم علوی و سفلی همه در تحت فلک الف اند که
عبارتست از اختراع اول و عرش عظیم و عقل نورانی و جوهر
اعلی و روح امر و سر حقیقت و حضرت قدس و سدرة المنتهی و تمامه
حروف تفصیلا و اجمالا از و منشعب و جمیع ان باختلاف
مراتب اطوار و تباین انها از استمداد ازو میکنند و
مرجع همه باوست و حق تعالی عالم را باین حروف آفرید و

اين نزار اعلام و اعلام اسرار احكام خود كرد ايند و اسماء و
محو ونه بكنند نه حق درين حروف مندرج اند و حق نعم و انها كه عاقبت
بدور آنرا بپوشيده گذاشتند تا اسما مصون مانند و اهل
ضلالت بهتك حرمات حق نكنند و اين اين حروف را بر
افلاك و عناصر قسمت كنند و گويند كاركنان افلاك ۹ حرف اند برين
وجه از براى فلك عقل كه ان عرش است و فلك اعظم ا و ع
الف در علويات و عين در سفليات فلك كرسى را كه آن
فلك البروج است ب و ف ب علويات و ف
سفليات زحل ج و ض فلك مشترى د و ق
د علوى و ق سفلى فلك مريخ ﻫ و ر شمس و و س
زهره ز و ت عطارد ح و ث قمر ط و خ و كره
آتش را ى و ذ ى در علويات و ذ در سفليات و كره هوا
را ك و ظ و كره آب را لام و غين و كره خاك را
م و ش و فلك لوح را كه بيش ايشان عبارت است
از عالم [illegible] ص در علويات و در سفليات [illegible] ندارد و
فلك قلم را كه عبارت است از وحى و تنزيل ن در علويات

[illegible] و در سفليات [illegible]